

# توان یاب

سال پانزدهم شماره ۵۵  
(بهار ۱۳۹۴)

۲	سر مقاله
۳	نقش رسانه در تغییر نگرش
۶	حساسیت من، آدم‌های فراموش شده هستند!
۹	رسانه‌های معلولیت محور در ایران امروز
۱۵	معلولان در رسانه‌های جهان
۱۷	مستندسازی بستر خوبی برای فرهنگسازی است
۲۱	معلولیت در رسانه‌ها، پابدها و نیابدها
۲۲	رسانه‌ها حلقه مفقوده در فرهنگسازی برای معلولیت
۲۶	تا وقتی این بچه‌ها هستند، ما هم هستیم
۳۰	به نام دوست
۳۲	امیدواریم با همکاری اصحاب رسانه، نیاز واقعی شهروندان ...
۳۴	وقتی که کار کردن نیاز به حضور در محل خاصی ندارد
۳۸	هدف ما این است که افراد نخبه دارای معلولیت را به دنیا معرفی کنیم
۴۳	نقص جسمانی که در حاشیه قرار می‌گیرد
۴۷	زمزمه
۴۸	زمزمه
۴۹	با مشاهیر معلول
۵۰	تناسب ذهنی همانند تناسب اندام است
۵۲	بهترین روش استفاده از جای سبز
۵۴	معرفی کتاب
۵۶	اخبار و گزارش‌هایی از فعالیت‌های رعد
۶۴	گزارش تکمیلی همایش کارآفرینی اجتماعی
۶۷	نوروزنامه
۶۸	همه چیز درباره عید نوروز باستانی



صاحب امتیاز:  
مجمع آموزشی نیکوکاری رعد  
مدیر مسئول:  
دکتر قاسم صالح‌خو  
سر دبیر:  
دکتر مریم رسولیان  
مدیر اجرایی:  
رضا سخن‌سنج  
دبیر تحریریه:  
هاله باستانی  
همکاران این شماره:  
سهیلا علیخانی، افسانه عسگری،  
سودابه بیات، نازنین رحیم‌زاده  
مترجم:  
علی مجتهدزاده  
گرافیک: پرویز مقدم  
طراح جلد: یاسمن روشنی تبریزی  
صفحه‌آرایی: بهناز گودرزی  
عکاس: نازیلا صادقی  
حروفچینی: سودابه بیات  
شورای سیاست‌گذاری:  
صدیقه اکبری، عبدا.. توسلی،  
دکتر محمد کمالی، دکتر مجید  
میرخانی، دکتر نرگس شفاوردی،  
دکتر مجتبی کامیاب، لیلا انگوتی،  
محمد رضا دشتی



نشانی دفتر نشریه: شهرک غرب  
(قدس) فاز ۲، خیابان هرمزان، خیابان  
پیروزان جنوبی، پلاک ۷۴  
کد پستی: ۱۴۶۶۶ صندوق پستی:  
۱۴۴-۱۴۶۶۵  
شماره تماس: ۸۸۰۸۲۲۶۶ نامبر:  
۸۸۰۷۶۳۲۶  
info@raad-charity.org  
www.raad-charity.org

توان یاب از دریافت مقالات  
و دیدگاه‌های صاحب نظران  
استقبال می‌کند. مقالات  
ترجمه شده همراه با کپی  
اصل مقاله ارسال شود.  
مقالات ارسالی پس فرستاده  
نمی‌شود. توان یاب در ویرایش  
و کوتاه کردن مطالب آزاد است

سطح مشارکت گروه‌های مختلف مردم در امور جامعه ارتباط مستقیمی با رشد، توسعه و امنیت اجتماعی آن جامعه دارد. مشارکت همگان در انجام امور جامعه یکی از ضرورت‌های حرکت در مسیر رشد و توسعه کشورها است. مشارکت همگان به معنای حضور اجتماعی زنان، مردان، جوانان و اقلیت‌های مختلف مانند افراد دارای معلولیت و ... است.

بیش از آن که فراهم نمودن زیرساخت‌های مشارکت همگان در امور جامعه، نیازمند توجه دولت‌مردان و سیاست‌گذاران به این امر باشد، حساسیت جامعه و مطالبه اجتماعی، زمینه‌ساز مشارکت همگانی خواهد بود. از این رو رسانه‌ها به‌طور اعم، نقش اساسی در تغییر نگرش‌های فرهنگی در زمینه معلولیت و نیاز به حضور اجتماعی افراد دارای معلولیت و پذیرش جامعه نسبت به این امر دارند. پایه دیگر این تغییر نگرش، حضور اجتماعی و فعال خود افراد دارای معلولیت و طرح نیازها و توانایی‌هایشان و به دنبال آن آشنایی دیگر گروه‌ها با شرایط آنان است. حضور اجتماعی افراد دارای معلولیت در رسانه‌ها و پرداختن رسانه‌ها به شرایط و یا نیازهای شناخته‌نشده آنان، همه در جهت ارتباط مناسب بین گروه‌های مختلف جامعه و دیده شدن نیازهای این گروه‌ها توسط یکدیگر است.

تصویب قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در سال ۸۳ توسط مجلس شورای اسلامی و عضویت ایران در کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت از جمله مواردی است که به لحاظ قانونی توجه ویژه‌ای به حقوق افراد دارای معلولیت کرده است. اصلاح باورهای عمومی و توجه به ضرورت و اهمیت این پدیده شرط اصلی اجرایی شدن برنامه‌های توسعه‌ای و یا عملیاتی شدن طرح‌ها و قوانین موجود است. در موارد متعددی در پاسخ به نیازهای طبیعی افراد دارای معلولیت مانند اشتغال، ازدواج، نیاز به استقلال و ... پاسخ‌هایی مانند «در شرایطی که این همه جوان تندرست بیکار داریم، صحبت اشتغال افراد دارای معلولیت جایی برای گفتگو ندارد»؛ و یا مشابه همین جملات در مورد ازدواج، نیاز به استقلال و ... بارها و بارها تکرار می‌شود. این رویکرد جداسازی که در نگاه و تفکر گروه کثیری از مردم، سیاست‌گذاران، اصحاب رسانه و حتی خود افراد دارای معلولیت وجود دارد و به خود حق می‌دهند که به علت محدودیت فیزیکی یک فرد همه نیازهای اساسی و پایه‌ای او را نادیده بگیرند و یا او را به عنوان شهروند درجه دو ببینند، نیازمند تغییر است. بسیاری از این باورها در عمق وجود و ناخودآگاه افراد است و قضاوت‌ها و نگرش‌هایی را می‌سازند که در لحظه‌های تصمیم‌گیری‌های کلان در سطح فردی و اجتماعی تأثیرگذار است. نفوذ به این باورها و بحث و گفتگو و طرح بایدها و نبایدها در این موارد، وظیفه رسانه‌ها است.

سردبیر

محمد کمالی چهره شناخته‌شده‌ای در حوزه توانبخشی است. دکتر کمالی دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ایران، فیزیوتراپیست و متخصص آموزش بهداشت و رئیس مرکز تحقیقات توانبخشی دانشکده علوم توانبخشی ایران است. او که سال‌هاست با راه اندازی سایت شخصی خود در زمینه معلولیت و توانبخشی کار رسانه‌ای می‌کند، به نقش شبکه‌های اجتماعی در تغییر نگرش مردم نسبت به پدیده معلولیت تأکید دارد.



## نقش رسانه‌ها در تغییر نگرش

دکتر محمد کمالی فیزیوتراپیست

لطفاً درمورد سابقه کار رسانه‌ای خودتان صحبت کنید. شما از سال‌ها قبل سایتی راه‌اندازی کرده و در این خصوص فعال بوده‌اید. چه نیازی شما را به این حوزه علاقمند کرده‌است؟

من از دوران کودکی علاقه زیادی به نشریات داشتم و همیشه قسمتی از پول توجیبی‌ام را به خرید کیهان بچه‌ها و بعدها کیهان ورزشی و دنیای ورزش اختصاص می‌دادم. در سال ۵۷ که مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی بود وارد دانشگاه شدم، زمان انقلاب فرهنگی وارد جهاد سازندگی شدم. در آنجا، نشریه‌ای محلی را راه‌اندازی کردم. بعد هم که وارد نهضت سوادآموزی شدم اولین کارم راه‌اندازی یک نشریه و خبرنگار در منطقه‌ای بود که کار می‌کردم. در سال ۶۱ وارد جهاد دانشگاهی شدم و باز هم نشریه‌ای به نام "صدق" را راه انداختیم. انتشار این نشریه دانشجویی تا مدت‌ها ادامه داشت. سال ۷۱ وارد سازمان بهزیستی شدم و در سال ۷۴ که از بهزیستی خارج شده بودم با همکاری دکتر سازمند، دکتر بنی‌هاشمی و آقای حجتی نشریه‌ای با مخاطب عمومی را به نام "فرزند سالم" راه‌اندازی کردیم. در آن زمان

دو مجله خانوادگی به نامهای "خانواده" و "روزهای زندگی" منتشر می‌شد و ما سومین ماهنامه‌ای بودیم که در این حوزه فعالیت می‌کردیم. البته روش کاری این دو نشریه با ما فرق می‌کرد، ما می‌خواستیم نشریه‌مان علمی و بدون آگهی باشد که البته نشریه خوبی از کار درآمد و استقبال خوبی هم از آن شد. وقتی من برای بار دوم به سازمان بهزیستی رفتم به تدریج چاپ این نشریه متوقف شد. به هر حال منظورم این است که بگویم گرایش من به مجله، روزنامه و رسانه، سابقه‌ای طولانی دارد. در سال‌های ۷۹-۸۰ که اینترنت در ایران جدی شد من سایت خود را به عنوان اولین کسی که مسئولیتی هم داشت راه‌اندازی کردم. من در آن موقع معاون توانبخشی سازمان بهزیستی کشور بودم و اگر اشتباه نکنم چهاردهمین یا پانزدهمین وبلاگ‌نویس کشور بودم. از همان زمان وقایع توانبخشی را در این سایت می‌نوشتیم که هنوز هم امکان دسترسی به این مطالب وجود دارد. احساس من این بود که باید محتوای فارسی را در وب گسترش دهیم. در آن زمان هنوز مردم با وب و وبلاگ نویسی آشنا نبودند و

فقط افراد خاصی به این امکانات دسترسی داشتند. من به دوستان توصیه می‌کردم که وبلاگ بنویسند و خودم هم گاهی روزی دو پست می‌نوشتم. در آن زمان اگر کلمه توانبخشی را در اینترنت جستجو می‌کردید شاید دویست مورد بیشتر نمی‌دیدید ولی در حال حاضر این رقم به چند میلیون رسیده است. آن چیزی که مرا راغب به نوشتن در وب می‌کرد این بود که فکر می‌کردم تا جایی که می‌توانیم باید به عمومی کردن کلمه توانبخشی و معلولیت، در وب، اینترنت و فضاهای رسانه‌ای کمک کنیم. به یاد دارم که در همان دو دوره‌ای که در بهزیستی مشغول بودم گاهی فقط برای اجرای یک برنامه ده دقیقه‌ای در رادیو جوان، هر هفته از پارک شهر تا جام جم می‌رفتم و برمی‌گشتم و اعتقاد داشتم که این حضور مهم است و بازخوردهای مناسبی هم می‌گرفتم. سعی می‌کردم از هر فرصت رسانه‌ای استفاده کنم چون فکر می‌کردم و می‌کنم که افراد دارای معلولیت و معلولان در جامعه ما مورد غفلت واقع شده‌اند و این غفلت در جامعه ما نسبت به جوامع دیگر خیلی بیشتر است. به هر حال در فرهنگ و ادبیات ما به معلولیت

شماره ۵۵، بهار ۱۳۹۴



نگاه درستی نشده است و همیشه آن را کنار گذاشته‌اند. تصویری که اغلب ما از معلولیت در فیلم‌ها در ذهن داریم يك ناخدای يك چشم با چشم بند مشکی و يك دست قطع شده که به جایش يك چنگک و يك پای چوبی است. یا معلولان را به شکل افراد خودآزار نشان می‌دادند که می‌خواهند یا به خود ضرر بزنند و یا از جامعه انتقام بگیرند. ایده اصلی من از سایت شخصی و وبلاگ نویسی این بود که تا جایی که می‌توانم مساله معلولیت را در رسانه‌ها مطرح کنم تا مردم معلولیت را بشناسند. پروفیسور هلندر در کتابش می‌گوید که در یکی از کشورهای خارجی با زنی میانسال برخورد کردم که مردم او را دیوانه خطاب می‌کردند. وقتی پرس و جو کردم متوجه شدم که پدر او در سن یازده سالگی می‌خواست او را به همسری پیرمردی درآورد و چون او از این ازدواج امتناع کرده بود به او انگ دیوانگی زده بودند، در حالی که او يك زن بسیار مهربان و عادی بود. خودم از دوران کودکی به یاد می‌آورم که بچه‌های محل يك فرد عقب مانده ذهنی را دنبال می‌کردند و به او سنگ می‌زدند و او را دیوانه خطاب می‌کردند. نه تنها در ایران بلکه در جوامع مختلف دنیا هم با مورد غفلت قرار گرفتن معلولان، مواجه هستیم. بسیاری از کارشناسان خارجی که به ایران می‌آیند می‌گویند ما در شهرهای شما فرد دارای معلولیت نمی‌بینیم! واقعیت این است که آن قدر شرایط برای حضور این افراد نامناسب است که افراد دارای معلولیت از خانه‌ها بیرون نمی‌آیند و در سطح جامعه دیده نمی‌شوند. گاهی برخی از دوستان از من گله می‌کنند که تو چقدر این حرف‌ها را می‌زنی؟ من می‌گویم ما آنقدر باید این حرف‌ها را بزنیم و آنقدر باید تذکر بدهیم تا نتیجه بخش شود. همان‌طور که در قرآن کریم هم در مورد تذکر دادن بارها اشاره شده است. افراد دارای معلولیت چون همیشه شهروند درجه دوم حساب شده‌اند، مشکلاتشان هم در وهله دوم قرار می‌گیرد و کمتر به آن‌ها پرداخته می‌شود. این مشکل در دنیای غرب هم وجود دارد ولی البته آن‌ها از ما خیلی جلوترند. در دنیا از خیلی وقت پیش به مساله معلولیت در رسانه‌ها پرداخته شده‌است، حتی در کانال‌های خبری معروف دستورالعملی وجود دارد که چه چیزهایی در برنامه‌ها باید رعایت شوند. از جمله اینکه وقتی می‌خواهند در مورد یک فرد دارای معلولیت صحبت کنند، باید او را فرد دارای معلولیت معرفی کنند نه معلول. یعنی دستورالعمل خاصی در مورد معلولان وجود دارد ولی ما این دستورالعمل‌ها را نداریم و برای همین است که مهران مدیری در سریال هایش از برچسب منگول!!! استفاده می‌کند.

1. People with Disability
2. Disable

**صداوسیما می‌گوید، اگر می‌خواهید روی آنتن باشید باید پول بدهید. سازمانی مانند بهزیستی که بودجه محدودی در اختیار دارد چگونه می‌تواند پولی را که باید صرف معلولان کند، صرف خرید آنتن نماید!**

**منظورتان این است که ما به دستورالعمل‌های در رسانه‌هایمان در خصوص موضوع افراد دارای معلولیت که جمعیت کثیری از شهروندان را شامل می‌شوند نیاز داریم، تا حقوق شهروندی‌شان پایمال نشود. درست است؟**

در بیست سالی که من در حوزه توانبخشی کار کرده و یا مسئولیت داشته‌ام همه تلاش و نیتم این بود که افراد دارای معلولیت را بیشتر مطرح کنم و مساله معلولیت را عادی نمایم. در خیلی از حوزه‌ها این عادی‌سازی باید صورت بگیرد. معلولیت نباید دوره‌ای از ناتوانی، غم و اندوه و یا نابسامانی روحی و روانی به حساب بیاید. معلولیت يك مساله عادی است، يك روز من و شمام هم ممکن است پایمان بشکنند و مجبور شویم آن را گچ بگیریم و آن روز است که متوجه می‌شویم پله چه معضلی برای يك فرد دارای معلولیت است. یا کسی که در روی ویلچر قرار دارد و یا دچار آرتروز است، چگونه می‌تواند از دستشویی ایرانی استفاده کند؟ در دنیا یکی از کارهایی که در جهت راحت‌تر کردن درک مساله معلولیت انجام می‌دهند عادی کردن آن است به خصوص از وقتی که جمعیت سالمندان در همه جوامع افزایش پیدا کرده است. ما نیز در این زمینه تلاش‌هایی کرده‌ایم ولی هنوز در مراحل ابتدایی هستیم. هنوز نیازمند این هستیم که بیشتر بگوییم و نباید خسته شویم هرچقدر هم که بگوییم آدم‌های تازه‌ای هستند که باید بشنوند. متأسفانه در مدارس ما در مورد معلولیت صحبت نمی‌شود و دانش‌آموزان از کودکی یاد نمی‌گیرند با کسی که از لحاظ جسمی با آن‌ها متفاوت است چگونه برخورد کنند. ما نیاز به تدوین دستورالعمل‌هایی در چگونگی برخورد با افراد دارای معلولیت داریم. متأسفانه مشکل ما این است که فکر می‌کنیم جای این بحث‌ها در رادیو، تلویزیون یا روزنامه نیست و شاید بیشترین مشکل ما این است که تن‌ها يك روز به معلولان یا يك روز به نابینایان تخصیص داده می‌شود. به نظر من خود افراد دارای معلولیت باید وارد میدان شوند. اگر خود آن‌ها پیگیر حقوقشان باشند زودتر به نتیجه می‌رسند. همان‌طور که در سازمان ملل این

اتفاق افتاد و کنوانسیون حقوق معلولان را خود آن‌ها به تصویب رساندند و بیشتر کشورها هم آن را پذیرفتند.

**نقش رسانه‌های عمومی مثل صداوسیما خیلی اساسی است ولی آیا دانشکده‌های توانبخشی به دنبال ارتباط با صداوسیما و حضور کارشناسان در حوزه برنامه‌های معلولان بوده‌اند؟**

دانشکده و دانشگاه‌های توانبخشی در این زمینه ضعیف عمل کرده‌اند. یکی از مشکلاتی که در دانشکده‌های توانبخشی داریم نگاه تکنیکی به مساله است، نه نگاه اجتماعی. چون در دانشکده‌های توانبخشی، رشته‌های روانشناسی یا مددکاری اجتماعی وجود ندارند، حوزه اجتماعی این رشته‌ها ضعیف است. فیزیوتراپیست شخصا می‌تواند حساسیت‌های اجتماعی داشته باشد و می‌تواند هم نداشته باشد. ولی ترجیح ما این است که در همان کلینیک‌ها، ارتباط اجتماعی هم ایجاد شود. مشکل دیگر این است که همه نهادهای ما به صورت جزیره‌ای عمل می‌کنند و مثلاً ارتباط بین سازمان بهزیستی با سازمان آموزش و پرورش استثنایی و با جمعیت هلال احمر و با دانشگاه‌ها قطع است، در حالی که در سایر کشورهای دنیا این طور نیست و اگر مثلاً سازمان بهزیستی مشکلی داشته باشد به دانشگاه مراجعه می‌کند و کمک می‌خواهد. سازمان بهزیستی کشور باید با دانشکده‌های توانبخشی ارتباط برقرار کند و در مورد معلولان راهکار بخواهد. اگر این ارتباط به‌وجود بیاید ما می‌توانیم نقش خود را در اجتماعی شدن افراد دارای معلولیت ایفا کنیم، آن وقت است که می‌توانیم با صداوسیما هم ارتباط برقرار کنیم. به‌تازگی رشته‌هایی در مقطع دکترا در دانشگاه به نام رشته مشاوره توانبخشی، سالمندشناسی و سلامت و رفاه اجتماعی راه‌اندازی شده که این رشته‌ها به ایجاد يك فضای اجتماعی منجر می‌شوند. جای این رشته‌ها تا حالا خالی بوده است. به هر حال تا وقتی که من در سازمان بهزیستی بودم ارتباط بیشتری با صداوسیما داشتم. یکی از مسایلی که رابطه بین دانشگاه و سازمان‌ها را با صداوسیما تحت تاثیر قرار میدهد، موضوع برنامه‌های مشارکتی است. صداوسیما می‌گوید اگر می‌خواهید برنامه داشته‌باشید باید هزینه‌اش را خودتان پرداخت کنید، در صورتی که سازمانی مانند سازمان بهزیستی که بودجه محدودی در اختیار دارد چگونه می‌تواند این پول را که باید صرف معلولان کند، صرف خرید آنتن کند؟ درست است که آگاه‌سازی مهم است ولی نه به قیمت این‌که فرد دارای معلولیت یا آسیب دیده اجتماعی، محتاج وسایل ضروری‌اش بماند. صداوسیما باید به آن درک برسد که نسبت به مساله معلولیت به

جامعه‌آموزش دهد و اطلاع‌رسانی کند. البته همان‌طور که می‌دانید قانون هم او را موظف کرده‌است که حداقل هفته‌ای دوساعت برنامه در این زمینه ارائه کند. باید بگویید که يك فرد دارای معلولیت، انسانی است مانند دیگران و باید مورد احترام قرار بگیرد. باید تمام تلاش‌مان این باشد که سازمان‌های دیگر وظیفه خود را درک کنند و سهم افراد دارای معلولیت را در خدمت‌رسانی در نظر بگیرند، نه این‌که بگویند این وظیفه فقط برعهده سازمان بهزیستی است. باید به جایی برسیم که خود رسانه بیايد و بپرسد که در هفته معلولان چه برنامه‌هایی نیاز است که پخش شود نه اینکه ما پیگیری کنیم که برنامه‌ای در این خصوص پخش شود. همان‌طور که رسانه برای يك مسأله سیاسی ده کارشناس سیاسی می‌آورد و با آن‌ها بحث می‌کند، حداقل در هفته معلولان هم چند کارشناس معلولان بیاورد و مشکلات آن‌ها را مورد بحث قرار دهد. وقتی که اولین خط اتوبوس بی‌آرتی در مسیر خیابان آزادی تا تهران‌پارس به‌راه افتاد من خیلی خوشحال شدم که يك سطح شیب‌دار برای ورود به ایستگاه، بدون این‌که درخواستی از طرف سازمان بهزیستی صورت گرفته باشد، تعبیه شده‌است. این نشان می‌دهد که سیستم مهندسی ما به این نقطه رسیده که چنین سطح شیب‌داری نیاز است. اگر شهرداری وقتی پیاده‌رو سازی می‌کند آن را پیوسته درست کند و عرض مناسب برای آن در نظر بگیرد، دیگر ما مشکل مناسب‌سازی نداریم. اگر همه ساختمان‌ها، دارای سطح شیب‌دار باشند دیگر کسی متوجه نمی‌شود که کسی معلولیت دارد. اگر هر ارگانی به وظیفه خود عمل کند، دیگر نیازی نیست که بگوییم چرا به حق و حقوق معلولان توجه نمی‌شود. این مسایل باید در رسانه‌ها مطرح شود. باید به این نقطه برسیم که يك معلول ضایعه‌نخاعی ممکن است بخواهد تن‌ها زندگی کند و خودش تمام نیازهایش را تأمین کند. من همیشه در سخنرانی‌هایم این نکته را گفته‌ام که افراد دارای معلولیت می‌گویند ما نیازمند ترجم نیستیم، شما راه را برای ما هموار کنید خودمان حرکت می‌کنیم.

### آیا تغییر رفتار را می‌توان قانونمند کرد و آن را به صورت قانون درآورد و از همه انتظار رعایت این قانون را داشت؟

به نظر من تغییر رفتار بعد از تغییر نگرش اتفاق می‌افتد. مگر قانون نداریم که عابر پیاده باید پشت چراغ قرمز بایستد؟ مگر قانون نداریم که باید از خط عابر پیاده عبور کنیم؟ مگر قانون نیست که موتورسواران باید از کلاه‌ایمنی استفاده کنند؟ مگر قانون نداریم که دو ساعت از برنامه‌های تلویزیون در هفته به معلولان تعلق گیرد؟ ولی می‌بینیم که این قوانین اجرا نمی‌شود، چون اول باید

### شبکه‌های مجازی ره‌آورد مناسبی دارند که اگر بتوانیم روی این موج سوار شویم، می‌توانیم آن را هدایت کنیم و از آن بهره ببریم

نگرش تغییر کند و باور بوجود بیايد و بعد رفتار تغییر کند. ۹۹ درصد افراد سیگاری می‌دانند که سیگار مضر است ولی باز سیگار می‌کشند، چون نگرش آن‌ها عوض نشده است. به هر حال نقش رسانه‌ها در تغییر نگرش مردم بسیار موثر است.

### نقش رسانه‌های مجازی را در حوزه معلولان چگونه می‌بینید؟ با توجه به تمایل مردم به صفحات اجتماعی و وب سایت‌های مجازی، این سایت‌ها چه نقشی در حوزه معلولیت می‌توانند داشته‌باشند؟ و خود بچه‌های دارای معلولیت چه نقشی می‌توانند ایفا کنند؟

به نظر من باید صفحات وب را تا جایی که می‌توانیم از اطلاعات پر کنیم. در دو سه سال اخیر می‌بینیم که وقتی مردم به پزشک مراجعه می‌کنند، بلافاصله داروی تجویز شده را در اینترنت جستجو می‌کنند و هر روز هم اطلاعات موجود در وب بیشتر می‌شود. امروزه وجود این اطلاعات به يك نیاز تبدیل شده است. اگر فضای مجازی را به دو قسمت تقسیم کنیم؛ يك قسمت سایت‌هایی است که در اینترنت وجود دارند و یکی هم شبکه‌های اجتماعی است، که هر دوی این‌ها به بهترین شکل می‌توانند در تغییر نگرش کمک کنند. من فکر می‌کنم سایت‌ها در گسترش فرهنگ معلولیت می‌توانند بسیار مفید باشند. باید این سایت‌ها را از اطلاعات پر کنیم. متأسفانه در کشور ما نه سیستم پزشکی و نه سیستم توانبخشی آن‌گونه که باید به مردم اطلاعات نمی‌دهند، بنابراین وظیفه مراکز مثل رعد، دانشکده‌های توانبخشی و متخصصان حوزه معلولیت است که صفحات وب را از اطلاعات پر کنند و فضاهای مشاوره‌ای ایجاد کنند تا مردم بتوانند پاسخ سوالات خود را پیدا کنند. من همیشه در این فکر بوده‌ام که فضای مشاوره‌ای در سایت خودم ایجاد کنم که متأسفانه به دلیل محدودیت وقت نگران این هستم که نتوانم به مسوولیت خود عمل کنم و به سوالات مطرح شده پاسخ بدهم. نکته دیگری که باید به آن توجه شود شبکه‌های اجتماعی مثل فیس‌بوک، واتس‌آپ و اینستاگرام... است. خانم دکتر نگین

حسینی صفحه‌ای را در فیس‌بوک ایجاد کرده است و تعداد زیادی از افراد دارای معلولیت و افراد غیرمعلول در آن عضو هستند. فضایی ایجاد شده است که افراد می‌آیند و اظهارنظر می‌کنند و نکته جالب حضور افراد غیرمعلول در این صفحه است. در اینستاگرام يك فضایی وجود دارد که افراد حتی تا پنج میلیون، دنبال کننده دارند. یعنی فردی که يك پست یا عکس را می‌فرستد، هم‌زمان پنج میلیون نفر آن را می‌بینند و این امکان بسیار خوبی است. یکی از دوستان می‌گفت که شرایطی ایجاد کرده که بتوانیم در روزنامه جام جم در مورد معلولیت مطلب بنویسیم، من به او گفتم؛ این خوب است ولی مگر تیراژ روزنامه جام جم چندتاست و چند نفر آن را خواهند خواند؟ ولی اگر شما يك صفحه جذاب و مناسبی را در شبکه‌های اجتماعی برای خانواده‌های افراد دارای معلولیت ایجاد کنید و بتوانید به آن‌ها اطلاعات بدهید، در يك لحظه اطلاعات آن در سراسر دنیا منتقل می‌شود. يك گروه در وایبر به نام فرشتگان سندروم داون ایجاد شده است که پدر و مادر بچه‌های مبتلا به این سندروم، در يك گروه با هم در ارتباطند. حتی بعضی از متخصصان این حوزه نیز در این گروه عضو هستند. این امکان می‌تواند خیلی کمک کند، چون والدین با هم ارتباط می‌گیرند و به خودشان آموزش می‌دهند. می‌توان همین کار را به بیماری‌هایی مثل آلزایمر، سرطان و ام.اس... هم گسترش داد. منظورم این است که شبکه‌های مجازی ره‌آورد مناسبی دارند که اگر بتوانیم روی این موج سوار شویم می‌توانیم آن را هدایت کنیم و از آن بهره ببریم. اگر در حوزه معلولیت بتوان در این صفحات وارد شد پیشرفت خوبی را به همراه خواهد داشت. خیلی از بچه‌های دارای معلولیت در این گروه‌ها مشغول هستند، آقای شهرام مبصر الان دو گروه در واتس‌آپ دارد. انجمن باور در وایبر گروه دارد و می‌دانم که گروه‌های دیگری هم تشکیل شده است. من حتماً به والدین معلولیت‌های تخصصی، توصیه می‌کنم که گروه تشکیل دهند و خودشان وارد صحنه شوند.

### سخن آخر...؟

افراد دارای معلولیت باید خودشان وارد صحنه شوند و فرهنگ‌سازی را شروع کنند. تا وقتی که افراد درگیر معلولیت، خودشان در صحنه حاضر نباشند، راه به جایی نمی‌بریم. بچه‌ها باید خودشان صحنه‌آرایی کنند و اگر این کار را بکنند می‌توانند موفق باشند. آن‌ها باید به مردم بگویند که کی هستند و چه توانمندی‌هایی دارند. این‌طور است که آن‌ها دیده می‌شوند. من فکر می‌کنم شبکه‌های اجتماعی جایی برای دیده شدن است و به راحتی دیگران شما را پیدا خواهند کرد و می‌بینند.





پوران درخشنده فیلمساز پرکاری است که در کارنامه خود فیلم‌های موفق بسیاری دارد. او هم جوایز بسیاری را کسب کرده و هم در مجامع رسمی دنیای سینما، کرسی‌های با ارزشی را از آن خود کرده‌است. اما نقطه درخشان در کارنامه فیلمسازی او، پرداختن به افراد فراموش شده و موضوعات فراموش شده هستند. موضوعاتی که کمتر فیلمسازی به آن‌ها توجه می‌کنند. اما هر کدام از آنها، بسیار تاثیرگذارند و این همان چیزی است که از ابتدای ورود این فیلمساز به حوزه سینما، به دنبالش بوده است.

## حساسیت من

# آدم‌های فراموش شده هستند!

پوران درخشنده | فیلمساز

دنباله‌دار» است و به دلیل جدایی پدر و مادر از هم با پدر بزرگ و مادر بزرگش زندگی می‌کند. پدر بزرگ و مادر بزرگی که امکانات لازم را برای فرستادن او به مدرسه ندارند. این بچه می‌بیند که هم سن و سال‌های او به مدرسه می‌روند ولی او این امکان را ندارد. یا دختر جوان فیلم هیس که اتفاق وحشتناکی در کودکی برایش افتاده و هیچکس نه حرف او را می‌شنود و نه می‌فهمد مشککش از کجا ناشی می‌شود؟ این سهل‌انگاری‌ها باعث مدفون شدن مظلوم‌ترین افراد در بسیاری از خانواده‌ها می‌شود و ناشی از این است که نگاه روانشناختی اجتماعی نسبت این پدیده‌ها نداریم و آن‌ها را به راحتی فراموش می‌کنیم.

چنین افرادی که مشابهشان بسیار زیاد است، در لایه‌های زیرین این جامعه و در عمق تاریخ آن، زندگی می‌کنند. کار من به عنوان یک فیلمساز این است که با همه سختی‌هایی که در مقابلم در برخورد با چنین نمونه‌هایی وجود دارد، آن‌ها را از عمق لایه‌های تخریب شده بیرون بکشم، تمیزشان کنم، برق

آموزش هم می‌تواند روی پدران و مادران و هم روی جامعه موثر باشد. ناصر پسر بچه ناشنوا در فیلم "رابطه" را در نظر بگیرید. او پسر بچه‌ای در سن بلوغ است که به دلیل شرایط خاص جسمانی، شروع به انجام رفتارهای تند و خشونت‌آمیز و پرخاشگری در خانواده می‌کند. یا مثلاً دختری که در فیلم "پرنده کوچک خوشبختی" است. او که مادرش را در مقابل چشمانش از دست داده و به همین دلیل گویایی‌اش هم محدود شده و رفتارهای خشونت‌آمیز از خود نشان می‌دهد. به همین دلیل همه اطرافیان تصمیم می‌گیرند به خاطر این رفتار او را از مدرسه بیرون کنند. هیچکس هم به علت این رفتار فکر نمی‌کند که چرا این بچه چنین رفتاری را از خود بروز می‌دهد و چگونه می‌شود به دنیای او وارد شد؟ یا فیلم "بچه‌های ابدی" که در مورد بچه‌های سندرم داوون است. بچه‌هایی که فراموش شده‌اند و در خانه، به دلیل ترس خانواده از ترحم دیگران و ترس از قضاوت آنها، زندانی هستند. یا دختر بچه‌ای که در فیلم «خواب‌های

انگیزه شما در پرداختن به افراد دارای معلولیت در فیلم‌هایتان چه بوده است؟ شما در فیلم‌هایتان به دنبال طرح موضوع در مورد کسانی بوده‌اید که کمتر کسی تاکنون به آن‌ها پرداخته است. چه شد که به این حوزه علاقمند شدید؟

واقعیت این است که حساسیت من بیشتر روی آدم‌های فراموش شده است. یعنی تصمیم گرفته‌ام راجع به کسانی کار کنم که کسی به فکرشان نیست و مورد غفلت قرار گرفته‌اند. حال چه افراد کم‌توان جسمی و حرکتی باشند و چه افراد کم‌توان ذهنی که به خاطر بی‌توجهی و مورد غفلت قرار گرفتن، به بسیاری از آسیب‌ها بعدی گرفتار می‌شوند. من به این علت به چنین موضوعاتی پرداختم که دیدم هیچکس به این افراد توجه نمی‌کند و این موضوع در سینما هم مورد غفلت قرار گرفته است! از اول با خودم عهده کرده بودم که اگر قرار است روزی وارد سینما شوم، باید به دنبال ترویج یک پیام و یک هدف باشم و نگاهم آموزشی باشد. آموزش غیرمستقیمی که برای چنین افراد خیلی لازم است. این



شماره ۵۵ | بهار ۱۳۹۴



به طور واقعی آشنا شوند. به هر حال بازیگر حرفه‌ای، هر نقشی را بازی می‌کند، ولی این نقش است، واقعیت نیست. اما اگر با بازی یک کودک مبتلا به سندروم داون، نشان دهیم که چنین بچه‌ای چه توانایی‌ها و چه ویژگی‌هایی دارد و چقدر می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار بگیرد، جامعه نسبت به او حساس‌تر می‌شود. وقتی من تاثیر این فیلم‌ها را در جامعه می‌دیدم، خوشحال می‌شدم که مسیر درستی را انتخاب کرده‌ام. سینما فقط شهرت و محبوبیت نیست و من هم به دنبال شهرت نیامده‌ام. البته به دنبال محبوبیت بودم، چون محبوبیت و این‌که مردم دوست داشته باشند، چیز خوبی است. اما اگر به دنبال شهرت و پول آمده باشی دیگر نمی‌توانی چنین مسیری را انتخاب کنی. برای رسیدن به پول و شهرت مسیرهای راحت‌تری هم وجود دارند، ولی مسیری که من انتخاب کردم مسیر ارزشمندی است که خداوند مرا در آن قرار داده است.

**کاری که شما انجام داده‌اید کار بزرگی است و نتایج خوبی هم داشته است. اما آیا فکر نمی‌کنید که هنوز خیلی کم به این مساله پرداخته شده و هنوز جای کار زیادی وجود دارد؟**

بله متأسفانه کارهایی که در این موضوع انجام شده‌است، خیلی اندک هستند و اصلا کار رسانه‌ای قابل قبولی در این خصوص

و جلایشان دهم و در مقابل دیدگان همگان قرارشان دهم و بگویم این کسی بود که شما او را ندیده‌اید! حالا ببینیدش او انسان است، توانایی‌های زیادی دارد و حق زندگی دارد. به خود این فرد هم توانایی‌اش را نشان می‌دهم و می‌گویم که خودت را فراموش نکن، این خودت هستی که باید زندگی کنی و محتاج کسی نباشی. من در این فیلم‌ها به هیچ کدام از شخصیت‌هایم ترحم نمی‌کنم، این‌ها نیاز به ترحم ندارند فقط باید دیده شوند و موانع از جلویشان برداشته شود.

**فیلم‌های شما در حد انتظارتان تاثیرگذار بوده‌اند و شما بازخوردهایشان را دریافت کرده‌اید؟**

بله، این فیلم‌ها خیلی تاثیرگذار بودند. اولین کار من "رابطه" بود و توانست برخورد جامعه را نسبت به افراد ناشنوا تغییر بدهد. فیلم "پرنده کوچک خوشبختی" هم تاثیر خودش را گذاشت. یعنی جامعه متوجه شد که چنین بچه‌هایی وجود دارند که باید با ما زندگی کنند. این‌ها حق دارند که زندگی کنند. در "بچه‌های ابدی" هم بچه‌های مبتلا به سندروم داون دیده شدند و نشان داده شد که آن‌ها هم حقشان است که در کنار ما با راحتی و بدون نگرانی از نگاه دیگران زندگی کنند. بعد از این فیلم خیلی از این بچه‌ها از خانه‌ها بیرون آمدند و پدر و مادرها خجالت نکشیدند که بچه‌هایشان را با خودشان از خانه بیرون بیاورند. حتی بعضی از این بچه‌ها در فیلم‌های دیگر هم بازی کردند. کاری که خیلی برایم اهمیت داشت و خیلی هم برایش سختی کشیدم این بود که این بچه‌ها خودشان، نقش خودشان را بازی کنند. من نخواستم که یک بازیگر به جای آن‌ها بازی کند. در واقع سهم این افراد را به بازیگر ندادم. سعی کردم این بچه‌ها با بازی در این فیلم‌ها، توانمندی‌هایشان را نشان بدهند، تا جامعه بفهمد که این فرد آنقدر توانایی دارد که بتواند به عنوان یک بازیگر در فیلم نقش بازی کند.

**آیا استفاده کردن از افراد دارای معلولیت در نقش خودشان باعث تاثیرگذاری بیشتر می‌شود؟**

بله، خیلی خیلی اثرگذارتر بیشتر است. بازیگران درجه یکی وجود داشتند که می‌خواستند به جای این شخصیت‌ها در فیلم بازی کنند ولی من این نقش‌ها را به کسی ندادم، چون این سهم خود این بچه‌هاست که در این فیلم‌ها بازی کنند. من برای گرفتن سهم این افراد، تلاش زیادی کردم و اگر می‌خواستم سهم آنان را به دیگران بدهم کارم بی‌نتیجه می‌شد. من مایل بودم مردم با این افراد و توانایی‌هایشان،



در جشنواره‌ای که قبلا در موسسه رعد برگزار می‌شد، در یکی دو دوره من به عنوان داور حضور داشتم و این مساله مطرح شد که به بچه‌های دارای معلولیت این امکان داده شود که خودشان دست به کار شوند، خودشان فیلمنامه بنویسند، خودشان فیلم بسازند، خودشان بازی کنند و از این طریق دیده شوند.

انجام نشده است. رسانه‌های فراگیر به همین کاری که من انجام دادم هم به خوبی نپرداختند، چه برسد به این که خودشان کاری در حوزه جامعه معلولان انجام دهند. رسانه‌ها جایگاه این حرکت را نفهمیده‌اند که چقدر می‌تواند تاثیرگذار باشد. حتی خیلی‌ها به من می‌گفتند که این قدر فیلم در حوزه معلولان نسا، برو به دنبال ساختن نوع دیگری از فیلم!

**معلولان از ترس نگاه مردم از خانه‌ها بیرون نمی‌آیند و چون دیده نمی‌شوند، مشکلات آن‌ها هم دیده نمی‌شود. پس این مشکلات می‌ماند و می‌ماند. رسانه‌ها چگونه می‌توانند به وظیفه خود نسبت به این افراد آگاه شوند و در انعکاس و رفع آن قدم بردارند؟**

من هم از این مساله بسیار گله‌مندم که چرا رسانه‌ها نسبت به آدم‌هایی که با ما زندگی می‌کنند این قدر بی‌تفاوت هستند؟ رسانه‌های ما چه مطبوعات، چه رادیو و تلویزیون و حتی شبکه‌های مجازی در پیشبرد این هدف فرهنگی نقش دارند. ولی این داستان مغفول مانده و جدی گرفته نشده است. اگر به نقش آموزش در جامعه اهمیت بدهیم، وظیفه رسانه‌های فراگیر که تا اقصی نقاط کشور را تحت پوشش دارند، پررنگ‌تر می‌شود. باید از آن‌ها خواسته شود که این نقش را به‌درستی ایفا کنند.

**ما از لحاظ مواد قانونی چیزی کم نداریم، طبق قانون جامع حقوق معلولان، صداوسیما باید هفته‌ای دو ساعت در حوزه معلولان برنامه داشته‌باشد، ولی این اتفاق تاکنون نیافتاده‌است. به نظر می‌رسد نگرش دست‌اندر کاران نسبت به این حوزه درست نیست؟**

این موضوع را باید جدی بگیریم، اگر جدی بگیریم عواقب آن وحشتناک خواهد بود و دیگر کاری از دستان بر نمی‌آید. نباید فکر کنیم معلولان يك عده افرادی هستند که در کنار ما زندگی می‌کنند، معلولیت اتفاقی است که برای هرکسی و در هر لحظه‌ای ممکن است بیفتد.

**سالمندی برای هر کدام از ما اگر زنده بمانیم، حتما اتفاق می‌افتد. به نظر شما جامعه ما برخورد درستی با سالمندان دارد و بستر حضور جمعیت سالمند در جامعه را**

**من در این فیلم‌ها به هیچ کدام از شخصیت‌هایم ترحم نمی‌کنم، این‌ها نیاز به ترحم ندارند فقط باید دیده‌شوند و موانع از جلویشان برداشته شود**

مسایل و مشکلات آنان تاثیرگذار باشد. من با فیلم‌های خودم این تغییرات را دیده‌ام. حداقل در خانواده‌های این بچه‌ها که با من در تماس هستند، این تاثیرات را دیده‌ام و می‌دانم که این بچه‌ها در جامعه پیرامون خود، در محله و در محیط کارشان شناخته شدند و به آن‌ها توجه شد و مورد احترام قرار گرفتند. ولی با يك گل، بهار نمی‌شود.

**چه توصیه‌ای به بچه‌های دارای معلولیت دارید؟**

این بچه‌ها خودشان باید دست به کار شوند. در جشنواره‌ای که قبلاً در موسسه رعد برگزار می‌شد، در یکی دو دوره من به عنوان داور حضور داشتم و این مساله مطرح شد که به بچه‌های دارای معلولیت این امکان داده شود که خودشان دست به‌کار شوند، خودشان فیلمنامه بنویسند، خودشان فیلم بسازند، خودشان بازی کنند و از این طریق دیده شوند. شاید تنها کاری که می‌شود کرد این است که خود افراد دارای معلولیت به خودشان و به جایگاهشان فکر کنند. خانواده‌ها هم باید به آن‌ها کمک کنند و تشویقشان کنند که روی پای خود بایستند. این افراد باید بدانند که توانایی‌هایی در حوزه‌های مختلف دارند و باید توانایی‌هایشان را به نمایش بگذارند. وقتی کسی ناشنواست می‌تواند خیلی چیزها را بهتر از دیگران ببیند. کسی که نابیناست خیلی چیزها را بهتر می‌تواند بشنود. توانایی این افراد در حوزه‌های دیگر بسیار بالاست و این چیزی است که مغفول مانده است. از طرفی افرادی که در آموزش و پرورش معلولان نقش دارند باید تلاششان را در ایجاد اعتماد به نفس آن‌ها بیشتر کنند. خانواده افراد دارای معلولیت و آموزش و پرورش، چه عادی و چه استثنایی هر دو نقش زیادی در دادن اعتماد به نفس به این افراد دارند که بتوانند خودشان را به جامعه عرضه کنند، چون آن‌ها باید در این جامعه زندگی کنند.

**برنامه آینده شما چیست و باید منتظر دیدن چه فیلمی از طرف شما باشیم؟**

برنامه آینده‌ام، ساختن فیلمی در مورد طلاق است و به دنبال ساخت فیلمی در مورد سالمندان هم هستم. از وقتی که در اختیار ما قرار دادید سپاسگزاریم.

**که روز به روز بر جمعیتشان اضافه می‌شود را دارد؟**

من از این آماده نبودن جامعه بسیار متأسفم و خیلی مایلم که در مورد سالمندان فیلم بسازم. این کار جزء برنامه‌های آینده‌ام است که چگونگی رابطه با سالمندان را در خانواده و در جامعه ببینیم و به این فکر کنیم که چقدر زود این افراد را از دست می‌دهیم و وقتی که آن‌ها را از دست دادیم، دیگر کاری از دستان بر نمی‌آید. تا وقتی که هستند، باید آن‌ها را ببینیم، نگاهشان کنیم، به آن‌ها محبت کنیم و به جایگاهشان احترام بگذاریم. متأسفانه حرکت درست رسانه‌ای در این خصوص دیده نمی‌شود. فقط در هفته معلولان یا هفته سالمندان، فیلمی یا برنامه‌ای در این رابطه پخش می‌شود. کسی به دنبال کار در این حوزه نیست و به افراد کمی هم که در این حوزه فعالند، توجه درخوری نمی‌شود.

**چرا در رسانه‌های ما به آسیب‌های اجتماعی مثل کودکان کار، اعتیاد و زنان بی‌سرپرست و... بیشتر پرداخته می‌شود تا مساله معلولیت. علت آن چیست؟**

به نظر من علت آن نداشتن مدیریت صحیح است. نبودن مدیریت رسانه‌ای يك درد است. چرا ما در جهت آگاهی مردم قدمی بر نمی‌داریم، مگر یکی از وظایف رسانه‌ها و مهم‌ترین وظیفه آن‌ها آگاهی دادن به مردم نیست؟ وقتی می‌بینیم به مسایل معلولان به‌طور مناسبی برخورد نمی‌شود، این نشانه ضعف مدیریت رسانه‌هاست. در حالی که رسانه می‌تواند در تغییر نگرش و به‌دنبال آن تغییر رفتار مردم در حوزه معلولان رفع



در تاریخ مطبوعات ایران نام «رضا عبدالهی» با «رسانه و معلولیت» پیوندی ناگسستنی دارد. در زمانی که پرداختن به معلولیت و بیان مشکلات معلولان کمتر سطر و ستونی را در رسانه‌های مکتوب به خود اختصاص می‌داد، داشتن یک صفحه کامل با عنوان «با معلولین» آن هم در اول دهه هفتاد شمسی در پرتیراژترین نشریه کشور یعنی «روزنامه اطلاعات» و به صورت هفتگی، جای بسی شگفتی بود. اگر چه تلخ اما واقعیتی ناگزیر است که با توجه به سابقه درخشان روزنامه‌نگاری رضا عبدالهی، بودند کسانی که به وی گوشزد کنند که «پرداختن به موضوع کم اهمیت معلولان به نوعی انتحار حرفه است» اما ایستادگی و ایمان عبدالهی «به راهی که باید رفت» مطبوعات ایران را در مسیری قرارداد که بعدها و همین حالا در اوایل دهه نود ما شاهد حضور پررنگ و پر مشقت معلولان در رسانه‌های کشور باشیم.

صفحه «با معلولین» روزنامه اطلاعات با سردبیری رضا عبدالهی بیش از یک دهه سکندار طرح، بیان و کالبد شکافی مسائل و مشکلات معلولان در مطبوعات ایران شد؛ اگر چه این یار درد آشنای معلولان به حرکت خود با انتشار کوتاه مدت مجله «حرکت» هم ادامه داد اما راهی که او گشود، هنوز باز است... با اختصاص یک شماره از فصلنامه توان‌یاب به رسانه و معلولیت فرصت را غنیمت دانستیم تا با این روزنامه‌نگار کهنه‌کار در دهه پنجم زندگی‌اش در روزگاری که از هوای نامناسب تهران گریزان شده است به گفتگو بنشینیم.

محمد رضا دشتی



در گفت و گو با رضا عبدالهی، روزنامه‌نگار عنوان شد:

## رسانه‌های معلولیت محور در ایران امروز

**آقای عبداللہی شما سابقه دیرینه‌ای در کار رسانه‌ای دارید. به نظر شما ضرورت وجود رسانه به چه نیازی برمی‌گردد؟**

رسانه به زبان ساده یعنی پیامی که از فرستنده به گیرنده منتقل می‌شود، مشروط به این‌که پیام، به قول دکتر محسنیان‌راد دارای «مشابهت‌های معنایی» باشد و یک معنا را برساند. براین اساس هر نماد، هر نشانه، هر ادا و هر ارتباط غیرکلامی نیز می‌تواند به رسانه تعبیر شود؛ حتی زبان بدن می‌تواند، رسانه تلقی شود، میمیک چهره و طرز نگاه و نحوه نشستن و بلند شدن، هر کدام می‌توانند یک رسانه باشند چون پیامی را از فرستنده به گیرنده منتقل کرده و معنای

مشترکی را نمایندگی می‌کنند.

جرج هربرت مید جامعه شناس سرشناس، تعبیری دارد به نام «رسانه کوچک». به قول مید، حتی کلاه نوشته‌ها و پیراهن نوشته‌های تیم‌های ورزشی هم پیامی را منتقل می‌کنند که به آن رسانه‌های کوچک می‌گویند. چندسال پیش یک شرکت تبلیغاتی غربی چند دختر و پسر جوان را استخدام کرد و با کمک آرایشگرها و پیرایشگرهای حرفه‌ای، موهای پشت سر این افراد را طوری طراحی کرد که لگو یا آرم شرکت‌های متقاضی را نمایش می‌داد. درواقع این جوانان تبدیل به یک تابلوی تبلیغاتی متحرک و سیار شده بودند که با

حرکت خود در معابر، کالا یا خدمات آن شرکت را تبلیغ می‌کردند. می‌خواهم بگویم تعریف رسانه خیلی گسترده‌است، حتی دود آتش سرخپوستان که به مخاطب دوردست پیامی را منتقل می‌کرد هم یک نوع رسانه بوده‌است.

رسانه در تعریف مدرن و جدید آن برمی‌گردد به اواخر قرن نوزدهم. البته پس از اختراع چاپ توسط گوتنبرگ رسانه‌های چاپی و ادواری وجود داشته‌است، ولی پیدایش رسانه به معنای اخص و امروزی آن، به اواخر قرن نوزدهم، با توسعه کابل‌های زیردریایی و از دهه ۶۰ میلادی با گسترش ماهواره‌های دوربرد برمی‌گردد. در دهه‌های اخیر نیز





با به وجود آمدن و گسترش «روز افزون» رسانه‌های دیجیتال و سایبری تحول بزرگی در این خصوص به وجود آمده است. بنابراین در جریان تحول و تطور رسانه‌ای، رسانه‌های مکتوب و نوشتاری و بعد رسانه‌های دیداری و شنیداری پا گرفت. رسانه‌های جادویی اخیر تأثیرشان به مراتب بیشتر است. تحقیقی که در این خصوص انجام شده نشان می‌دهد که تأثیر رسانه‌های دیداری و شنیداری نسبت به رسانه‌های نوشتاری، ۴۳ درصد بیشتر است، یعنی رسانه‌های دیداری و شنیداری ۴۳ درصد بیشتر مخاطب را ترغیب به دریافت پیام مورد نظر می‌کنند. این رسانه‌ها چون صدا و تصویر دارند و حالت زنده بودن را تداعی می‌کنند، جذابیت بیشتری دارند.

در دهه‌های اخیر هم، مفهوم «چند رسانه‌ای» ایجاد شده و از تک رسانه‌ای خارج شده‌ایم، که دنیای مجازی نمونه آن است. حتی امروزه تلفن‌های هوشمند می‌توانند، شبکه‌های اجتماعی مثل وایبر و فیس بوک را پوشش دهند. بنا بر این اگر افراد دارای معلولیت بخواهند از طریق رسانه‌ها در ترویج آرمان‌های‌شان تلاش کنند، صرفاً نباید به رسانه‌های نوشتاری بسنده کنند، بلکه باید هم‌زمان از همه امکانات موجود حقیقی و مجازی و حتی وایبر و فیس بوک استفاده ببرند.

**با همه اینهایی که گفتید آیا هنوز نیاز به نشریات ویژه افراد دارای معلولیت وجود دارد؟ شما خودتان هم، اولین کسی بودید که صفحه ویژه معلولیت را در روزنامه اطلاعات راه‌انداختند و هم اولین نشریه مستقل در این مورد را. چه هدفی از این کار داشتید؟**

پژوهشگران علوم ارتباطات و جامعه‌شناسان راجع به کارکردهای رسانه‌ای خیلی بحث کرده‌اند. یکی از معروف‌ترین تعاریف آنها این است که رسانه‌ها ۳ کار عمده می‌کنند. یکی در زمینه خبری و اطلاع‌رسانی است، دومی در زمینه تفریح و سرگرمی و سومی در زمینه ارتقاء دانش عمومی. قاعدتاً اگر بخواهیم تغییر نگرش عمومی نسبت به افراد معلول ایجاد کنیم و آرمان‌های جنبش مدنی معلولان را گسترش دهیم، باید از هر سه عامل خصوصاً عامل سوم بیشتر استفاده کنیم.

وقتی از کارکردهای رسانه صحبت می‌کنیم یکی از مهم‌ترین بحث‌ها، بحث مخاطب است. وقتی یک نشریه راه‌اندازی می‌شود، از اولین چیزهایی که به آن توجه می‌شود مخاطب سنجی است و این‌که رسانه بتواند بر مخاطب فراگیر تأثیر بگذارد.

تا به حال چهار رویکرد کلی راجع به این قضیه مطرح شده‌است. رویکرد اول این است که رسانه، تأثیری قوی، محکم، آنی و فوری

**وقتی اولین شماره نشریه «حرکت» منتشر شد، از رادیو بین‌المللی فرانسه با من تماس گرفتند و مصاحبه کردند. برای یک رادیوی برون مرزی چاپ اولین نشریه مستقل ویژه افراد دارای معلولیت آن قدر جذاب بود که از هر طریق توانسته بودند شماره تلفن مرا به دست آورده و با من مصاحبه کنند**

دارد. در این رویکرد مخاطب کاملاً منفعل است. نظریه معروف «تزریق» یا «گلوله جادویی»، معطوف به این رویکرد است که می‌توان پیام را توسط سرنگ فرضی رسانه به ذهن مخاطب فراگیر وارد کنیم، یا گلوله‌ای را به سمت یک مخاطب انبوه شلیک کنیم که بتواند اکثریت زیادی را تحت تأثیر قرار دهد. اصولاً یکی از مفاهیم عمده در رسانه مدرن، همین فراگیر بودن آن است.

رویکرد بعدی این است که رسانه، تأثیر قطعی ندارد و مخاطب می‌تواند فعال باشد و حتی به قول تامپسون مخاطب می‌تواند پیامی را که دریافت می‌کند، بازتولید، بازتعریف یا دستکاری کند و اصطلاحاً به «تملک» خودش درآورد. در این رویکرد مخاطب منفعل نیست.

رویکرد سومی که مطرح شده این است که، رسانه تأثیر می‌گذارد ولی به قول مانوئل کاستلز پژوهشگر پرآوازه ارتباطات و جامعه‌شناسی، پیام وقتی تأثیر می‌گذارد که مخاطب آمادگی دریافت آن را داشته باشد. این رویکرد می‌گوید رسانه بر مخاطب تأثیر می‌گذارد مشروط به این‌که عواملی از پیش تأمین شده‌باشد، عواملی مثل معرفت زمینه‌ای مخاطب یا ساخت اجتماعی مرتبط ... و

رویکرد آخر هم این است، که رسانه‌ها و مخاطب با یکدیگر یک «رابطه تعاملی» دارند و هر دو بسته به شرایط و موقعیت و امکاناتی که وجود دارد، بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. ژان پل سارتر در مبحثی، رابطه وجودی کتاب، نویسنده و خواننده را بررسی می‌کند. حال ما می‌توانیم به جای کتاب، مطلق آفرینش‌های ادبی و رسانه‌ای را در نظر بگیریم. او می‌گوید: چنان‌که موجودیت

فرفره در چرخیدن است، موجودیت کتاب هم در حضور خواننده معنا می‌یابد، یعنی اگر مخاطب نباشد، رسانه بلاموضوع است. باز هم به قول ژان پل سارتر، «نوشتن و خواندن دو روی یک رویداد تاریخی است». البته ما می‌توانیم به جای کتاب، رسانه را و به جای خواننده، مخاطب را در نظر بگیریم که نشان دهنده رابطه تعاملی یا تعبیر خاص مدافعان «اصالت وجود»، «رابطه وجودی» است. به طور کلی مخاطب یا عام است، یا خاص؛ مثلاً وقتی صفحه «با معلولان» در سال ۷۱ در روزنامه اطلاعات که یک روزنامه عام، سراسری و پرتیراژ بود شروع شد، در کنار توجه جدی به افراد دارای معلولیت، مخاطب عام مورد نظر بود. این صفحه به عنوان مثال هم مطالبی در زمینه پیشگیری از معلولیت‌ها داشت و هم مطالبی در مورد نگرش عمومی مردم نسبت به افراد دارای معلولیت؛ اما وقتی که مجله «حرکت» را منتشر کردم، رویکرد اصلی نشریه، اثرگذاری روی مخاطب خاص بود. چون این نشریه ویژه افراد دارای معلولیت بود.

خاطره‌های بگویم. در آن زمان که صفحه با معلولان را برعهده داشتیم، یک ماه پس از اعلام سراسری اسامی قبول‌شدگان کنکور، اسامی قبول‌شدگان دارای معلولیت را از بهزیستی گرفتم و بدون توضیح خاصی آن را چاپ کردم. به طوری که تقریباً دوسوم صفحه را اسامی این افراد پر کرده بود. در آن زمان سیستم صفحه‌بندی روزنامه هنوز دستی بود. صفحه‌بند ما وقتی صفحه را می‌بست با دیدن مطلب، با تعجب و ناخواسته از من پرسید: «واقعاً این همه افراد دارای معلولیت در کنکور قبول شده‌اند؟!» آن‌جا بود که من اولین بازخورد این کار را دیدم. چاپ اسامی افراد دارای معلولیت بعد از یک ماه مسلماً جنبه خبری نداشت، اما هدف من مخاطب عام بود و می‌خواستیم به طور غیرمستقیم این پیام را برسانم که افراد دارای معلولیت، افرادی صرفاً و لزوماً با نقش‌ها و منزلت‌های پایین اجتماعی نیستند. در واقع این افراد در همه رده و در همه جایگاه‌ها و موقعیت‌های اجتماعی حضور دارند، حتی و مخصوصاً در عرصه تحصیلات تکمیلی و آموزش عالی.

من در سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ همکاری خودم را با روزنامه اطلاعات آغاز کردم. در آن زمان در زمینه‌های مختلف سیاسی و فرهنگی مطلب می‌نوشتیم، و حتی قصه و داستان کوتاه. اتفاقاً دو تا از داستان‌های چاپ شده من در مورد زندگی معلولیتی است، و شخصیت‌های اصلی آن دارای معلولیت هستند.

در سال ۷۱ که صفحه با معلولان را با حمایت‌های تحسین برانگیز آقای دعایی راه‌اندازی کردم، تا آن زمان هیچ رسانه‌ای در ایران به طور خاص و مستمر در رابطه



مرزی چاپ اولین نشریه ویژه افراد دارای معلولیت آن قدر جذاب بود که از هر طریق توانسته بودند شماره تلفن مرا به دست آورده و با من مصاحبه کنند. منظورم این است که بازتاب بیرونی این نشریه به سهم و در اندازه خود بسیار وسیع و گسترده بود. اما در داخل هیچ اتفاقی و حمایتی کارساز صورت نگرفت. اگر می‌توانستیم یکی دو سال دوام بیاوریم تا مخارج نشریه سر به سر شود، قطعاً می‌توانستیم ادامه حیات دهیم. در واقع ما به قدری از لحاظ مشکلات مالی در مضیقه قرار گرفتیم که پس از ۵ شماره، چاپ این نشریه متوقف شد! ما واقعا مورد بی‌مهری قرار گرفتیم، چه از طرف سازمان‌های ذی‌ربط و چه از طرف خود معلولان. اگر حتی بخش کوچکی از خود افراد دارای معلولیت هم هر کدام یک شماره آن را به طور مرتب می‌خریدند، نشریه روی پای خودش می‌ایستاد و می‌توانست به کار خود ادامه دهد. برنامه‌ام این بود که این نشریه را از یک نشریه تخصصی روشنفکری معلولیتی به سمت رسانه‌ای برای افراد معلول عادی ببرم. اصولاً یکی از مشکلات ما این است که جمعیت همگنی نیستیم. انسان‌هایی هستیم با طبقات مختلف اجتماعی با سطوح مختلف تحصیلاتی و رفتاری و اخلاقی و محدودیت‌های اجتماعی متعدد و مختلف. یک نشریه بورژوازی نمیتوانست، مسایل و مشکلات عامه افراد دارای معلولیت را

با معلولان کار نکرده بود. چون خودم معلولیت داشتم و از طرفی کار روزنامه‌نگاری هم می‌کردم، احساس کردم، افراد دارای معلولیت نیاز به تریبونی خاص دارند، که موضوع معلولیت و جنبه‌های مختلف آن را منعکس کند. از طرفی همیشه یکی از هدف‌های جنبش مدنی افراد دارای معلولیت این بوده و هست، که مخاطب عام را نسبت به پدیده معلولیت آشنا کند و آن نگرش عمومی نادرست را تغییر دهد. به همین خاطر مخاطب عام را سوژه خوبی دیدم و سعی کردم موضوع معلولیت را به خانواده‌ها بیاورم. چندسال بعد یعنی در سال ۷۶ احساس کردم که زمینه تا حدودی فراهم شده است، که مخاطب خاص را هدف قرار دهیم، پس مجله «حرکت» را راه‌اندازی کردم. به این ترتیب اولین نشریه مستقل و غیر دولتی و سراسری تاریخ مطبوعات ایران متولد شد.

**آیا شما در آن زمان از همین صفحه «با معلولان» در روزنامه اطلاعات و از نشریه «حرکت» در همان زمان کوتاه انتشارش، بازخوردی از طرف خوانندگان داشتید؟**

بله. اولین بازخورد من همان عکس‌العمل دوست صفحه بند ما در مواجهه با اسامی قبول شدگان کنکور بود. ضمن این‌که موفقیت همین صفحه بود که باعث شد، اعتقاد تقویت شود، که معلولیت یک سوژه بسته نیست و می‌تواند در قالب یک نشریه تخصصی ویژه هم گسترش پیدا کند. ولی متأسفانه به دلیل مشکلات مالی، نشریه «حرکت» از حرکت باز ایستاد. اگر مشکل مالی نداشتیم حتماً نشریه ادامه پیدا می‌کرد. من خودم، صاحب امتیاز و مدیرمسئول و سردبیر این نشریه بودم. در آن زمان فقط دو نفر کادر ثابت داشتیم؛ یکی من بودم و دیگری دوست عزیزم آقای رضایی سردبیر دیگر نشریه که از خبرنگاران بسیار زنده خبرگزاری هستند و خودشان هم معلولیت دارند.

وقتی مجله حرکت چاپ می‌شد ما از کشورهای حوزه خلیج فارس تا اروپا و آمریکا و کانادا بازخورد داشتیم و حتی تحسین سازمان ملل متحد را هم برانگیختم، چون این نشریه را با پست به خارج کشور هم می‌فرستادیم. این نشریه یک نشریه خاص بود و مخاطبان برون مرزی ما هم به طبع خاص بودند. خلاصه مطالب هر شماره به به زبان‌های انگلیسی، عربی و گاهی فرانسه در انتهای مجله کار می‌شد. جالب است بدانید که وقتی اولین شماره نشریه «حرکت» منتشر شد، از رادیو بین‌المللی فرانسه با من تماس گرفتند و مصاحبه کردند. برای یک رادیوی برون



**نگاه حقوقی و شهروندی بسیاری از مشکلات فراروی افراد دارای معلولیت را کاهش می‌دهد، و «سبیطره اکثریت» را به چالش می‌کشد. در این نگاه فرد معلول دارای حقی است، که از او دریغ شده و باید اعاده شود، نه فردی مستحق دریافت امتیاز ویژه نوع دوستانه.**

پوشش دهد.

بنابراین جمع کردن این افراد در یک مجموعه سخت است، خصوصاً این که عمدتاً بچه‌ها از موقعیت‌های فردی و اجتماعی نازلی برخوردارند. طبق هرم «مازلو»، وقتی فرد نیازهای اولیه حیاتی و فیزیولوژیکش هنوز برآورده نشده باشد، به دنبال مسایل متعالی و خودشکوفایی نمی‌رود، چون اول باید نیازهای سطوح پایین‌تر هرم تامین شود. ما به دنبال این بودیم، که این مجله را از صبغه نخبگی و روشنفکری خارج کنیم و آرام آرام بیشتر به سمت افرادی برویم، که در سطوح پایین‌تر اجتماعی و تحصیلاتی بودند ولی از نظر جمعیتی تعداد بیشتری را شامل می‌شدند.

### صفحه با معلولان تا چه زمانی در روزنامه اطلاعات ادامه داشت و چرا متوقف شد؟

من حدود شش سال تا پیش از سفر اجتناب ناپذیرم به خارج از کشور مسولیت این صفحه را برعهده داشتم. پس از من خانم نگین حسینی که یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای و از نیروهای ثابت روزنامه اطلاعات بودند، مدیریت این صفحه را به عهده گرفتند. ایشان یک چهره شناخته شده در حوزه مسایل معلولیتی و یکی از مطلع‌ترین و دلسوزترین افراد در حوزه معلولیت است و انصافاً به نحو شایسته‌ای مسیر را ادامه دادند. تلاش‌های متنوع و متعدد ایشان در این حوزه با وجودی که خودشان الحمدلله از سلامت کامل برخوردارند، ستودنی است.

دستی: در جلسه‌ای که با حضور آقای دعایی و خانم حسینی و تعدادی از افراد اهل قلم که در حوزه معلولان فعال بودند، تشکیل شد، همه به این نتیجه رسیدند، که مطالب مربوط به معلولان را به جای اینکه در یک صفحه خاص بیاورند، در صفحات مختلف پخش کنند. مثلاً در صفحه اقتصادی مسایل اقتصادی معلولان، در صفحه اجتماعی مسایل اجتماعی آنان و در صفحه هنری به مسایل هنری معلولان پرداخته شود. چون دوستان عقیده داشتند که مسایل مربوط به معلولان به این رشد و بالندگی رسیده است که بتواند در بین صفحات دیگر پخش شود.

### چرا رسانه‌های ما اعم از صداوسیما و روزنامه‌ها اصولاً نسبت به مسایل معلولان کم‌اعتنا هستند؟

دلایل زیادی برای این مساله می‌توان ذکر کرد که من به سه تا از بهترین دلایل آن اشاره می‌کنم. اولین دلیل آن سیاست‌زدگی است. سیاست حتی در ملکول ملکول هوایی که استشمام می‌کنیم وجود دارد و گریزی از آن نیست. به عبارتی، سیاست شرط لازم جهان مدرن است. «کارول هانیش» فمینیست پر آوازه شعار معروفی دارد، که به نماد موج دوم

نظریه‌ای به نام «سکوت مارپیچ» دارد. ایشان می‌گویند حتی خود افراد مورد تبعیض فرضاً انسان‌های دارای معلولیت، دوست ندارند درباره موضوعی صحبت کنند که مورد پسند اکثریت جامعه نیست.

دلیل سومی که می‌توانم بیان کنم این است که، در خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های سراسری از اولین کارهایی که انجام می‌شود، تقسیم‌بندی روزنامه‌نگاران و خبرنگاران در سرویس‌های مختلف است. یک مکتوب نانوشته‌ای وجود دارد، چه در روزنامه‌ها و چه در خبرگزاری‌ها، که غالباً خبرنگاران خبره و باسابقه‌تر بیشتر به سرویس‌هایی که به نظر مهم‌تر می‌آیند مثل سرویس اقتصادی و سرویس سیاسی هل داده می‌شوند و خبرنگارهای تازه کار و آنهایی که از تبحر کمتری برخوردار هستند، عمدتاً به سرویس‌های به ظاهر کم اهمیت‌تر مثل سرویس‌های اجتماعی می‌روند. یکی از حوزه‌های خبری سرویس اجتماعی، سازمان بهزیستی است که معمولاً مسایل معلولیت هم در حوزه‌ی این سازمان قرار می‌گیرد.

بنابراین برخی از خبرنگارانی که در این حوزه کار می‌کنند، تبحر لازم را ندارند، یا تازه کار هستند، هر چند ممکن است، بعدها به روزنامه‌نگاران و خبرنگاران شاخص و ماهری تبدیل شوند. دلیل دیگری هم که می‌توان ذکر کرد این است که روزنامه‌نگاران و متولیان نشریات گمان می‌کنند معلولیت یک سوژه بسته است و جای پرداختن ندارد و فقط موضوع یک گروه محدودی است که تمام زندگیشان معطوف به مسایل خیریه‌ای، توانبخشی و جنبه‌های پزشکی است. بنابراین می‌بینیم که جایگاه افراد معلول در رسانه‌های عمومی هم جایگاه محکمی نیست.

### حال چه باید کرد؟ راهکار شما چیست؟

بعضی از این عوامل مانند سیاست‌زدگی رسانه‌ها، تقریباً از دست ما خارج است. ولی برای سیطره نگاه اکثریت، می‌توان با کار فرهنگی و به تدریج روی آن تأثیر گذاشت. در بخش سوم هم، ما خودمان می‌توانیم فعال‌تر باشیم. تشکل‌های افراد دارای معلولیت، جمعیت‌های معلولان و به خصوص روزنامه‌نگاران دارای معلولیت، می‌توانند با همکاران خود در سرویس‌های اجتماعی و حوزه‌های خبری بهزیستی و امور معلولیت تعامل برقرار کنند و شناخت و دانش این افراد را نسبت به پدیده معلولیت افزایش دهند.

ما در حرفه‌مان اصطلاحی داریم به نام «ممتدکردن رسانه‌ای»، که از «جامعه‌شناسی ارتباطات» وام گرفته شده است. ممتدکردن رسانه‌ای یعنی این که، خبر یک رسانه دیگر را بازتولید، دستکاری و تغییر دهید و در قالب همان موضوع،

اگر افراد دارای معلولیت بخواهند از طریق رسانه‌ها در ترویج آرمان‌هایشان تلاش کنند، صرفاً نباید به رسانه‌های نوشتاری بسنده کنند، بلکه باید همزمان از همه امکانات موجود حقیقی و مجازی و شبکه‌های اجتماعی مثل وایبر و فیس‌بوک بهره‌برند

فمینیسم تبدیل شد. او می‌گوید: «شخصی سیاسی است». در واقع می‌خواهد بگوید، در جهان معاصر هیچ چیز شخصی نیست، و همه چیز سیاسی است. یک معنای البته نادرست این حرف این است، که سیاست به معنای خاص آن نسبت به سایر امور برجسته‌تر شود، و مسائلی که به نظر خارج از شمول آن است، در اولویت نباشد. فراتر از سخن‌هایش باید گفت، ماهیت رسانه‌ها، عمدتاً اجتماعی است، یعنی روزنامه‌ها و رسانه‌ها به معنای عام، ماهیتی اجتماعی دارند، مگر آن که به فرض، زمینه فعالیت آنها تخصصی بوده، یا رسماً ارگان تبلیغی - ترویجی احزاب و جناح‌های سیاسی و ... باشند، اما در کشور ما که سیاست بر همه چیز غلبه کرده است، مسایل افراد دارای معلولیت همراه با مسایل اجتماعی دیگر، به اولویت‌های پایین فرستاده شده است.

دلیل دومی که می‌توان ذکر کرد این است که اکثریت جامعه ما، سالم‌گزین و زیباگزين هستند و از نقص دوری می‌کنند. درست یا نادرست به زعم بسیاری از افراد سالم، معلولیت یعنی نقص در ساختار و برهم زنده تعادل زیباشناسانه؛ حتی وقتی می‌گوییم بین معلولیت و سلامت کسری از ثانیه فاصله است و ممکن است هر فرد تندرستی در عرض آنی دچار معلولیت شود، پذیرش آن برای جامعه سخت است. نگاه حاکم بر جامعه ما و خیلی از جوامع دیگر، نگاه اکثریتی است و اکثریت بر آن سیطره دارند. گرچه معلولان بزرگ‌ترین اقلیت اجتماعی هستند، ولی باز اقلیت هستند و مانند همه اقلیت‌های دیگر مسایل و مشکلاتشان کمتر دیده می‌شود. الیزابت نوئل نیومن از نظریه پردازان علوم ارتباطات،



یک موضوع جدیدی بیافرینید. یعنی خبر اول را از رسانه‌های می‌گیرید، به تملک خود در می‌آوردید و آن موقع یک موضوع و یک قالب خبری جدیدی را برایش ایجاد می‌کنید که نسبت به خبر اولیه از قدرت اقناعی و غنای بیشتری برخوردار است. مثلاً اگر جمع کوچکی از معلولان دور هم جمع شوند تا از یکی از همتایان موفق خود تجلیل کنند، این خبر برای یک روزنامه سراسری یا یک خبرگزاری عام ارزش خبری بالایی ندارد، ولی اگر خبرنگاری براساس همان ممتدکردن رسانه‌های، این خبر را بگیرد و در قالب یک مصاحبه با همان معلول موفق بیاورد، آن موقع شاید برای مخاطب عام هم زندگی موفقیت‌آمیز فردی با همه مشکلات و محدودیت‌های پیش رو جالب باشد. می‌خواهم بگویم می‌توانیم مسایل معلولان را برای دوستان خبرنگار جوانان بیشتر ترویج کنیم، و آنان را هم با دنیای معلولیت و هم تجارب روزنامه‌نگاران حوزه معلولیت بیشتر آشنا کنیم.

**لطفاً نقش سازمان‌های مردم نهاد و نقش خبرنگاران دارای معلولیت را در این مورد بیشتر باز کنید. چه تعاملی بین رسانه و سازمان‌های مردم نهادی مثل مجتمع رعد می‌تواند ایجاد شود و یک رسانه از یک سازمان مردم نهاد چه توقعی می‌تواند داشته باشد؟**

وقتی شما به موضوع معلولیت اشراف داشته باشید و خودتان دارای معلولیت باشید و از نظر تخصصی هم روزنامه‌نگار باشید، حتماً می‌توانید بهتر کار کنید. شاید اگر برای خیلی از مسوولان روزنامه‌ها، موضوع معلولیت باز شود و دامنه وسیع و گسترده آن تعریف شود، آنها هم راغب بشوند تا در این حوزه کار کنند. چون بحث ما رسانه‌است، خودمان را محدود می‌کنیم به این‌که چگونه می‌توانیم موضوعات افراد دارای معلولیت را در قالب رسانه بیاوریم؟ یا چگونه می‌توانیم «رسانه‌های معلولیت محور» را توسعه دهیم؟ چه در بحث گسترش رسانه‌های تخصصی و رونق پیدا کردن آن و چه در بحث حضورمان در رسانه‌های دیگر به خصوص رسانه‌های دیداری - شنیداری، می‌شود از زوایای مختلف بحث کرد.

من برای این‌که از پراکنده‌گویی پرهیز شود، از بین همه عوامل موجود دو عامل مهم را مورد بحث قرار می‌دهم. به نظر من یکی از آنها بخش «اقتصاد اجتماعی» است. همان‌طور که قبلاً اشاره کردم اولین نشریه مستقل در حوزه معلولیت که همان نشریه حرکت بود به دلیل مشکلات مادی از حرکت باز ایستاد. همین الان هم هر نشریه‌ای در هر حوزه‌ای راه‌اندازی شود، یکی از عمده‌ترین دغدغه‌هایش، بحث مالی و اقتصادی است.

**وقتی سازمان‌های مردمی داوطلب، خدماتی اجتماعی ارایه می‌کنند، منافع این خدمات اجتماعی، چه مادی و چه غیرمادی وارد جامعه می‌شود. بنابراین یک رابطه کاملاً برد-برد به وجود می‌آید**

یعنی باید یک برآورد مالی داشته باشد و در یک بازه زمانی مشخص به یک بازده سر به سر برسد و بعد در یک دوره زمانی دیگر، به سوددهی احتمالی برسد. نشریات تخصصی، از طریق تک فروشی و اشتراک نمی‌توانند روی پای خود بایستند. شاید یک نشریه ورزشی یا خانوادگی بتواند خوب آگهی بگیرد ولی نشریه تخصصی در هر زمینه‌ای چه معماری، چه محیط زیست و ... نمی‌تواند با روش‌های سنتی روی پای خود بایستد. جذب اسپانسر هم به صورت خاص برای نشریه‌های معلولیت محور، شاید در کوتاه مدت و از طریق تحریک احساسات انسانی و عاطفی و مذهبی خیران و نیکوکاران امکان پذیر باشد ولی در درازمدت ادامه نخواهد یافت.

بیابید ببینیم در کشورهای توسعه یافته از چه الگویی استفاده می‌کنند. در کشورهای توسعه یافته بخشی به نام بخش اقتصاد اجتماعی وجود دارد؛ این بخش نه دولتی است و نه خصوصی، اما هم از دولت و هم از بخش خصوصی کمک می‌گیرد. در این کشورها «سازمان‌های مردم نهاد داوطلب»، هم از بخش خصوصی و هم از دولت کمک می‌گیرند. اما چگونه؟ دولت به جای اینکه بیاید و پول مختصری را در کوتاه مدت به این سازمان‌ها بپردازد، به سازمان‌ها و موسسات دولتی و خصوصی که تمایل دارند از سازمان‌های مردم نهاد داوطلب حتی در قالب کار پاره وقت رایگان در این مراکز حمایت کنند، یا تسهیلاتی در اختیارشان بگذارند، حمایت می‌کند. مثلاً بخشیدگی درصدی از مالیات بردارآمد، یکی از این حمایت‌هاست که دولت انجام می‌دهد. وقتی یک موسسه اقتصادی چه

دولتی و چه خصوصی بداند که با کمک مالی به سازمان‌های داوطلب مثلاً مشمول معافیت مالیاتی می‌شود، تشویق می‌شود که چنین سازمان‌هایی را مورد حمایت قرار دهد. سازمان‌های مردم نهاد داوطلب، غیرانتفاعی هستند و سودی ندارند اما برای تامین مخارج امور جاری و روزمره خود و پرداخت حقوق به کادر ثابت خود، نیاز به سرمایه دارند و این سرمایه از این طریق جبران می‌شود. از طرفی، پولی که سازمان‌های دولتی و خصوصی به سازمان‌های داوطلب می‌دهند، ضد تورم است و حتی می‌تواند در قالب ارزش افزوده برگردد. وقتی سازمان‌های مردمی داوطلب، خدماتی اجتماعی ارایه می‌کنند، منافع این خدمات اجتماعی، چه مادی و چه غیرمادی وارد جامعه می‌شود. بنابراین یک رابطه کاملاً برد-برد به وجود می‌آید. یعنی به جای اینکه تشکلهای معلولان به دنبال خیران و نیکوکاران بگردند که آیا کمکی بکنند یا نه، این موسسات دولتی و خصوصی هستند که به دنبال این سازمان‌های مردم نهاد معلولان هستند. در بیان اهمیت سازمان‌های داوطلب در کشورهای توسعه یافته همین بس که مثلاً در امریکا بیش از یک میلیون و چهارصد هزار سازمان مردمی داوطلب وجود دارد، و ۳۹ درصد از آمریکاییان به نحوی با این مراکز در ارتباطند.

راهکار دوم، به رسمیت شناختن افراد دارای معلولیت به عنوان شهروند است. یعنی حقوق شهروندی افراد دارای معلولیت به رسمیت شناخته شود و این افراد به عنوان شهروند درجه دوم و چندم محسوب نشوند. اگر همین مورد محقق شود، بسیاری از مشکلات خود به خود حل می‌شوند. این همان چیزی است که هابرماس جامعه‌شناس معاصر و محبوب من، به آن «ایده گفت‌وگو» می‌گوید. «کنش ارتباطی» که هابرماس می‌گوید ناظر به این موضوع است که دمکراسی مشارکتی در عرصه اجتماع ایجاد شود. وقتی این اتفاق افتاد و همه آحاد مردم، شهروند درجه یک محسوب شدند، آنها خودشان با هم همکاری می‌کنند، و مشکلاتشان را کاهش می‌دهند. وقتی نگاه اقلیتی و نگاه شهروند درجه دو نسبت به معلولان نشود، آنها راحت‌تر سوال می‌کنند که مثلاً آقای مسوول صداوسیما، چرا با وجودی که در قانون جامع حمایت از معلولان دو ساعت در هفته به مسایل معلولان اختصاص داده شده‌است، این اتفاق نمی‌افتد؟ حتی اگر قانون هم نباشد معلولان به عنوان شهروندان این کشور دارای حقوق شهروندی و انسانی هستند. نگاه حقوقی و شهروندی بسیاری از مشکلات فرا روی افراد دارای معلولیت را کاهش می‌دهد، و «سیطره



جزیره‌ای عمل کردن، از جمله عوامل موفق نبودن ما در برخی از امور است. اگر هم افزایی کنیم و توانایی‌ها و تجربه‌های خود را به اشتراک بگذاریم، می‌توانیم خیلی موفق‌تر ظاهر شویم

معلولان رشد و گسترش زیادی هم از نظر کمی و هم کیفی داشته‌اند. به نظر من جنبش مدنی افراد دارای معلولیت بسیار موفق ظاهر شده، خوب فعالیت کرده و در بسیاری از جاها توانسته دیدگاه‌ها را تعدیل کند. به خصوص حضور بچه‌ها در دانشگاه‌ها خیلی بیشتر شده است. وقتی معلولان مدارج عالی را طی می‌کنند، در جامعه از نقش مدنی بالاتری برخوردار شده و اثرگذاری بیشتری در جامعه خواهند داشت. البته هنوز با نقطه ایده‌آل فاصله زیادی داریم و اگر بخواهیم خودمان را با جوامع توسعه‌یافته مقایسه کنیم، باز هم یک شکاف عظیمی را می‌بینیم. ولی اگر بخواهیم خودمان را با گذشته خودمان مقایسه کنیم، واقعا جای خرسندی و خوشحالی است. جای قدردانی از افراد دارای معلولیت، خصوصا بانوان دارای معلولیت وجود دارد که بدون هیچ تعارفی چه در تحصیل و چه در ورزش و مجموعا در همه عرصه‌ها بسیار خوب درخشیده‌اند، به عنوان نمونه می‌توانیم از زهرا نعمتی قهرمان طلایی رشته تیراندازی با کمان یاد کنیم، که به اردوی ورزشکاران سالم هم دعوت شده است.

البته ما وقتی درون خانواده خود قرار می‌گیریم، باید ویژگی خودانتقادی داشته باشیم. باید ببینیم در این مسیری که گذرانده‌ایم چقدر پیشرفت کرده‌ایم، کجا موفق بودیم، کجا موفق نبودیم و عدم موفقیت ما به چه خاطر است؟ مثلاً یکی از مشکلات ما، پراکندگی و جدایی میان افراد دارای معلولیت با هم و شکافی است که بین تشکل‌های معلولان وجود دارد. این جزیره‌ای عمل کردن، از جمله عوامل موفق نبودن ما در برخی از امور است. اگر هم‌افزایی کنیم و توانایی‌ها و تجربه‌های خود را به اشتراک بگذاریم، می‌توانیم خیلی موفق‌تر ظاهر شویم. بزرگ‌ترین آرزوی من این است که ما معلولان بیشتر از گذشته به این خودآگاهی برسیم که بهترین کسی که می‌تواند به ما کمک کند، خودمان هستیم. نقش دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های دولتی و خصوصی همه به جای خود محفوظ، ولی تا وقتی که خودمان بلند نشویم و به خودمان نپردازیم، مسلماً نمی‌توانیم توقعی از همسایه‌ها و دیگران داشته باشیم.

از فردی با ویلچر یا از فرد نابینایی دعوت کند که در مورد یک موضوع غیرمعلولیتی، صحبت کارشناسی کند، از این طریق به مخاطب به طور غیرمستقیم این پیام را می‌دهد که معلولیت نمی‌تواند مانع حضور در جایگاه‌های برتر کارشناسی شود. مثال دیگر اسباب بازی‌های ویژه‌ای مثل عروسک باربی دارای ویلچر است که از سال‌ها قبل در بعضی کشورها دیده بودم. یعنی از همان کودکی بچه‌ها را با مقوله معلولیت آشنا می‌کنند، یا کارتون‌ها را در همین چند سال پیش به خاطر دارم که در مورد اتفاقات چند نوجوان همبازی بود، که از قضا یکی از آنها ویلچرنشین بود، با این حال تاکید مستقیمی بر معلولیت او نمی‌شد. این پیامی است که به کودکان و نوجوانان داده می‌شود و القا می‌کند که افراد دارای معلولیت، موجودات عجیب و غریب فضایی نیستند.

یکی از اشکالات رسانه‌های عمومی ما این است که علاوه بر بی‌اعتنایی نسبت به معلولیت، آنجا هم که وارد می‌شوند، به خوبی موضوع را پردازش نمی‌کنند. این رسانه‌ها یا معلولان را انسان‌های ناتوان و محتاج حمایت دائمی معرفی می‌کنند، یا از آنها یک اسطوره می‌سازند. در حالی که اکثریت قوی معلولان مثل اکثریت افراد غیرمعلول، نه اسطوره و مورد عنایت ویژه آسمانی هستند و نه انسان‌های محتاج دریافت کمک‌های دائمی و نه ثمره گناه خود و والدین‌شان و...

### و سخن آخر ..؟

وقتی من دوران فعلی را با دورانی که اولین صفحه معلولیت را در روزنامه اطلاعات پایه‌گذاری کردم مقایسه می‌کنم، بسیار خوشحال می‌شوم از این که می‌بینیم

اکثریت» را به چالش می‌کشد. در این نگاه فرد معلول دارای حقی است، که از او دریغ شده و باید اعاده شود، نه فردی مستحق دریافت امتیاز ویژه نوع دوستانه.

### آیا ایجاد این شرایط، نیاز به مدیریت رسانه‌ای ندارد؟

در همان ابتدای بحث گفتم که پژوهشگران علوم ارتباطات به رابطه بین مخاطب و رسانه چگونه نگاه می‌کنند و عقیده دارند که یک رابطه تعاملی بین رسانه و مخاطب وجود دارد. رسانه تاثیر زیادی در شکل‌گیری افکار عمومی و نگرش عمومی دارد. ولی این تاثیر یک تاثیر مطلق نیست. براساس آنچه تامپسون می‌گوید، مخاطب آنچه را دریافت می‌کند، برحسب معرفت زمینه‌ای و موقعیت اجتماعی است که دارد. در واقع رسانه می‌تواند تاثیر بر مخاطب بگذارد ولی این تاثیر، صد درصد نیست. با این که رسانه تاثیر دارد ولی به موازات کار رسانه‌ای، در بخش‌های دیگر هم باید اتفاقات خوبی رخ دهد. اگر این اتفاق بیافتد، عین چرخ دنده‌های یک ساعت است که وقتی همه با هم می‌چرخند، مجموعه که همان ساعت است، خوب کار می‌کند.

مسئله باید برای بالا بردن کیفیت رسانه‌ها تلاش کرد که این تلاش منجر به تغییر نگرش در جامعه خواهد شد. ولی این رابطه، یک طرفه نیست که فقط رسانه بگوید و مخاطب بپذیرد. در خیلی موارد رسانه‌ها می‌آیند و در یک موضوع خاص مخاطب را «بمباران خبری» می‌کنند ولی دقیقا نتیجه عکس می‌گیرند. در کشورهای توسعه یافته یکی از کارهایی که به خصوص در رسانه‌های تصویری - شنیداری انجام می‌دهند این است که پیام‌های غیرمستقیم به مخاطب می‌دهند. مثلا وقتی بچه بودم، به یاد می‌آورم که سریالی به نام ایرون ساید پخش می‌شد که کارآگاهی را نشان می‌داد، که روی ویلچر نشسته بود. این شخص یک کارآگاه موفق بود و این فیلم به طور غیرمستقیم به مخاطب این پیام را می‌داد که یک فرد دارای معلولیت می‌تواند با پشتکار و تلاش به نقطه‌ای برسد که در قالب یک کارآگاه حرفه‌ای ظاهر شود. اگر صداوسیما



# معلولان در رسانه‌های جهان

چرا این موضوع مهم است؟ به دلیل آن که اولاً طبق آمار رسمی حدود ده درصد از جمعیت جهان را افراد دارای معلولیت تشکیل می‌دهد و ثانياً در بسیاری از کشورها افراد دارای معلولیت فاقد دسترسی به اطلاعات در مورد سیاستگذاری‌ها، قوانین، بهبود برنامه‌ها و سرویس‌هایی هستند که مستقیماً به آنها مربوط می‌شود.

این شکاف اطلاعاتی موجب دور ماندن آنها از زندگی اجتماعی و اقتصادی می‌شود.

گسترش سطح حضور افراد دارای معلولیت در جامعه، نیازمند به رسمیت شناختن همه افراد به عنوان اعضا جامعه و احترام به حقوق آنان است. این حضور تلفیقی شامل حصول اطمینان از مشارکت افراد دارای معلولیت در همه خدمات پایه‌ای که در دسترس عموم افراد جامعه قرار دارد، می‌باشد. همچنین شامل رفع موانعی است که از نظر فیزیکی، فکری و غیره افراد معلول را از مشارکت کامل در جامعه باز می‌دارد.

به این نکته نیز باید توجه کرد که بهبود، یکسان‌سازی فرصت‌ها و دسترسی به خدمات و اطلاعات برای برنامه‌های راهبردی کاهش فقر به عنوان یک هدف مشترک جامعه جهانی، امری حیاتی است.

رسانه‌های جمعی مثل تلویزیون، رادیو، روزنامه، اینترنت و دیگر رسانه‌ها در جامعه نقش مهمی بر روی نظرات و نگرش‌های مردم دارند.

انتخاب کلمات و تصاویر می‌تواند تعیین‌کننده ادراک، نگرش و رفتار بوده و مشخص می‌کند که چه چیزهایی برای افراد و محیط اطراف آنها اهمیت دارد.

چگونگی به تصویر کشیدن افراد دارای معلولیت در رسانه‌ها و فراوانی انتشار آن تاثیر بسیار زیادی بر چگونگی دیده شدن آنان در جامعه دارد.

اگرچه در رسانه‌ها، مستندهای تلویزیونی مانند برنامه‌های خاص مرتبط با معلولیت تولید و پخش می‌شود، (منظور به طور عام در سطح جهان) اما معلولان به ندرت در برنامه‌های روزانه رسانه‌ها گنجانده شده و ممکن است به صورت سوژه‌هایی ترحم‌آمیز یا فوق قهرمانانی با مقاومت افراطی، جلوه کنند.

شرکت دادن آنها در برنامه‌های منظم رادیو و تلویزیونی و سایر رسانه‌ها می‌تواند به ایجاد تعادل برای حضور افراد دارای معلولیت در رسانه‌ها کمک کرده و با کلیشه‌های پیش پا افتاده و القا کننده درک منفی از پدیده معلولیت، مبارزه کند.

ارایه برنامه‌هایی همراه با کرامت و احترام به افراد معلول می‌تواند باعث ارتقا جایگاه آنان در جامعه شود.

## افسانه‌هایی نادرست در مورد معلولیت:

- تعداد افراد دارای معلولیت زیاد نیست. پس معلولیت موضوع مهمی نیست. در حالی که افراد دارای معلولیت در تمام جوامع وجود دارند اما بسیاری از آنها پنهان‌اند و یا از حضور در جامعه محروم هستند. وجود موانع فیزیکی، قانونی، ارتباطی و نگرشی باعث محدود شدن مشارکت این افراد در فعالیت‌ها شده است. همچنین معلولیت ممکن است قابل دیدن نباشد.
- معلولیت (صرفاً) موضوعی مربوط به سلامتی است در حالی که مشارکت فرد دارای معلولیت در فضای کاری و یا جامعه، نیازمند چیزی فراتر از توجه به اختلال فرد است.
- افراد دارای معلولیت قادر به دستیابی به استانداردهای عملکردی نیستند و استخدام آن‌ها ریسک به همراه دارد در حالی که طبق گزارش شرکت امریکایی عملکرد کاری افراد دارای معلولیت برابر و حتی بهتر از دیگران بوده است. گزارش‌های مشابهی در مورد کارکنان مورد بررسی در شرکت‌های استرالیایی، هلندی و انگلیسی وجود دارد.
- برای تأمین دسترسی سطوح شیب‌دار، ویلچرها و امکانات بهداشتی کافی است. در حالی که قابلیت دسترسی قویا با طراحی در ارتباط است. در طراحی، نیازهای فرد (چه دارای معلولیت چه غیر آن) در نظر گرفته می‌شود.
- هزینه‌ی قابل توجهی برای مناسب‌سازی فضای کاری برای افراد دارای معلولیت مورد نیاز است در حالی که اکثر کارکنان دارای معلولیت به تنظیمات و اصلاحات ویژه‌ی محیط کاری نیازی ندارند و آن‌هایی هم که نیاز دارند، با هزینه‌ای بسیار کمتر از تصور مردم قابل اجراست.

در همین راستا و به منظور ایجاد فضایی بدون تبعیض و با فرصت‌هایی برابر در تمام سطوح اجتماعی و اقتصادی برای افراد دارای معلولیت، توصیه‌های عملی به رسانه‌ها از نظر ارائه تصاویر مثبت و جامع از زنان و مردان دارای معلولیت تهیه شده است تا در اختیار روزنامه‌نگاران رسانه‌ها و تولیدکنندگان و مجریان برنامه حوزه معلولان قرار بگیرد.

- حقایقی در مورد افراد دارای معلولیت: ۸۰ درصد افراد دارای معلولیت در کشورهای در حال توسعه زیر خط فقر قرار دارند و بیشتر آن‌ها در مناطق خارج از شهر که دسترسی محدودی به خدمات وجود دارد، زندگی می‌کنند.
- در مواردی که این افراد استخدام شده‌اند، غالباً در مشاغل با دستمزد پایین، بدون آینده‌ی شغلی و شرایط نامناسب قرار دارند.
- حقوق افراد دارای معلولیت در تمام کشورهای دنیا به نحوی نقض می‌شود.
- بیش از ۹۰ درصد کودکان دارای معلولیت در کشورهای در حال توسعه به مدرسه نمی‌روند.
- معلولیت و فقر با هم همبستگی مثبت دارند. افراد فقیر به علت شرایطی که در آن زندگی می‌کنند بیشتر در معرض معلولیت هستند و معلولیت به علت محدود کردن فرصت‌ها برای تحصیل و توسعه توانایی‌ها احتمالاً منجر به فقر می‌شود.
- زنان دارای معلولیت با چالش‌های بیشتری روبرو هستند.

1. DuPont



شماره ۵۵، بهار ۱۳۹۴

چگونگی به تصویر کشیدن افراد دارای معلولیت در رسانه‌ها می‌تواند به افزایش آگاهی افراد جامعه در مورد واقعیت‌هایی که این افراد با آن‌ها مواجه‌اند، کاهش قالبی فکر کردن‌ها و پیش‌داوری‌ها کمک کند. این‌که چه زمانی و چگونه معلولیت به تصویر کشیده شود و از چه زبانی برای ایجاد ادراک مثبت نسبت به این مسئله استفاده شود، می‌تواند موجب به‌وجود آمدن احترام، نسبت به حقوق افراد دارای معلولیت و وقار آن‌ها شود.

چگونگی به تصویر کشیدن  
افراد دارای معلولیت در رسانه‌ها می‌تواند  
به افزایش آگاهی افراد جامعه در مورد  
واقعیت‌هایی که این افراد با آن‌ها  
مواجه‌اند، کاهش قالبی فکر کردن‌ها و  
پیش‌داوری‌ها کمک کند

- چگونه رسانه‌های گروهی می‌توانند در ارایه تصویری مثبت از افراد دارای معلولیت کمک نمایند؟ از طریق ارتقا آگاهی‌ها درباره چالش‌هایی که افراد دارای معلولیت با آنها مواجه می‌شوند و هم‌چنین موضوع‌های مرتبط با آنان و عوامل موثر در مشکلات معلولان و مواردی که باعث برچسب خوردن به افراد دارای معلولیت می‌شود.
- آوردن بحث معلولیت به عرصه جامعه تا ایده «تابو بودن» آن، به چالش کشیده شود.
- به تصویر کشیدن افراد دارای معلولیتی که دارای تخصص، توانمند در ارائه خدمات به سایرین و حامی مطمئن برای خانواده و اجتماع خود هستند.
- بهبود سیاست‌گذاری‌ها، محصولات، ارائه خدمات و طراحی و ساخت محیط‌ها در راستای مشارکت کامل همه آحاد جامعه از جمله افراد دارای معلولیت.
- انتشار اطلاعات مربوط به امکانات حمایتی جامعه شامل منابع حمایتی محلی و ملی در پایان مقاله یا یک برنامه تلویزیونی به منظور حصول اطمینان از دسترسی افراد دارای معلولیت و خانواده‌های آنها به اطلاعات مورد نیازشان و هم‌چنین انتشار اخبار در مورد بهبود سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های ملی.
- پیشبرد این پیام که افراد دارای معلولیت در تمامی جوامع دنیا حضور دارند و دارای احساسات، علایق، استعدادها، مهارت‌ها و رفتارهایی مانند سایر افراد جامعه هستند و باید پیچیدگی‌های شخصیتی آنان نیز مانند سایر افراد همسن آنان به تصویر کشیده شوند.

### چند توصیه دیگر:

به معلولان اجازه دهید که از طرف خودشان صحبت کنند. تجربه نشان می‌دهد وقتی که يك معلول با اعتماد به نفس و اقتدار در مورد يك موضوع خاص صحبت می‌کند افراد غیر معلول بیشتر باور می‌کنند که معلولان افرادی آگاه هستند. درك جامعه را از موضوعاتی که افراد دارای معلولیت با آن مواجه می‌شوند ارتقا دهید.

برداشت‌های نادرست از معلولیت را به تصویر بکشید و نمایان کنید.

اطلاعات عملی را تدارك ببینید: معمولاً تلاش‌های رسانه‌ای در صورتی که يك فرد غیر معلول را در ملاقات بعدی‌اش با يك فرد معلول یاری نمایند بیشتر موثر خواهد بود.

توصیه‌های عملی می‌تواند بسیار ساده باشد: مثلاً سوال: با يك فرد دارای ناشنوایی چطور صحبت کنیم؟ پاسخ: من می‌توانم معمولی و واضح صحبت کنم تا وی بتواند لب‌خوانی کند. من می‌توانم روی کاغذ برای وی بنویسم.

با روزنامه‌نگاران دارای معلولیت یا آنهایی که دارای فرد معلول در خانواده هستند کار کنید تا به سیمای افراد دارای معلولیت اعتبار بیشتری داده شود.

بر «قهرمان» بودن معلولان بیش از اندازه و زیاد تاکید نکنید. حتی اگر جامعه «قهرمانان» را تحسین نماید. «فوق قهرمان» نشان دادن معلولان انتظارات عمومی را به طور غیر واقعی از سطحی که معلولان باید به آن نایل شوند بالا می‌برد.

### (Endnotes)

۱. این مقاله با استفاده از Media Guidelines For The Portrayal of disability, www.ilo.org متن فارسی آقای دکتر آریا همدانچی توسط خانم سیده سنا قائم مقامی تهیه شده است.

### توصیه‌هایی برای به کارگیری فرهنگ مناسب در

#### به کارگیری لغات در معلولیت:

- در نوشته و بیان خود از به کار بردن عباراتی مثل «میتلا به مولتپل اسکروز، میتلا به سربال پالسی و غیره خودداری کرده و به جای آن از عبارت‌هایی مثل «افراد دارای سربال پالسی و یا افراد دارای فلج مغزی» استفاده شود.
- از به کار بردن عبارت‌هایی مثل «نقایص مادرزادی و دفورمیتی» خودداری شود و به جای آن از عبارت‌هایی مثل «افرادى که با معلولیت بدنیا آمده اند و یا افرادی که از بدو تولد معلولیت داشته‌اند» استفاده شود.
- از به کار بردن کلماتی مثل «زمین‌گیر» خودداری شود و به جای آن از عبارت‌هایی مثل «افراد دارای معلولیت فیزیکی» افراد دارای اختلالات حرکتی - افرادی که از عصا استفاده می‌کنند یا افرادی که از واکر استفاده می‌کنند» به کار برده شود.
- از به کار بردن کلماتی مثل «منگول» و «منگولیسیم» خودداری شود و به جای آن از عبارت‌هایی مثل «افراد دارای سندرم داون» استفاده شود.
- از به کار بردن عبارت‌هایی مثل «افراد نرمال» خودداری شود و به جای آن از عبارت‌هایی مثل «افراد فاقد معلولیت» و «افراد غیر معلول» استفاده شود.
- از به کار بردن نام‌گذاری‌هایی مثل «اسپاستیک» خودداری و به جای آن از عباراتی مثل «افراد دارای اسپاسم عضلانی» استفاده شود.

#### 1. Terminology

۲. استفاده از ترمینولوژی مناسب در هر زبان بستگی به فرهنگ آن جامعه هم دارد و انتخاب واژه‌های مناسب در زمینه معلولیت نیز برعهده افراد صاحب نظر می‌باشد. چنانکه در زبان فارسی «نا توانی» ترجمه دقیق‌تری برای لغت «disability» است ولی بار منفی بیشتری نسبت به کلمه «معلولیت» دارد که در این متن از آن به استفاده شده است.







محمد پیروزرام کارشناس حوزه آی تی و فارغ التحصیل رشته تصویرسازی است اما به دلیل دغدغه های اجتماعی که داشته به مستندسازی و آن هم مستندسازی در حوزه معلولیت روی آورده است. به گفته خودش او سرشار از ایده و موضوع در خصوص معلولیت است که این ایده ها را از برخورد و ارتباط با افراد دارای معلولیت توانمند کسب کرده و امیدوار است که بتواند مستندهای بیشتری در این حوزه بسازد.

## مستندسازی

# بستر خوبی برای فرهنگ سازی است

محمد پیروزرام | مستندساز

**لطفاً در ابتدا از خودتان بگویید و این که چه شد به مستند سازی علاقمند شدید؟**

محمد پیروزرام هستم، تخصصم در زمینه سیستم های اطلاعاتی است ومدیر کارشناسی تصویرسازی را دارم ولی به خاطر علاقه زیادی که به هنر داشتم وارد کار مستندسازی، عکاسی و شاخه های هنری از جنس رسانه شدم. به عنوان شغل در حوزه بازاریابی و تبلیغات مشغولم اما چون همیشه دغدغه های اجتماعی داشتم این نوع سوژه ها همیشه ذهن مرا درگیر می کرد. یکی از دلایلی که به سمت مستندسازی گرایش پیدا کردم این بود که آن را بستر خوبی برای بیان ایده ها و فرهنگ سازی در حوزه های اجتماعی دیدم.

**چه شد که از این همه موضوعات اجتماعی به مستندسازی در حوزه افراد دارای معلولیت گرایش پیدا کردید؟**  
مطالعات اجتماعی و آمارهای علمی موجود نشان می دهد که سطح

شادکامی در مردم ما و خصوصاً در جوانان بسیار پایین است. براساس آمار، کشور ما از لحاظ سطح شادکامی در بین دویست و بیست کشور جهان رتبه دویست و دوم را دارد و متأسفانه فضای کلی جامعه جوان ما گرایش زیادی به ناامیدی و منفی گرایی دارد و اغلب در حال ناله کردن و شکایت هستند. من به عنوان عضوی از این جامعه می دیدم که سطح امید در بین جوانان جامعه آن طور که باید پررنگ نیست و به همین خاطر درگیر سوژه امید و این که چگونه می توان امید رادر جامعه، به خصوص در جوانان افزایش داد، شدم. من با افراد مختلفی در تماس بودم تا این که با فردی به نام احمد ارجمندی، یک فرد مبتلا به فلج مغزی آشنا شدم. احمد با وجود مشکلات فیزیکی زیادی که داشت فیلم های بسیاری ساخته بود و در چندین جشنواره بین المللی هم جایزه گرفته بود. او جوانی است که بدون هیچ کمک و مساعدتی این

همه کار کرده بود، به طوری که وقتی پدرش عکس او را در روزنامه می بیند باور نمی کند که فرزند خودش باشد که فیلم ساخته و جایزه گرفته است! احمد تعریف می کرد که وقتی برای گرفتن مجوز به وزارت ارشاد اسلامی می رفته خیلی ها فکر می کردند گدا است و اگر برای استراحت در گوشه های می نشسته مردم جلوی پایش پول می ریختند! او تعریف می کند که وقتی برای گرفتن جایزه در جشنواره به روی سن رفته هیچکس او را تشویق نکرد. شاید فکر می کردند که نماینده فیلمساز هستم و وقتی مجری اعلام کرد که من خود فیلمساز هستم افراد حاضر در سالن بلند شدند و ده دقیقه کف زدند.

وقتی احمد را دیدم که با وجود مشکلات جسمانی اش بیست نفر را روی سن می برد و تئاتر برگزار می کند و با وجود مشکلات اقتصادی و فرهنگی موجود کار می کند و کارش را پیش می برد، دیگر جایی برای غرزدن و



شماره ۵۵، بهار ۱۳۹۴



بهانه تراشیدن برای افرادی مثل من به عنوان يك فرد تندرست باقی نمی ماند. تصمیم گرفتم که این مساله را به عنوان دستمایه کارم برای ایجاد امید قرار بدهم. چون می دیدم که وقتی با افراد ناامید صحبت می کنم معمولا شروع به توجیه کردن علت ناکامیشان می کنند که اگر فلان شخص موفق شده چون پدرش فلانی بوده و یا شانس داشته و یا پول داشته و... دیدم وقتی افرادی مثل احمد را جلوی چنین افرادی بگذارم دیگر هیچ بهانه ای و هیچ توجیهی نمی توانند بکنند. جالب این بود که در مستندی که از احمد ساختم همه کسانی را که آوردم و در مقابل احمد نشاندم از خودشان خجالت می کشیدند از این که می دیدند چگونه این فرد با تمام مشکلاتش، کارش را پیش می برد و موفق است. در مستندهایی هم که ساختم همیشه بچه های دارای معلولیت را در توانمندی شان نشان داده ام نه در نقطه ضعف. در این مستندها احساس ترحم نسبت به این افراد ایجاد نمی شود بلکه آن ها را افرادی می بینم که موفقند و پیش می روند. از اینجا بود که با سوژه معلولیت درگیر شدم. تا این که اقای سعید شریعتمداری که از پیشکسوتان مرکز رعد هستند مرا با این موسسه آشنا کردند و از من خواستند مستند جشنواره حضرت علی اکبر(ع) را بسازم. این کار را انجام دادم و از آن به بعد با سوژه های مختلف و افراد مختلف آشنا شدم و فیلم های مختلفی ساختم.

### شما تاکنون چه تعداد فیلم در حوزه افراد دارای معلولیت ساخته اید؟

شاید بیش از ده فیلم در این مورد ساختم. آخرین فیلم من هم که در روز جهانی معلولان در روز دوازدهم آذرماه در مؤسسه رعد به نمایش درآمد، فیلم کوتاه "سلام آقای شهردار" بود. هم چنین تئاتری هم که در همین مراسم، در آمفی تئاتر موسسه رعد به نمایش درآمد، کار من بود. از دیگر فیلم هایی که ساختم "ایستادن خیلی قشنگه" و بالا رفتن ماهانا جامی از پله های برج میلاد و مستند

### در مستندهایی هم که ساختم همیشه بچه های دارای معلولیت را در توانمندی شان نشان داده ام نه در نقطه ضعف

جشنواره حضرت علی اکبر(ع) و فیلمی که در جشنواره آرزوها به نمایش درآمد را می توانم نام ببرم.

### به عنوان يك فیلمساز دیدگاه شما و رویکرد شما نسبت به موضوع معلولیت چگونه است؟

رویکرد من شخصا این است که افراد معلول با غیرمعلول فرقی ندارند و تنها تفاوت، در مشکل فیزیکی افراد دارای معلولیت است. که اتفاقا، همین مشکل باعث شده خیلی از این افراد روی توانمندی هایی که دارند، بیشتر تکیه کنند و تلاش بیشتری داشته باشند. و این چیزی است که جوانان جامعه ما چه تندرست و چه معلول به آن نیاز دارند. من زیاد به دسته بندی معلول و غیرمعلول عقیده ندارم. روزی از یکی از همین دوستان دارای معلولیت پرسیدم آیا دوست داشتنی تندرست بودی؟ گفت نه. چون وقتی می بینم فلان جوان با وجود این که معلولیت ندارد، معتاد است و در گوشه ای افتاده است و یا افراد تندرستی را می بینم که کارهای احمقانه انجام می دهند و به خود و اطرافیانشان ضرر می زنند، خدا را شکر می کنم که عقلم سالم است و فقط جسمم مشکل دارد. متاسفانه معلولان فکری در جامعه ما خیلی زیادند و این افراد خطرناکند. آن کسی که قسمتی از بدنش معلولیت دارد و یا در راه رفتن مشکل دارد، همین که عقل سالمی دارد، تفاوتی با افراد تندرست از لحاظ انسان بودن ندارد. مهم این است که به مردم و جوانان

نشان دهیم که آن نیمه پرلیوان است که ارزش دارد نه نیمه خالی. جوانان ما نیاز دارند که بر توانمندی های خودشان بیشتر متمرکز کنند. همیشه تلاش کرده ام که از درون معلولیت و ناتوانی جسمی، يك جریان امیدبخش را به جامعه معرفی کنم.

### مستندهایی که ساخته اید چه بازخوردی داشته اند و آیا توانسته اند تاثیرگذار باشند؟

بله. بازخورد خیلی خوبی داشته اند. پس از آن که ماهانا جامی از پله های برج میلاد بالا رفت و فیلم آن تهیه شد و به نمایش درآمد، شاید بیش از بیست بازخورد مثبت داشتم. افرادی بودند که قصد خودکشی داشتند و با دیدن این فیلم دیدن اراده این شخص، به زندگی برگشتند. افرادی بودند که با وجود تن سالم و داشتن خانواده و پول و ثروت به هر دلیلی به پوچی رسیده بودند و دیدن این فیلم روی آن ها اثر مثبت گذاشت. مثلا پسری که مبتلا به ایدز بود و دو سال خود را در خانه حبس کرده بود، از خانه بیرون آمد و به این نتیجه رسید که هنوز زندگی برایش جریان دارد. وقتی این افراد می بینند که ماهانا این قدر تلاش می کند تا به هدف خود برسد، به خودشان برمی گردند و به داشته هایشان توجه می کنند.

### این فیلم بر روی افراد دارای معلولیت چه تاثیری داشت؟

شنیدم خواهر و برادر دارای معلولیتی که تا آن زمان خود را در خانه حبس کرده بودند و این فیلم باعث شد از خانه بیرون بیایند. بزرگترین مشکل افراد دارای معلولیت برخورد جامعه با آنان است. آن ها از ترس اینکه جامعه با آن ها يك برخورد متمایز و ترحم آمیز کند خودشان را در خانه پنهان می کنند. وقتی ما افراد توانیاب و توانمند را از طریق فیلم مستند معرفی کردیم این افراد انگیزه گرفتند که بگویند ما هم هستیم و ما هم می توانیم. بعد از بالا رفتن ماهانا از پله های برج میلاد عده ای از افراد دارای معلولیت اعلام آمادگی کردند که آن ها هم این کار را انجام بدهند و در سال پیش یکی، دو

نفر دیگر هم این کار را انجام دادند. ما در مرکز نیکوکاری رعده با ساختن این فیلم دو گروه مخاطب را مدنظر داشتیم؛ یک گروه افراد دارای معلولیتی که خودشان را از ترس برخورد غلط جامعه در خانه‌ها پنهان کرده بودند، و مخاطب دوم ما افراد تندرستی بودند که می‌خواستیم به آن‌ها بگوییم به داشته‌هایتان اهمیت بدهید و دنبال بهانه‌جویی نباشید. از طرفی هم می‌خواستیم برخورد افراد غیرمعمول با افراد دارای معلولیت را اصلاح کنیم. افراد تندرست جامعه ما باید بدانند افراد دارای معلولیت هم حق زندگی کردن در کنار آن‌ها را دارند.

### رسانه‌ها چه نقشی در تغییر نگرش مردم نسبت به معلولیت و معلولان می‌توانند ایفا کنند؟

رسانه‌ها بهترین، سریع‌ترین و اثرگذارترین ابزار در دنیا برای تغییر نگرش و جریان‌سازی هستند؛ چه بخواهید یک ملت را خوشبخت کنید و چه بخواهید یک ملت را بدبخت کنید. علت این‌که من رشته تحصیلی‌ام را رها کرده و وارد حوزه مستندسازی شده‌ام این است که رسانه‌ها را بهترین ابزار برای کار فرهنگی دانستم. در فیلم فرهنگسرا بچه‌های دارای معلولیت در همین زمین خالی پشت ساختمان رعده دور هم جمع می‌شوند و هر کدام کاری را انجام می‌دهند؛ یکی سنتور می‌زند، یکی کار معرق انجام می‌دهد، یکی نقاشی می‌کند و... همین فیلم چند دقیقه‌ای فرآیند بلند مدتی را که موسسه رعده دنبال می‌کرد تا مسئولان متوجه نیاز توانیابان به فرهنگسرا باشند را در زمانی کوتاه به نتایج مثبت رساند.

### از رسانه فراگیری مثل تلویزیون چه انتظاری وجود دارد؟

از سال ۱۳۸۳ و پس از تصویب قانون جامع حقوق معلولان، رسانه ملی موظف شد که هفته‌ای دو ساعت در صداوسیما برنامه‌های مرتبط با افراد دارای معلولیت را نمایش دهد، ولی تا به حال این کار انجام نشده‌است. گویا چون پرداختن به این موضوع درآمدی ایجاد نمی‌کند جای آن را به فضاهایی داده‌اند که درآمدزا باشد. در انگلیس مجری برنامه کودک یک فرد دارای معلولیت است. بچه‌ها از همان دوران کودکی آن پدیده معلولیت را می‌بینند و

تفکیکی میان او با خودشان احساس نمی‌کنند، فرهنگ‌سازی این‌گونه اثرساز می‌شود. رسانه‌های فراگیر ما در حوزه فرهنگ‌سازی مشکلات و کمبودهای زیادی دارند. چرا ما یک برنامه کارشناسی در حوزه معلولان در رسانه ملی نداریم؟! چرا فضا و امکانی وجود ندارد که فردی با عصای زیربغل مجری برنامه‌ای بشود؟! نه به این دلیل که معلولیت دارد بیاید و مجری شود، بلکه به عنوان یک شهروند عادی جامعه، این امکان و فرصت کاری برای او ایجاد شود. چرا معمولاً در سریال‌های تلویزیونی عقوبت کار بد یک شخص خلافکار، معلولیت اوست؟! شخصی که بدترین کارها را انجام داده، مال مردم را خورده، دزدی کرده و آدم کشته را وقتی می‌خواهند تنبیه کنند او را روی ویلچر می‌نشانند. یعنی تصویری که رسانه از معلولیت ارائه داده عقوبت یک کار بد است. چون رسانه به دنبال کارهای دم دستی است و تحقیق و پژوهش عمیق بر تولیدات رسانه انجام نمی‌شود. رسانه‌ها همان تصویر غلطی را که از معلولیت به ذهنشان می‌رسد، را ارائه می‌دهند و این برنامه‌ها بچه‌های دارای معلولیت را بسیار آزاده می‌کنند. رسانه‌ها سالی یک بار در دوازده آذرماه، یک سری برنامه‌های مناسبی با کیفیت پایین و

فرمایشی تولید می‌کنند که تاثیر منفی بر روی بچه‌ها می‌گذارد. در تحقیقی که در بین توانیابان انجام دادم به این نتیجه رسیدم که برنامه‌های رسانه‌ها در مناسبت‌ها، از لحاظ روانی تاثیر منفی بر روی بچه‌های دارای معلولیت دارد. در این سال‌ها صحبت من با رعده این بوده که چرا در مناسبت‌های مختلف خود بچه‌های دارای معلولیت را بیشتر درگیر نمی‌کنند؟ در برنامه‌های مختلف این مرکز، خود بچه‌ها بیشتر باید حضور داشته باشند. گاهی حتی در مجموعه‌هایی مثل رعده که برای همین افراد کار می‌کنند، به طور ناخودآگاه بچه‌های دارای معلولیت را تفکیک می‌کنند. به عقیده من در برنامه‌های مختلف کارهای اصلی را باید به دست خود این بچه‌ها سپرد. به هر حال رسانه‌های ما تبدیل به یک ضدتبلیغ در حوزه معلولیت شده‌اند و نیاز است که روی آن با جدیت بیشتر کار شود.

### به نظر شما چه کار باید کرد از کجا باید شروع کرد؟

اگر انسان به کاری صادقانه باور داشته باشد کافی است که آن را شروع کند، خود به خود همه چیز با آن همسو می‌شود و پیش می‌رود. کاری که من کردم این بود که با این‌که هیچ‌گونه حمایت مالی در کار نبود با

چنین فضا و امکانی وجود ندارد که فردی با عصای زیربغل مجری برنامه‌ای بشود، نه به این دلیل که چون معلولیت دارد بلکه برای هر شهروند جامعه، باید این امکان و فرصت کاری فراهم گردد



دو دوربین دستی کار را شروع کردم و این فیلم‌های مستند را ساختم. این کار را برای این‌که از کسی پول بگیرم نکردم. تهیه کننده، نویسنده، فیلمبردار، تدوین‌گر و کارگردان همه این فیلم‌ها هم خودم بودم. شما می‌توانید اثرگذاری این فیلم‌ها را در آدم‌هایی که در رعد می‌آیند و می‌روند ببینند. هر کدام از فیلم‌هایی که ساخته شد جریانی را به راه‌انداخت. ماه‌ها دو سال پیش از پله‌های برج میلاد بالا رفت و سال پیش هم سه تا دیگر از بچه‌ها از برج میلاد بالا رفتند و رکورد او را زدند و یا مثلاً فیلم فرهنگسرا جریانی را به راه‌انداخت، فیلم سلام شهردار یا فیلم پرواز با کایت سعید ضروری هر کدام جریانی را به راه‌انداخت. قابلیت رسانه این است که بدون این‌که بخواهید هزینه زیادی را متقبل شوید، می‌توانید پیام خود را به مخاطب در زمان کمی برسانید. ما حداقل توانستیم با تولید این فیلم‌ها در همین جامعه کوچک خودمان تاثیرگذار باشیم و افرادی را با سوژه معلولیت درگیر کنیم. این کار باید آن قدر ادامه پیدا کند تا این فرهنگ غلط در جامعه اصلاح شود. رسانه ابزار بسیار خوبی برای فرهنگسازی و تولید یک نگرش است، مهم این است که دغدغه ایجاد شود بقیه راه را خود افراد خواهند رفت. خیلی از مردم ما اصلاً با سوژه معلولیت درگیر نبوده و تصویری از معلولیت ندارند، این افراد در مواجهه با افراد دارای معلولیت یا دلسوزی می‌کنند یا ناراحت می‌شوند. کشور ما جنگ را تجربه کرده و بخشی از افراد دارای معلولیت ما معلولان جنگی هستند ولی متأسفانه تفکیکی هم در حوزه معلولان جنگی و غیرجنگی ایجاد شده است که من سعی کردم در فیلم سلام شهردار به آن اشاره کوچکی داشته باشم. در قانونی که جدیداً در مجلس شورای اسلامی تصویب شد، قانون

**دختری تعریف می‌کرد که در خیابان عصایش در قیر فرو رفته بود و چون در حرف زدن هم مشکل داشت مردم به جای این‌که به او کمک کنند تا از این شرایط خلاص شود، برایش پول می‌ریختند!**

بازنشستگی معلولان را که قبلاً بیست سال بود را به سی سال رساندند. در صورتی که برای معلولان جنگی این قانون به روال قبل باقی است. این تفاوت و تفکیک باعث می‌شود که بین معلولیت؛ معلولان جنگی و غیرجنگی ارزش‌گذاری صورت گیرد. در حالیکه باید به این مساله توجه کرد که هر فردی که دچار مشکل جسمی است توان بدنی‌اش با افراد عادی فرق می‌کند، از طرف دیگر کسی که به جنگ رفته و معلول شده اقدام ارزشمندی را انجام داده است، اما معلولیت مقدس و غیرمقدس ندارد. این نشان می‌دهد کسانی که در حوزه رسانه کار می‌کنند، نسبت به مسایل و مشکلات معلولان ناآگاه هستند و به دنبال پژوهش و تحقیق در این حوزه نیستند. باید سعی کرد افراد مسوول در حوزه فیلمسازی و مستندسازی را نسبت به مسایل معلولان حساس کرد. چنانچه این افراد فیلم‌های ساخته شده در این حوزه را ببینند نسبت به این مساله حساس شده و در جایی که می‌توانند تاثیرگذار باشند درست عمل خواهند کرد.

**خود بچه‌های دارای معلولیت در این خصوص چه کار می‌توانند انجام**

**دهند؟ آیا بهتر نیست خودشان دست به کار شوند و مسایل مربوط به این حوزه را با کار رسانه‌ای انعکاس دهند؟**

بله، این کار بسیار درست است. پیشنهاد من این است که یک حوزه آموزشی در بین افراد دارای معلولیت فعال شود و افرادی که علاقمند به کار فیلمسازی هستند آموزش ببینند. اگر این افراد آموزش ببینند و ابزار لازم در اختیارشان قرار گیرد خودشان به دنبال این کار خواهند رفت. وقتی با بچه‌ها صحبت می‌کنم می‌بینم که دنیایی از موضوع و سوژه هستند. از بچه زیاد شنیدم در موقعیت‌های مختلف قرار گرفته‌اند و کمک مردم به آن‌ها این بوده که برایشان سکه ای پرتاب کنند! ما اگر ابزار لازم را در اختیار این افراد قرار دهیم خودشان سوژه لازم را دارند و می‌توانند فیلم بسازند و فرهنگ سازی کنند. مطمئناً موفقیت این افراد در این حوزه خیلی روشن‌تر از افراد غیرمعلول خواهد بود، چون این افراد می‌خواهند حرف خودشان را بزنند.

**و سخن آخر.....؟**

شعار من این است که فاصله بین تندرستی و معلولیت یک لحظه است. این شعار می‌تواند به افراد تلنگری بزند که ممکن است هر لحظه اتفاق و حادثه‌ای برایشان پیش‌آید که دچار معلولیت شوند و روی ویلچر بنشینند و فکر نکنند که با معلولیت خیلی فاصله دارند. در حوزه رسانه هم می‌گوییم که بهترین و اثرگذارترین ابزار در فرهنگ‌سازی رسانه است و آن را باید جدی گرفت؛ به بچه‌های دارای معلولیت هم می‌گوییم؛ زندگی ما ترکیبی از نیمه خالی و پر لیوان است، تمرکز روی نیمه خالی لیوان باعث می‌شود که نیمه پر را از دست بدهیم. اگر تمرکز را روی نیمه پر لیوان قرار دهیم خواهیم دید که زندگی خیلی قشنگ خواهد شد.



سعید ضروری

در حوزه معلولیت از رسانه به‌عنوان قدرتمندترین ابزار برای تغییر نگرش، فرهنگ‌سازی، عادی‌سازی و برقراری ارتباط بین افراد دارای معلولیت و افراد غیر معلول یاد می‌شود. رسانه با توجه به ویژگی‌هایی که دارد می‌تواند نقش حلقه مفقوده در ایجاد ارتباط میان افراد دارای معلولیت و غیر معلول را با دادن اطلاعات در رابطه با سبک زندگی و بیان تفاوت‌ها عهده‌دار باشد. آن‌چه مسلم است این است که نگرش‌ها و دیدگاه‌های افراد بر اساس آن‌چه می‌بینند و یا می‌شنوند تحت تاثیر قرار گرفته و تا حد زیادی تغییر می‌کند. تحقیق و بررسی اثر رسانه‌ها بر افزایش آگاهی و شناخت بیشتر نسبت به معلولیت از جمله مواردی است که به‌راحتی امکان پذیر نیست، اما موضوعی که اهمیت دارد انتخاب تصاویر خاص توسط رسانه‌ها و پرداختن به نوع ویژه‌ای از تصویرسازی از افراد دارای معلولیت و کنار هم گذاشتن سایر ابعاد زندگی اجتماعی آن‌ها است. قهرمان‌سازی یا بزرگنمایی ویژگی‌های افراد دارای معلولیت و یا قربانی نشان دادن آن‌ها، رویکردی دو قطبی است که حامل اثرات منفی بر تغییر نگاه به موضوع معلولیت است. اما آن‌چه نیاز است تا رسانه‌ها به آن بپردازند نمایش تصویری عادی از زندگی پویا و فعال آن‌ها در شرایط مختلف و متنوع است که همراه با داشتن مسئولیت، برای یک زندگی هدفمند تلاش می‌کنند و برای رسیدن به مقاصد خود متوسل

به خرق عادت و یا شرایط سخت و دشوار آن‌چنانی نمی‌شوند. پائول هانت در مطالعه‌ای (۱۹۹۱)، شخصیت‌پردازی افراد دارای معلولیت در فیلم‌ها را به ده نوع نمایش تقسیم‌بندی کرده‌است که عبارتند از: افرادی با شخصیت‌های رقت‌انگیز که احساسات را بر می‌انگیزند، ابزاری برای تحریک حس کنجکاوی یا خشونت، شخصیت‌های شیطانی و پلید، سوپر استار با توانایی‌های خارق‌العاده، وسیله‌ای برای ایجاد فضایی خاص، شخصیت مضحک و عامل خنده، معلولیت به عنوان بدترین دشمن، سربار، شخصیتی بدون جنسیت و ناتوان در زندگی روزمره. هر کدام از شخصیت‌های ذکر شده، بر اساس اعلام موسسه فیلم‌سازی بریتانیا، از سال ۱۹۲۰ تا به امروز در فیلم‌ها وجود داشته‌اند و می‌توان برای هر کدام از آن‌ها مثالی عینی ذکر کرد. استفاده ابزاری برای ایجاد احساس ترحم در بیننده، بدترین نوع نمایش تصویر افراد دارای معلولیت در رسانه است، هر چند در فیلم‌های امروزی در غرب، این نگاه بسیار کمتر از گذشته شده‌است و می‌توان گفت تصویرسازی از افراد دارای معلولیت تا حدودی به بلوغ خود رسیده است. کاستی‌ها و ریشه این نوع شخصیت‌پردازی را می‌توان به عدم شناخت و فاصله میان فیلم‌سازان، مستندسازان و جامعه معلولان نسبت داد. هدف، واکنش تند و یک‌جانبه

به‌وجود "بدمن" فیلم‌ها بر روی ویلچر و یا هر نوع معلولیتی نیست، بلکه تعدد این نوع اتفاق‌ها و نادر بودن نمایش آن سوی ماجرا است که باعث واکنش معلولان نسبت به اینگونه فیلم‌ها می‌شود. لازم است نقش و تاثیر افراد دارای معلولیت بر روی جامعه به طور غیر مستقیم به تصویر کشیده شود تا تاثیر گذار باشند و مانند سایر افراد در سریال‌ها و فیلم‌ها در نقش اجتماعی و انسانی خودشان دیده شوند.

انتخاب تصاویر درست و واژه‌های مناسب که بار معنایی خاصی را در بیننده و یا خواننده القا کند، از جمله مواردی است که باید مورد توجه قرار بگیرد تا بی‌توجهی نویسنندگان، فیلمسازان و ... اثرات منفی ایجاد نکند و به دور شدن از هدف اصلی که همان نمایش تصویری واقعی، باور پذیر و عادی از افراد دارای معلولیت است منجر نشود.

حضور محدود افراد دارای معلولیت در صنعت فیلم‌سازی و در رسانه‌ها، عاملی مهم در تصویرسازی نادرست از افراد دارای معلولیت است. این در حالیست که در هر جایی که افراد دارای معلولیتی که با الفبای این حوزه آشنا هستند و ورود کنند، می‌توان انتظار تغییر و تحول داشت. انتظار می‌رود نهادها و فعالان این حوزه بیش از پیش در تربیت نویسندگان و برنامه‌سازانی بکوشند که با حضور خود تاثیر مهمی در صنعت رسانه داشته باشند.



شماره ۵۵، بهار ۱۳۹۴

مجید انتظاری روزنامه‌نگاری است که در خبرگزاری ایسنا مشغول به کار است.

ورود مجید به عرصه رسانه با آموزش‌هایی که در زمینه تایپ در موسسه رعد به‌دست آورده‌بود هموار شد. او حالا به عنوان یک خبرنگار در سرویس اقتصادی خبرگزاری ایسنا مشغول به فعالیت است و اخبار و گزارشات مربوط به افراد دارای معلولیت را نیز در سایر روزنامه‌ها پوشش می‌دهد. این کارشناس ارتباطات معتقد است که؛ بچه‌های دارای معلولیت خودشان باید از طریق رسانه‌های مکتوب یا مجازی مسایل مربوط به خود را مطرح کنند و منتظر نباشند که دیگران کاری برای آن‌ها انجام دهند.



## رسانه حلقه مفقوده در فرهنگ‌سازی برای معلولیت

مجید انتظاری | روزنامه‌نگار

**آیا حضور در مدارس مناسب‌سازی نشده یا محیط کار مناسب‌سازی نشده برای شما آزاردهنده نبود؟**

این مساله به صورت جدی آزارم نمی‌داد. به هر حال وجود پله در محیط‌های مختلف برایم سخت بود ولی نه به اندازه یک فرد ویلچرنشین. من در مدارس عادی تحصیل کردم و شاید یکی از دلایلی که روحیه‌ام با افراد تندرست تفاوتی ندارد، همین بود که خودم را جدا از افراد تندرست نمی‌دانستم.

واقعاً رفتار بدی از طرف دوستانم مشاهده نکردم البته استثناهایی هم وجود داشت ولی آزاردهنده نبود. همه آنچه بچه‌ها در مورد افراد دارای معلولیت یاد گرفته بودند، از تعالیم عرفی بود که افراد دارای معلولیت را در سطح کسی معرفی می‌کرد که نیازمند کمک و ترحم هستند. برداشت بچه‌ها از برخورد با افراد دارای معلولیت همان

بعضی رفتارها بیشتر از بعضی گفتارها ناراحت می‌شدم. این نوع نگاه به فقر فرهنگی حاکم بر جامعه برمی‌گردد. من در مدارس عادی درس خواندم و در آن زمان حتی از عصا هم استفاده نمی‌کردم. از شش، هفت سال پیش بود که استفاده از عصا را وقتی که احساس کردم انحراف ستون فقراتم بیشتر شده، شروع کردم. در سال ۸۷ با گروهی از دوستان به شمال سفر کردم و در این سفر پس از شنا در آب سرد، دچار کمردرد شدیدی شدم که تا یک هفته مرا خانه‌نشین کرد. در دوران نقاهتم اولین بار از عصا استفاده کردم و متوجه شدم که با عصا راحت‌تر حرکت می‌کنم. تا آن موقع من این مساله را نمی‌دانستم و شاید استفاده از عصا برایم یک تابو بود، از وقتی متوجه شدم که با عصا راحت‌تر حرکت می‌کنم به طور مداوم از آن استفاده می‌کنم.

**لطفا خودتان را برای ما معرفی کنید.**

مجید انتظاری هستم، ۳۷ ساله، متولد تهران و فارغ‌التحصیل رشته ارتباطات. مشکل جسمی من انحراف ستون فقرات از بدو تولد است که فکر می‌کنم در اثر زمین خوردن مادرم در زمان بارداری ایجاد شده‌است.

**از دوران کودکی خود برایمان بگویید، چگونه با تفاوت ظاهری خود با دیگران کنار آمدید؟**

در دوران کودکی چون بعضی وقت‌ها خودم را با دیگران مقایسه می‌کردم دچار ناراحتی می‌شدم ولی بیشتر مقایسه‌های مستقیم و غیرمستقیم دیگران بود که عذابم می‌داد. به هر حال یک نگاه قالبی درخصوص زیبایی در جامعه ما وجود دارد و بیشتر مردم از این نگاه همسان‌سازی و مثل هم‌بودن پیروی می‌کنند. این بود که در دوران کودکی و نوجوانی از



شماره ۵۵ | بهار ۱۳۹۴

نگاه ترحم‌آمیزی بود که منجر به این می‌شد به خاطر رفتار خوب با یک معلول، به بهشت می‌روند. اگر کمکی هم می‌کردند از این دیدگاه بود. من در سال ۷۵ دیپلم گرفتم و یک سال بیکار بودم.

### از چه زمانی با موسسه رعد آشنا شدید؟

در سال ۷۶ با مجتمع رعد آشنا شدم. مادرم شنیده بود که مرکزی وجود دارد که به افراد دارای معلولیت آموزش می‌دهد. وقتی مادرم درباره رعد با من صحبت کرد به شدت عکس‌العمل نشان دادم و گفتم؛ اصلاً حرفش را نزن، من پیش معلولان نمی‌روم. چون خودم را معلول حساب نمی‌کردم که بخواهم با آن‌ها در یک کلاس بنشینم. با اصرار مادرم و با انگیزه گذراندن دوره‌های کامپیوتر بالاخره به مرکز رعد رفتم و ثبت نام کردم. با این‌که راضی نبودم، در کلاس حاضر شدم و دیدم که همه بچه‌ها معلولیت دارند. در جلسه اول سعی می‌کردم دورتر از بقیه بنشینم و خودم را از آن‌ها کنار بکشم. در جلسه دوم سعی کردم نزدیک‌تر بنشینم ولی بچه‌ها هم که احساس کرده بودند من خودم را جدا می‌کنم خیلی به طرف من نیامدند و این خیلی خوب بود. شاید اگر از همان روز اول سعی می‌کردند به من نزدیک‌تر شوند واکنش نشان می‌دادم. البته از بقیه کم سن و سال‌تر هم بودم. بعد از یک هفته بود که کاملاً با بچه‌ها صمیمی شدم و دوستان بسیار خوبی هم پیدا کردم. الآن ۱۷ سال از آن دوران می‌گذرد و کاملاً تابوی معلولیت برایم شکسته شده‌است و بهترین دوستانم از افراد دارای معلولیت هستند. در رعد چیزهای زیادی یاد گرفتم و ارتباط با رعد تاثیر خیلی خوبی در من داشت. البته در آن موقع سختگیری‌هایی در رعد بود که مرا ناراحت می‌کرد. ولی اکنون می‌بینم که خوبی‌هایش بر سختگیری‌هایش می‌چربید. من کلاس‌های آموزشی کامپیوتر را که شامل ویندوز، داس، زرنگار، تایپ و... بود را در طول یک‌سال در رعد گذراندم.

**دلیل بیرون نیامدن این افراد، وجود پله و نبودن آسانسور و رمپ نیست، بر خورد مردم است که آزارشان می‌دهد و فرهنگ‌سازی در این زمینه خیلی موثر است. اگر افراد دارای معلولیت بدانند که در جامعه پذیرفته می‌شوند، برای پایین آمدن از پله‌ها یک راهی برای خود پیدا می‌کنند**

### چه شد که وارد کار رسانه‌ای شدید؟

پس از گذراندن دوره‌های آموزشی در مرکز رعد، سه سال بیکار بودم. در سال ۷۹ در کانون امدادگران ایران زیر نظر جهاد دانشگاهی شروع به کار کردم. کار من دفتری بود و حقوق کمی هم می‌گرفتم که این‌ها همه باعث نارضایتی من شد. در آن زمان رئیس کانون امدادگران ایران، مدیرعامل خبرگزاری ایسنا هم بود و از طریق ایشان از فروردین سال ۸۱ در خبرگزاری ایسنا به عنوان تاپیست شروع به کار کردم. در آن زمان از این‌که به کاری مشغولم و حقوقی دارم احساس رضایت می‌کردم تا این‌که در سال ۸۸ دیدم که هم سن‌های من در ایسنا سردبیر هستند و آن زمان بود که احساس کردم نیازهایم از نیازهای مالی به یک سری آرمان‌ها تغییر کرده است. در آن زمان متوجه شدم که رسانه حلقه مفقوده جامعه‌شناسی معلولیت است. تعداد اخبار مربوط به معلولیت در سطح رسانه‌ها قابل قبول نیست و به این فکر افتادم که از امکان کاری خودم در این جهت استفاده کنم و به فکر افتادم که خبرنگار شوم. در ایسنا اصل بر این است که تا وقتی دانشجوی نباشید نمی‌توانید خبرنگار شوید. در سال ۸۸ بود که در دانشگاه علمی و کاربردی ثبت نام کردم و در رشته خبرنگاری مشغول به تحصیل شدم. هم‌زمان در کلاس‌های خبرنگاری ایسنا هم شرکت کردم و با نمرات خوبی قبول شدم. در سال ۹۱ فوق دیپلم گرفتم و بلافاصله در دوره کارشناسی در رشته ارتباطات که رشته مرتبطی با خبرنگاری بود، شرکت کردم و قبول

شدم. اکنون حدود سه سال است که به عنوان خبرنگار در ایسنا کار می‌کنم و شش ماه است که مدرک کارشناسی‌ام را گرفته‌ام.

### در مورد فعالیت رسانه‌ای خود در حوزه معلولیت توضیح دهید؟

در اوایل دوران دانشجویی من در ایسنا هم کار تایپ انجام می‌دادم و هم به عنوان خبرنگار پاره وقت با سرویس اجتماعی کار می‌کردم. در آن زمان مصاحبه و گزارش در مورد افراد دارای معلولیت تهیه می‌کردم و سعی می‌کردم با نگاه متفاوت در این حوزه کار کنم و گزارش‌های تلخ و ناامیدکننده ننویسم. گزارش‌هایی تهیه می‌کردم که در آن روح زندگی وجود داشت و توانایی‌های افراد دارای معلولیت را به نمایش می‌گذاشت. سعی می‌کردم در گزارش‌هایم از آن حالت کلیشه‌ای که هنوز هم رسانه‌های ما درگیرش هستند استفاده نکنم. به طور مداوم گزارش‌هایی راجع به مناسب‌سازی دانشگاه‌ها، وضعیت معیشت معلولان و معرفی افراد موفق دارای معلولیت تهیه می‌کردم. در آن زمان حوزه فعالیت من منحصر به این شده بود.

### آیا زمانی که در این حوزه شروع به کار کردید، موضوع معلولیت جایی در خبرگزاری ایسنا و گروه اجتماعی داشت یا این‌که شما این کار را شروع کردید؟

خبرهای مرتبط با افراد دارای معلولیت چه در ایسنا و چه در سایر خبرگزاری‌ها وجود داشت ولی این اخبار بیشتر به صورت اخبار سازمانی بود؛ یعنی مثلاً رئیس سازمان بهزیستی چنین گفت و یا معاون سازمان بهزیستی فلان خبر را داد. ولی پرداختن به موضوعات و گزارش‌هایی که حرف جدیدی در جهت ارتقای فرهنگ جامعه داشته‌باشد چیز دیگری است. من اعتقاد دارم توانمندسازی در قالب یک پروژه تعریف می‌شود که اجزای این پروژه مثل زنجیره به هم وصل هستند. اولین حلقه این زنجیره، فرهنگ است و کار رسانه‌ای برای ارتقای فرهنگ جامعه ضروری است. تا وقتی جامعه نتواند با یک فرد دارای معلولیت ارتباط برقرار کند او مجاب نمی‌شود که از

و اخبار مربوط به معلولان را پوشش می‌دادم.

### در فعالیت خود با چه چالش‌هایی روبه‌رو بوده‌اید؟ آیا محدودیت جسمی مشکلی در فعالیتتان ایجاد کرده‌است؟

من به خاطر شرایط جسمانی‌ام با چالش خاصی روبه‌رو نبوده‌ام چون کار من کارشناسی و تهیه گزارش است و نیاز به فعالیت بدنی زیادی ندارد. از گزارش‌های تهیه شده و تعامل با دیگران اطلاعات لازم را کسب می‌کنم و مطلب می‌نویسم. در مورد کار در حوزه معلولان امکانی که دارم این است که خودم در متن جامعه هدف، یعنی افراد دارای معلولیت قرار دارم. این خیلی مهم است که من مشکلات را از درون جامعه معلولان به بیرون انعکاس می‌دهم نه این‌که مشکلات را از بیرون به داخل یا از بالا به پایین نگاه کنم.

### به نظر شما آیا پوشش رسانه‌ای موجود در حوزه معلولیت کافی است یا هنوز با جایگاه مناسب فاصله دارند؟

خیر کافی نیست. اولین چیزی که به نظر من می‌رسد این است که باید روی کمیت بیشتر کار شود. گرچه کمیت و کیفیت هر دو مهم هستند ولی کمیت فعلاً در اولویت قرار دارد. در بررسی که انجام داده‌ام دیدم که در تمام رسانه‌های سایبری و مکتوب

اختلاف دیدگاه‌هایی وجود داشت که من ترجیح دادم ارتباطم را با سرویس اجتماعی محدودتر کنم. شاید به غلط این طور تصور می‌شد که می‌خواهم از شرایط جسمی‌ام به عنوان سکوی پرتاب برای خودم استفاده کنم و متأسفانه این سوءظن در جامعه ما وجود دارد. در مرحله‌ای به این نتیجه رسیدم که اگر مجید انتظاری حتی به طور نصفه و نیمه هم در رسانه وجود داشته باشد، بهتر از این است که اصلاً نباشد. بنابراین ترجیح دادم در سرویس اقتصادی ایسنا به طور ثابت مشغول شوم ولی ارتباطم را با رسانه‌های دیگر، روزنامه‌ها، سایت‌ها و مجلات افزایش دهم. این کار را کردم و حوزه فعالیتیم را گسترش دادم. به قول بزرگی «هرچیزی که مرا نکشد قوی‌ترم می‌کند». به هر حال الآن دو سال است که خبرنگار ثابت سرویس اقتصادی در سند چشم‌انداز هستم و خارج از ایسنا هم در حوزه معلولان کار می‌کنم.

### شما با چه روزنامه‌ها و رسانه‌هایی در ارتباط هستید؟

من با روزنامه مردم‌سالاری که سعید ضروری هم آنجاست کار می‌کنم. حضور سعید ارتباط مرا با این روزنامه راحت‌تر کرده است. با مجله پیک توانا، روزنامه آفتاب یزد و روزنامه فرهیختگان هم کار می‌کنم. مدت کوتاهی هم با رادیو تهران کار کردم

خانه بیرون بیاید و فعال شود و تا وقتی که او مطمئن نباشد که نگاه به او مثبت است و وقتی راه می‌رود همه با تعجب به او نگاه نمی‌کنند، از خانه بیرون نمی‌آید. گواه این حرف، آمار خیره‌کننده افراد دارای معلولیت خانه‌نشین است. دلیل بیرون نیامدن این افراد، وجود پله و نبودن آسانسور و رمپ و این‌ها نیست، برخورد مردم است که آزارشان می‌دهد و فرهنگ‌سازی در این زمینه خیلی موثر است. اگر افراد دارای معلولیت بدانند که در جامعه پذیرفته می‌شوند برای پایین آمدن از پله‌ها یک راهی برای خود پیدا می‌کنند. از نظر من اولین وظیفه رسانه این است که بتواند فرهنگ‌سازی مناسب را انجام دهد. رسانه، حلقه مفقوده در فرهنگ‌سازی برای معلولان در کشور ماست.

### شما چندسال در حوزه معلولیت، کار رسانه‌ای کرده‌اید و آیا هنوز در همین حوزه مشغول هستید؟

از سال ۸۹ تا ۹۲ به طور جسته و گریخته در این حوزه کار کردم. من هیچ وقت خبرنگار ثابت حوزه اجتماعی نبودم ولی به عنوان خبرنگار ایسنا در برنامه‌های مختلف حضور پیدا می‌کردم و گزارش تهیه می‌کردم. بعد از مدتی به این نتیجه رسیدم که شرایط سرویس اجتماعی ایسنا برای کار به عنوان خبرنگار ثابت برایم مهیا نیست. یک سری اختلاف نظر و





از جمله شش خبرگزاری ایسنا، ایرنا، فارس، مهر، تسنیم و ایلنا سهم اخبار مربوط به افراد دارای معلولیت بسیار ناچیز است. به طور مثال این شش خبرگزاری هرکدام روزانه حدوداً هشتصد خبر را اطلاع رسانی می‌کنند که به عبارتی ۴۸۰۰ خبر در روز توسط این شش خبرگزاری ارسال می‌شود. ولی از این چهارهزار و هشتصد خبر تن‌ها ۱۰ خبر در مورد معلولان است که هشت خبر از این ۱۰ خبر هم اخبار درون سازمانی، سازمان بهزیستی و وزارت رفاه می‌باشد و شاید فقط هفته‌ای یک یا دو گزارش در این حوزه تهیه می‌شود. به عبارتی تن‌ها دو صد درصد (۰.۲٪) اخبار این شش خبرگزاری مرتبط با مسایل افراد دارای معلولیت است که از این دو صد درصد هم اخبار بسیار اندکی در زمینه فرهنگ‌سازی است.

**شما فکر می‌کنید از کجا باید شروع کرد؟ آیا باید منتظر بود که افرادی در سطوح بالای مدیریت کشوری، دستورالعملی صادر کنند و رسانه‌ها را ملزم به پوشش خبری در حوزه معلولیت کنند یا این خود بچه‌ها هستند که باید دست به‌کار شوند و از امکانات رسانه‌ای موجود چه در قالب شبکه‌های اجتماعی و چه شبکه‌های مجازی حداکثر استفاده را ببرند؟**

این خیلی آرمانی است که فکر کنیم مدیران و مسوولان کشور بیایند و حقوق افراد دارای معلولیت را در نظر بگیرند. این توقع که با توجه به ملحق شدن ایران به کنوانسیون جهانی حقوق معلولان و تصویب قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در کشور، وظیفه ذاتی وزارتخانه‌هاست که حقوق این افراد را پیگیری کنند شاید دست نیافتنی باشد. به نظر من تن‌ها امکانی که وجود دارد این است که بچه‌های دارای معلولیت که دغدغه دارند و می‌توانند بنویسند، حضورشان در رسانه‌ها را بیشتر کنند. تا وقتی که یک نماینده مجلس، یک مسوول، رئیس جمهور یا هر شخصیتی در هر سمتی با یک خبر مواجه نشود، متوجه نمی‌شود که باید به این مسایل هم رسیدگی کند. وزارتخانه‌های ما بهزیستی را متولی امور معلولان می‌دانند و خودشان را کنار می‌کشند و برای خودشان

**تنها دو صد درصد (۰.۲٪) از اخبار تمامی رسانه‌های ارتباط جمعی در ایران از جمله شش خبرگزاری مطرح کشور، مربوط با مسایل افراد دارای معلولیت است که این دو صد درصد هم هیچکدام در زمینه فرهنگ‌سازی نیست و اکثر اطلاعات درون سازمانی را منعکس می‌کند**

وظیفه‌ای متصور نیستند. به همین دلیل چالش‌های آموزشی، معیشتی، توانبخشی، سلامت، مسکن و عبور و مرور افراد دارای معلولیت زمین مانده و مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌است. تصور می‌کنند بودجه‌ای حدود دو هزار میلیارد تومان در سال قرار است برای معلولان معجزه کند و توجه نمی‌شود که این دوهزار میلیارد تومان در سال چه تناسبی با ۱۵ درصد جمعیت کشور دارد؟ وقتی بودجه کافی نباشد، مدیران سازمان هرچقدر انسان‌های وارسته و با ایمانی باشند و هرچقدر هم نگرش مثبتی داشته باشند کم‌کم از برنامه محوری به سمت تبلیغ محوری گرایش پیدا می‌کنند. کما این‌که ما این را در شوی عاطفی - احساسی ماه غسل و بازدیدهای مناسبتی عیدانه از شیرخوارگاه آمنه و ترغیب سایتهای خبری برای ارائه پوششی زیبا از سازمان بهزیستی در جهت پوشاندن مشکلات عمقی جامعه هدف می‌بینیم. بچه‌ها خودشان باید وارد میدان شوند و مشکلات خود را مطرح کنند. باید با این ادبیات خود را تحمیل کنند که من یک شهروند این کشور هستم و می‌خواهم سهم مربوط به خودم را از درآمدهای ملی کسب کنم. بپرسند سهم من از درآمدهای ملی چقدر است؟ سهم بهزیستی از درآمدهای ملی چقدر است؟ بچه‌ها باید مشکلات خود را در رسانه‌ها پررنگ کنند. مثلاً می‌بینیم که پارک یا پیاده‌رو در خیابانی مناسب‌سازی می‌شود ولی در مقابل محل ورودی به آن میله‌های یو شکل قرار داده می‌شود

که عملاً دسترسی به آن برای افراد دارای معلولیت را غیرممکن می‌کند. یا مثلاً ایستگاه اتوبوس با رمپ مناسبی ساخته می‌شود و اتوبوس‌های بی‌آر. تی هم خریداری می‌شود که هم سطح سکوی ایستگاه باشند و برای افراد دارای معلولیت هم مناسب‌سازی شده است ولی امکان دسترسی این افراد به این ایستگاه وجود ندارد. وقتی از مسوول مربوطه سوال می‌شود می‌گوید، فقط مناسب‌سازی داخل ایستگاه به ما مربوط است. من به یکی از این مسوولان گفتم به میدان امام حسین بیا و بر روی ویلچر بنشین و ببین می‌توانی به آن ایستگاه مناسب‌سازی شده خوشگل و شیشه‌ای که ساخته‌اید دسترسی داشته باشی؟ ایشان گفت: مناسب‌سازی خارج از ایستگاه جزو وظایف ما نیست! تا وقتی که هر سازمان و ارگانی به صورت جزیره‌ای عمل می‌کند مشکل ما حل نمی‌شود.

یکی از جاهایی که امیدوارم کارکردشان تبلیغی نباشد و بتوانند اقدامات درستی انجام دهند کانون‌های معلولان محلات است که حضور خانم میلادی در آن می‌تواند بسیار موثر باشد و می‌تواند بسیاری از این مشکلات را مطرح کند.

**سخن آخر شما با افراد دارای معلولیت چیست؟**  
توصیه من به بچه‌ها این است که از دل خانه‌ها بیرون بزنند. ما دو راه بیشتر نداریم یا باید در خانه‌ها بنشینیم و بگوییم همه دستگاه‌ها و ارگان‌ها موظفند مثلاً مناسب‌سازی را انجام دهند تا ما بتوانیم از خانه بیرون بیاییم یا این‌که بیاییم بیرون و آن‌قدر در جامعه حضور داشته باشیم که همه، مشکلات رفت و آمد ما را ببینند و برای حل این مشکلات راهکاری پیدا کنند. من مطمئنم که اگر این اتفاق بیافتد، خداوند هم در بچه‌های امید را باز می‌کند و این همان کاری است که خیلی از افراد کم‌توان جسمی انجام می‌دهند. جمله‌ای که من خیلی آن را دوست دارم این است که؛ خدا در مکان‌های دور از انتظار به دست افراد دور از انتظار و در مواقع تصور ناپذیر معجزات خود را به انجام می‌رساند!



مجید زینالزاده حدود ۱۵ سال است که در حوزه ورزش معلولان عکاسی می‌کند. او ورودش به این حوزه را مدیون برادر جانبازش که پیش از او کار تخصصی عکاسی را شروع کرده و حالا مدرس رشته عکاسی در دانشگاه تهران است، می‌داند. این عکاس ورزشی معتقد است شور و حالی که ورزشکاران دارای معلولیت در مسابقات از خود بروز می‌دهند، به عکاس‌ها هم منتقل می‌شود و به همین دلیل است که عکاسی در این حوزه قابل مقایسه با عکاسی در هیچ موضوع دیگری نیست. زینالزاده عکاس حرفه‌ای است که در فدراسیون ورزش‌های معلولان و جانبازان مشغول به فعالیت است.

مجید زینالزاده، عکاس پارالمپیک در فدراسیون جانبازان و معلولان:

## تا وقتی این بچه‌ها هستند، ما هم هستیم

تیم‌های ورزشی معلولان، چه در خارج و چه در داخل کشور شرکت کرده‌ام. عکاسی از افراد دارای معلولیت ورزشکار، حس و حال دیگری دارد. این چیزی است که دیگر عکاسانی که در این حوزه کار کرده‌اند و یا حتی عکاسانی که به طور گذرا در این حوزه فعالیت کرده‌اند به آن اذعان دارند. شاید آن شور و نشاطی که در خود این ورزشکاران وجود دارد، به عکاسان هم منتقل می‌شود. وقتی یک ورزشکار دارای معلولیت به خط پایان می‌رسد یا وزنه‌ای را بلند می‌کند و یا به هر دلیلی مدال می‌گیرد، آن چنان شور و نشاطی در او دیده می‌شود که به مراتب با شادی قهرمانان تندرست متفاوت است. نیازی نیست که عکاس به آنها بگوید مثلاً پرچم را بالا نگه دارید، دور زمین بچرخید، یا.. خودشان آن قدر هیجان و نشاط دارند که ناخودآگاه عکاس را علاقمند

شدم. در ابتدا به صورت پاره وقت کار می‌کردم ولی حدود سیزده سال است که به‌طور تمام وقت و تخصصی در این حوزه فعالم.

### چطور شد که به عکاسی در این حوزه علاقمند شدید؟

علاقمندی من برمی‌گردد به فعالیت برادرم به حوزه عکاسی در این رشته. ایشان جانباز هفتاد درصد هستند و کار عکاسی را در زمینه ورزش افراد دارای معلولیت شروع کردند. من نیز به همراه ایشان و به تدریج به این کار علاقمند شدم. عکاسی در حوزه ورزش معلولان، یک کار تخصصی می‌باشد و با عکاسی معمولی تفاوت‌هایی دارد. از اولین ارکان کار در این حوزه، از خودگذشتگی است.

کمی بیشتر در مورد این تفاوت توضیح بدهید؟ من در مسابقات زیادی همراه با

آقای زینالزاده، لطفاً در ابتدا از تخصص حرفه‌ای خود که عکاسی در حوزه ورزش معلولان است، برایمان بگویید. چه شد که به این کار علاقمند شدید و ادامه دادید؟

من حدود ۱۵ سال است که در حوزه ورزش معلولان عکاسی می‌کنم. قبل از من برادرم که سمت استادی مرا دارد، در این حرفه فعالیت می‌کرد. ایشان پایان‌نامه‌اش را در مورد عکاسی معلولان نوشته‌است و اکنون مدرس رشته عکاسی در دانشگاه تهران است. قبل از این که فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان از اداره کل تربیت‌بدنی بنیاد جانبازان جدا شود، من به‌صورت برنامه‌ای و مسابقه‌ای در روابط عمومی فدراسیون در کنار برادرم کار می‌کردم و پس از جدا شدن فدراسیون، از اداره تربیت‌بدنی بنیاد جانبازان و من هم مدتی بعد در فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان مشغول به‌کار



شماره ۵۵، بهار ۱۳۹۴



به عکاسی می‌کنند. همان‌طور که گفتم عکاسی در حوزه ورزش معلولان را یک کار تخصصی می‌بینم. وقتی با عکاسان خارجی که در این حوزه کار می‌کنند، صحبت می‌کنم می‌بینم که آنها نیز خودشان را متخصص در این زمینه می‌دانند. همین تخصصی بودن عکاسی در ورزش معلولان است که باعث شده من روز به روز به این حرفه علاقمندتر شوم.

### آیا در رشته‌های دانشگاهی، شاخه‌ای به نام عکاسی ورزش معلولان وجود دارد؟

خیر. رشته تحصیلی با این عنوان وجود ندارد. در دانشگاه، عکاسی پرتره، خبری و هنری تدریس می‌شود و افرادی که خودشان علاقمند به این حوزه باشند، وارد آن می‌شوند و ادامه می‌دهند تا در این کار حرفه‌ای شوند. عکاس این حوزه، قبل از گرفتن عکس باید سوژه را کاملاً بررسی کند و جوانب آن را بسنجد. مثلاً در پارالمپیک آتن در سال ۲۰۰۴، ما با دوربین‌های نگاتیو عکاسی می‌کردیم. در آن موقع دوربین‌های دیجیتال برای عکاسی خبری، تازه رایج و وارد روزنامه و خبرگزاری‌ها شده بود. من در آن سال برای گرفتن یک عکس باید بررسی می‌کردم که این ورزشکار معلولیتش چیست و تا چه حد در فعالیت ورزشی او تاثیر دارد؟ شاید از سه بار پریدن این ورزشکار، من یک بار به سوژه نگاه می‌کردم، یک بار جایگزین او در محل می‌شدم و دفعه سوم عکس می‌گرفتم. آن هم تنها، یک فریم عکس می‌گرفتم. چون عکاسی نگاتیو مثل عکاسی دیجیتال نیست که تا هفت فریم می‌توان عکس گرفت، کار با نگاتیو به مراتب سخت‌تر است.

### عکاسی از کدام رشته ورزشی در حوزه معلولان دشوارتر است؟

سخت‌ترین رشته ورزشی در حوزه معلولان، رشته دوومیدانی است. ما در تمام موارد در این رشته ورزشکار داریم. وقتی من در رشته دوومیدانی عکاسی می‌کنم باید دور زمین دوومیدانی مرتب از این طرف به آن طرف بدم، چون در هر دقیقه یک نفر می‌پرد، یک نفر وزنه پرتاب می‌کند، یک نفر می‌دود و یکی هم مدال می‌گیرد. من در یک جا ساکن نیستم. اگر وسایل و ابزار مدرن و تجهیزات لازم را داشته‌ام کارم آسان‌تر می‌شد ولی با شرایط کنونی کار بسیار سخت است.

### در این حوزه کاری که مورد علاقه شما هم هست، با چه چالش‌هایی روبرو می‌شوید؟

یک عکاس در حوزه ورزش معلولان باید ذهن و فکر راحتی داشته باشد و شرایط به‌گونه‌ای برایش فراهم باشد که بتواند لحظات را شکار کند و عکس خوب بگیرد. گاهی عکسی که در یک لحظه ورزشی گرفته می‌شود، به نظر یک عکس معمولی می‌آید، اما این طور نیست. من در مسابقات اینچئون، عکسی از یک خانم دونده قهرمان که روی سکوی قهرمانی ایستاده بود و آقایی که مدال به گردن او انداخت گرفتم. او دستش را دراز کرد که با این خانم ورزشکار دست بدهد، ولی این خانم دو دستش را به حالت تعظیم روی هم گذاشت و دست ندارد. من این عکس را گرفتم و این لحظه را ثبت کردم. یا خانمی که از ایران بود و می‌خواست به قهرمانان مدال بدهد، وقتی ایشان

### آیا عکاسی دیجیتال، کار شما را راحت‌تر کرده است؟

بله. اما عکاسی دیجیتال نیز ابزار و وسایل مورد نیاز خودش را احتیاج دارد. مثلاً اگر لنز سیصد یا چهارصد داشته‌باشید، می‌توانید از ورزشکاران از دور عکس بگیرید. ولی به هر حال عکاسی در این حوزه نیاز به وقت گذاشتن دارد. در مسابقات برون مرزی می‌بینیم که از هر کشور، سه یا چهار عکاس ورزشی می‌آیند و هر کدام فقط بر روی یک رشته ورزشی متمرکز می‌شوند و کار می‌کنند. به همین دلیل است که عکس‌هایشان خیلی دقیق است و با عکس‌های ما خیلی متفاوت است. این عکاسان علاوه بر کار تخصصی، کار هنری هم انجام می‌دهند. در صورتی که عکس‌هایی که ما می‌گیریم فقط ثبت لحظه‌هاست و کار هنری روی آنها انجام نمی‌دهیم.

## چه مسابقاتی را تا کنون پوشش عکاسی داده‌اید؟

من از بیشتر مسابقاتی که توسط فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان چه کشوری یا لیگ در تهران و یا در استان‌ها برگزار می‌شود، عکاس کرده‌ام. در مسابقات خارجی در پارالمپیک ۲۰۰۴ آتن، المپیک ۲۰۰۸ پکن، مسابقات گوانجو ۲۰۰۸، مسابقات اینچئون ۲۰۱۴ و مسابقات جهانی ناینایان و کم بینایان ۲۰۱۱ ترکیه، مسابقات جهانی بسکتبال با ویلچر جوانان در ترکیه حضور داشته‌ام.

## فکر می‌کنید عکاسی در ورزش معلولان چه تاثیری در تغییر نگاه مردم به معلولیت و ایجاد فرهنگ‌سازی در این زمینه دارد؟

از وقتی که افتخارات این عزیزان در فضا مجازی یا در سایت‌ها و وب‌سایت‌ها و در رسانه‌ها بیشتر دیده شده است و این دیده شدن تاثیر خیلی زیادی داشته است. نتیجه این تاثیر را وقتی که در شهر مشهده، استعدادیابی برای جذب معلولان ورزشکار گذاشته بودیم، دیدیم. افراد دارای معلولیت امروزه از طریق عکس، رسانه و فیلم با ورزش‌های مختلف آشنا شده و نسبت به شرکت در این رقابت‌ها علاقمند شده‌اند. اکنون می‌بینیم که ورزشکاران دارای معلولیت در برنامه تلویزیونی به راحتی شرکت می‌کنند در حالی که قبلاً دوست نداشتند دیده شوند و از نگاه مردم پرهیز می‌کردند. اکنون با موفقیت‌هایی که ورزشکاران دارای معلولیت در صحنه رقابت‌های جهانی به دست آورده‌اند، انگیزه‌شان برای حضور در مسابقات و دیده شدن بیشتر شده است. پدر و مادری که فرزند دارای معلولیت دارد با دیدن این ورزشکاران، فرزند خود را تشویق به ورود به حوزه ورزش می‌کند و خود افراد نیز تشویق می‌شوند که اگر علاقه به ورزش دارند، از خانه‌ها بیرون بیایند و در تست‌های استعدادیابی شرکت کنند. اگر این بچه‌ها در مسابقات بیرون مرزی هم نتوانند شرکت کنند، در مسابقات داخلی شرکت می‌کنند.

## بیشترین استقبال این بچه‌ها در چه رشته‌هایی است؟

در رشته‌های دوومیدانی بیشترین شرکت کننده را داریم. وقتی که به استان‌ها بخشنامه شد که ورزشکاران خود را برای مسابقات بفرستند استقبال خیلی خوبی شد و جمعیت زیادی داوطلب شرکت در مسابقات

می‌داد. این عکس‌ها به نوعی شکار لحظه‌هاست و من برای گرفتن چنین عکس‌هایی خیلی وقت می‌گذارم. در مسابقات دوومیدانی اینچئون، من زیر باران عکاسی می‌کردم. در همه مسابقاتی که من شرکت می‌کنم سعی می‌کنم از تمام زوایا و تمام نکات و حتی از حاشیه‌ها عکس بگیرم. همان طور که گفتم عکاسی ورزشی از افراد دارای معلولیت، تخصص و ابزار خود را نیاز دارد.

می‌خواست به یک ورزشکار مرد مدال بدهد و آن ورزشکار دستش را دراز کرد، این خانم دست نداد. این عکس‌ها خیلی موشکافانه و دقیق هستند و در واقع عکس از نادیده‌هاست. بعضی اوقات عکس‌های حاشیه‌ای به مراتب جالب‌تر از عکس‌های مسابقات هستند. من عکسی از فرد نابینایی گرفتم که میان تماشاگران یک مسابقه والیبال در کنار پسرش نشسته بود و پسرش جریان بازی را برایش شرح



من عکسی از فرد نابینایی گرفتم که میان تماشاگران یک مسابقه والیبال در کنار پسرش نشسته بود و پسرش جریان بازی را برایش شرح می‌داد!



داخلی شدند. این به خاطر این است که مدتی است تلویزیون به مسابقات معلولان بها داده و مسابقات داخلی و جهانی را پخش مستقیم می‌کند. وقتی افراد دارای معلولیت یک ورزشکار دارای معلولیت را در میدان مسابقات جهانی می‌بینند، انگیزه پیدا می‌کنند که آنها هم فعال شوند.

**خیلی از بچه‌های دارای معلولیت از نگاه ترحم‌آمیز مردم هراس دارند. عکس و فیلم چه تاثیری در این موضوع می‌تواند داشته باشد؟**

چندسال پیش مسابقه‌ای با عنوان معنویت، ورزش و اخلاق در شهر قم برگزار شد و من هم یک سری عکس ورزشی برای این مسابقه فرستادم، از بین عکس‌های فرستاده شده سه عکس انتخاب شدند. وقتی این عکس‌ها را دیدم با بخش داوری مسابقه تماس گرفتم و گفتم من پانزده سال سابقه کار در حوزه عکاسی معلولان دارم و این را به خوبی می‌دانم که معلولان دوست ندارند که به آنها ترحم شود. ولی شما در عکس‌هایتان و در داوری‌تان هم، به عکس ترحم کردید و هم به خود معلول و هم به عکاس آن. شما از یک فرد دارای معلولیت با شرایط جسمی سخت دراز کشیده در روزی زمین و در کنار یک سجاده عکس گرفته‌اید و او را برنده کرده‌اید تا به سفر مکه برود. چون شما می‌خواستید این فرد را به مکه بفرستید، او را در شرایط رقابت‌انگیز نشان داده‌اید. در حالی که عکس‌هایی که من فرستاده‌بودم، معلولان را بر سکوی افتخار نشان می‌داد. معلولی که بر روی سکوی قهرمانی با یک دست پرچم کشور و با دست دیگرش مدال طلایش را گرفته بود. این چنین عکس‌هایی بیشتر از آن که نمایش معنویت باشد نمایش ناتوانی افراد دارای معلولیت است! به نظر من نشان دادن ناتوانی‌ها باعث تضعیف روحیه افراد می‌شود و خیلی از افراد دارای معلولیت از این نوع نگاه آزار می‌بینند. شما در کشورهای خارجی می‌بینید که چقدر برای افراد دارای معلولیت احترام قائل هستند. در ایستگاه مترو با خط بریل نوشته شده‌است که نام این ایستگاه چیست و یا وقتی مسابقات المپیک تمام می‌شود و مسابقات پارالمپیک شروع می‌شود، تمام تجهیزات ورزشگاه‌ها تبدیل به تجهیزات مناسب معلولان می‌شود. باید دستورات عملی برای رسانه‌ها تدوین شود که در حوزه افراد دارای معلولیت چگونه باید وارد شوند؟ باید رسانه‌ها به این

**یک عکاس در حوزه ورزش معلولان باید ذهن و فکر را حتی داشته باشد و شرایط به گونه‌ای برایش فراهم باشد که بتواند لحظات را شکار کند و عکس خوب بگیرد**

ندارد. من به عنوان عکاس مراسم و مناسبت‌ها نیز کار کرده‌ام. ولی این کارها به دلم نمی‌چسبند. من پانزده سال است که در حوزه معلولان خالصاً و مخلصاً کار کرده‌ام و به کارم عشق می‌ورزم. گاهی برادرم تعدادی از عکس‌هایی که گرفته‌ام را به دانشجویان با هدف آشنایی آنها با این حوزه نشان می‌دهد تا افراد علاقمند، به این حوزه جذب شوند. من در خارج از کشور طوری عکاسی می‌کردم که خودم سوژه عکاسان خارجی شده بودم. خیلی از عکاسان خارجی از من در حال عکاسی کردن عکس می‌گرفتند! گاهی برای این که بتوانم یک عکس خوب بگیرم، سرتاپام خاکی می‌شد.

### وسخن آخر...؟

من برای رسانه‌ها عکس می‌فرستم، چون به تازگی گزینه‌ای در مطبوعات باز شده به نام عکس‌های دریافتی. من برای این رسانه‌ها عکس رایگان می‌فرستم. چون بچه‌های دارای معلولیت دوست دارند که عکس‌هایشان را در روزنامه‌ها و صداوسیما ببینند. معمولاً رسانه‌ها به دنبال سوژه هستند و وقتی یک اتفاق ورزشی می‌افتد عکاسان از همه رسانه‌ها برای تهیه خبر و اطلاع‌رسانی می‌آیند. ولی در رشته‌های مربوط به معلولان، ما خودمان زنگ می‌زنیم و درخواست می‌کنیم که بیایند و از برنامه‌های ما عکس و خبر تهیه کنند. باید بگویم تا وقتی که این بچه‌ها هستند ما هم هستیم و اگر این بچه‌ها نباشند ما هم نیستیم!

### آیا شما حاضرید حوزه کاری خود را تغییر دهید؟

البته کار در حوزه‌های دیگر، برای آشنا شدن با سایر زمینه‌ها ابرادی





## به نام دوست!

محسن حسینی طاها

جمعی را ابزاری قدرتمند و تاثیرگذار بر رفتار اجتماعی می‌دانند. بنابراین همان‌طور که می‌توان برای يك رسانه، نقش تاثیرگذار و فرهنگ‌ساز قائل بود، از دیدگاه آسیب‌شناسانه باید این نکته را نیز در نظر داشت که تولیدات يك رسانه چنان‌چه از زیرساخت‌های علمی و منطبق بر واقعیات برخوردار نباشد، می‌تواند اثر مخرب بر فرهنگ و به‌مثابه آن رفتار جمعی يك جامعه برجای گذارد. از این منظر می‌توان بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی را معلول آموزه‌هایی دانست که از طریق رسانه‌های مکتوب یا دیداری و شنیداری به جامعه القا می‌شود.

جستاری ژرف در تحلیل نگرش‌ها و باورها ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که این دو در واقع، پدیده‌هایی هستند که از آشخور فرهنگ تغذیه کرده و به نوعی مجالی برای عینیت بخشیدن به فرهنگی هستند که در يك بازه زمانی نسبتاً طولانی در افراد يك جامعه درونی شده‌است. بی‌شک رفتار جمعی يك جامعه که در قالب هنجارهای عرفی ظهور پیدا می‌کند، ریشه در آموزه‌هایی دارد که درصد قابل توجهی از آنها، از رهگذر رسانه‌ها یا وسایل ارتباط جمعی به فرد القا شده و رفته رفته در وی درونی می‌گردد. این‌جاست که صاحب‌نظران، رسانه‌های

قضاوت عادلانه آن است که در ورای پدیده‌ها، همواره در جستجوی علل و عواملی باشیم که پدیده‌ی موردنظر را شکل می‌دهد. این رویکرد وقتی جنبه کاربردی‌تری به‌خود می‌گیرد که در بررسی پدیده‌ها و همچنین تعاملات اجتماعی، وارد عرصه رفتارشناسی شده و علل رفتار و واکنش افراد را مورد ارزیابی قرار دهیم. در این میان دسته‌ای از رفتارشناسان به مطالعه‌ی فرآیندهای ذهنی فرد (مانند نگرش‌ها و باورهای فرد) معتقدند. به عبارتی در این رویکرد مطالعاتی، باورها و نگرش‌های فرد است که در شکل‌گیری يك رفتار نقش اصلی را ایفا می‌کند.



شماره ۵۵، بهار ۱۳۹۴

از حدود دو دهه گذشته که بحث فرهنگ‌سازی در حوزه افراد دارای معلولیت به میان آمد، همواره تیربه غلط به سوی جامعه نشانه رفت و در قضاوت‌ها، این افراد غیرمعلول بودند که به دلیل فقر فرهنگی مقصر شناخته می‌شدند که در برقراری تعامل اجتماعی با افراد دارای معلولیت ازکنش‌ها و واکنش‌های مناسبی برخوردار نیستند. متأسفانه در این میان، به این نکته کمتر پرداخته شد که آبشخور فرهنگی جامعه ما در زمینه معلولیت چه بوده؟ و در پرسشی نسبتاً موازی باید به این مسأله پرداخت که رسانه‌های اجتماعی، در شناساندن معلولیت چگونه عملکردی داشته‌اند؟ در رویکرد انتقادی نسبت به عملکرد رسانه‌ها، نخستین گزاره‌ای که باید مد نظر قرار گیرد، میزان جامعیت و فراگیری یک رسانه است که این جامعیت و فراگیری به تبع بر مسئولیت آن رسانه نیز در قبال فرهنگ‌سازی تأثیر مستقیم خواهد گذاشت. (به مصداق هر که بامش بیش، برفش بیشتر).

با این پیش‌زمینه ذهنی، توجه به این نکته ضروری است که در جامعه ما، به دلیل پاره‌ای از محدودیت‌های اجتماعی، سیاسی و اعتقادی از رسانه‌های مستقل (به ویژه دیداری و شنیداری) خبری نیست، در نتیجه جامعیت و فراگیری صداوسیما، صفت "رسانه ملی" را با این رسانه همراه کرده‌است؛ یعنی رسانه‌ای که قرار است بر فرهنگ یک جامعه هفتادوپنج میلیونی، در اقصای و طبقات مختلف و به‌مثابه آن بر باورها و نگرش‌های متفاوت تأثیرگذار باشد. اگر آمارهای جهانی را بپذیریم که ده درصد از جمعیت هر کشور را، افراد دارای معلولیت تشکیل می‌دهند، ابتدا این پرسش مطرح می‌شود که رسانه ملی، این ده درصد از جمعیت جامعه را تا چه میزان جزو ملت می‌داند و چه کسری از تولیدات خود را به این قشر اختصاص می‌دهد؟ در گام بعد، تولیدات رسانه ملی در زمینه معلولیت است که باید مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد. در پاسخ به پرسش نخست، تن‌ها نگاهی آماری به میزان تولیدات صداوسیما در زمینه معلولیت، کافیت که به این نتیجه برسیم که:

۱. این میزان تولید (در روز، ماه، سال) به هیچ وجه در حدی نیست که در امر فرهنگ‌سازی و آموزشی پاسخگوی نیاز باشد. زیرا آموزش و فرهنگ‌سازی در تداوم و تکرار است که معنا پیدا می‌کند.

۲. پرداختن به موضوع معلولیت غالباً در زمان‌هایی صورت می‌گیرد که جامعه مستعد حزن دینی و تدبیر معرفتی است (به عنوان مثال ایام سوگواری برای بزرگان دین جهت برانگیختن احساسات عامه). که این در واقع القاکننده این نکته است که معلولیت با اندوه و حزن همراه است و نمی‌توان از آن برداشتی شادای بخش و مملو از انرژی داشت.

به نظر می‌رسد بخش دوم نقد، یعنی چگونگی معرفی معلولیت به جامعه توسط صدا و سیما، ریشه در فهم نادرست و آمیخته با پاره‌ای از آموزه‌های نه‌چندان صحیح معرفتی برنامه‌سازانی دارد که قرار است فرهنگ‌ساز یک جامعه باشند. این موضوع در بسیاری از موارد برمی‌گردد به عدم کانالیزه بودن فضای فکری و فرهنگی جامعه از احساسات ایدئولوژیک، دینی و حتی گاه مذهبی. گاه یک احساس مذهبی که فرصت نقد و نظر نیافته، در قالب یک برنامه تلویزیونی به مخاطب عرضه می‌گردد. به عبارتی گاه وجود پدیده معلولیت، ناشی از باورها و اعتقادات فردی است که به تصویر کشیده می‌شود و گاه غضب الهی قلمداد می‌گردد که القای این باور در جامعه می‌تواند تبعات بسیار مسموم فرهنگی به همراه داشته‌باشد.

هم‌چنین عدم معرفی معلولان نخبه در زمینه‌های علمی، فرهنگی و حتی اقتصادی، این باور را در جامعه تقویت می‌کند که معلولیت و ناتوانی مالی، لازم و ملزوم یکدیگرند. در نتیجه برخورد شهروندان با افراد دارای معلولیت

برخوردی همراه با ترحم و کمک‌های بی‌مورد مالی است که مغایر با شان و کرامت انسانی ایشان می‌باشد.

به نظر می‌رسد مواردی که ذکر شد، آسیب‌های فرهنگی است که از جانب یک رسانه فرهنگ‌ساز به جامعه وارد می‌شود و نه تن‌ها کمکی به اصلاح فضای تعاملی با افراد دارای معلولیت نمی‌کند، بلکه در بسیاری از موارد نتیجه عکس داده و بنیان‌های منطقی این تعامل را سست‌تر می‌سازد.

در مقام ارائه راهکار برای برون رفت از چنین معضلاتی، باید در نخستین گام بر ضرورت حضور افراد دارای معلولیت و کارشناسان دانشگاهی این حوزه، در شوراهای سیاست‌گذاری صداوسیما تأکید کرد و هرگونه برنامه‌سازی در این خصوص را منوط به مشورت و تایید این افراد قرار داد.

در گام بعد، حضور معلولان در برنامه‌های رسانه‌ملی باید حضوری فعال، موثر و چند بعدی باشد. به این مفهوم که با سلب تمرکز بر معلولیت این افراد، زمینه برای مشارکت آن‌ها در حوزه تخصصی که دارند در کلیه برنامه‌ها فراهم گردد. از این طریق جامعه با توانایی‌های علمی و فرهنگی این قشر آشنا می‌شوند، به عنوان مثال؛ یکی از شخصیت‌های سریال‌های تلویزیونی دارای معلولیت باشد، بی‌آنکه ویژگی‌های جسمی، حرکتی این شخصیت در روند داستان تأثیری بگذارد.

به نظر می‌رسد با تحقق چنین راهکارهایی می‌توان امیدوار بود که رسانه ملی، به رسانه‌ای تأثیرگذار در فرهنگ‌سازی و شناخت هرچه بیشتر و بهتر افراد دارای معلولیت بدل گردد.





## نشست صمیمانه کانون معلولان شهر تهران با اهالی رسانه موضوع: ظرفیت سازی رسانه در پیگیری و تحقق

### حقوق شهروندی افراد دارای معلولیت

آذر ماه ۱۳۹۳



کانون معلولان محلات شهر تهران  
[www.kmt22.org](http://www.kmt22.org)

محمد رضا دشتی، دبیر کانون معلولان منطقه ۷

## امید داریم با همکاری اصحاب رسانه، بتوانیم نیازهای واقعی شهروندان دارای معلولیت را به گوش مسوولان برسانیم

ترانه میلادی، دبیر کل کانون معلولان شهر تهران نیز در سخنانی، با اشاره به این که حدود سه سال از فعالیت رسمی کانون‌های معلولان محلات شهر تهران می‌گذرد، عنوان نمود: امید آن داریم با همکاری اصحاب رسانه بتوانیم نیازهای واقعی شهروندان دارای معلولیت را به گوش مسوولان برسانیم و اهالی رسانه برای تغییر نگرش جامعه در ارتباط با معلولیت و لزوم حضور شهروندان دارای معلولیت در جامعه به کمک ما بیایند.

میلادی ضمن ابراز تاسف از عدم مناسب‌سازی فضاهای شهری برای شهروندان دارای معلولیت، با اشاره به ساخت و سازهای جدیدی که در شهر صورت می‌گیرد افزود: مناسب‌سازی اماکن قدیمی و بافت‌های فرسوده شهری نیاز به صرف زمان و هزینه هنگفتی دارد، اما انتظار می‌رود در ساخت‌وسازهای جدید پیش از آغاز به کار پروژه، دسترس‌پذیری و اعمال صحیح استانداردهای مناسب‌سازی در پروژه‌ها دیده شود و اگر این امر محقق نشد از جانب سازمان‌های مسوول، پیگیری و جریمه‌های سنگین برای متخلفین در نظر گرفته شود.

دبیر کانون معلولان شهر تهران ادامه داد: ما معتقدیم این شهر است که دارای معلولیت است زیرا اگر شهری از لحاظ فیزیکی سالم باشد، پذیرای کلیه شهروندان خواهد بود. اگر هنوز درمانی برای کاهش معلولیت‌های جسمی پیدانشده، ولی راه‌های درمان بسیاری برای بهبود معلولیت شهر وجود دارد که عدم توجه به شیوه‌های موجود صدمات جبران ناپذیری را بر اقلیت کثیر شهروندان دارای معلولیت تحمیل کرده است.

به بهانه روز جهانی معلولان در یازدهم آذر ماه، کانون معلولان شهر تهران نشست را با اصحاب رسانه در محل شهرداری منطقه ۷ تهران برگزار نمود. موضوع این نشست ظرفیت‌شناسی رسانه در پیگیری و تحقق حقوق شهروندی افراد دارای معلولیت بود که با هدف آشنایی اصحاب رسانه با کانون معلولان محلات شهر تهران و شناسایی نیازهای برحق شهروندان دارای معلولیت و تاکید بر تاثیر همراهی رسانه‌ها در تحقق رویای شهری بدون مانع و دسترس‌پذیر برای همه و برابری فرصت‌ها برگزار گردید.

در ابتدای این نشست، قهرمانی، معاون اداره کل سلامت شهرداری تهران با گرمی‌داشت روز جهانی معلولان، به برخی از مهم‌ترین اقدامات انجام شده توسط شهرداری تهران به‌ویژه اداره کل سلامت در خصوص پاسخگویی به نیازهای شهروندان دارای معلولیت اشاره کرد. او همچنین به راه‌اندازی کانون‌های معلولان در سطح محلات، راه‌اندازی سامانه حمل و نقل ویژه معلولان و جانبازان، تشکیل شورای راهبردی معلولان و پیگیری مناسب‌سازی شهری اشاره کرد و بر لزوم مشارکت سازمان‌هایی همچون شهرداری، بهزیستی و انجمن‌های فعال در حوزه افراد دارای معلولیت با یکدیگر برای پاسخگویی شایسته به نیازهای این شهروندان تاکید نمود.

نگهبان، شهردار منطقه ۷ که میزبانی نشست کانون معلولان شهر تهران با اهالی رسانه را در ساختمان شهرداری را برعهده داشت، پس از خیر مقدم به میهمانان، از آمادگی منطقه هفت برای مناسب‌سازی فضاهای شهری و حمایت و همکاری مستمر با کانون معلولان برای دسترس‌پذیر نمودن امکانات و خدمات شهری منطقه خبر داد.



شماره ۵۵، بهار ۱۳۹۴



دکتر محمد کمالی، استاد دانشکده توانبخشی و از فعالان حوزه افراد دارای معلولیت، در بخش دیگری از این نشست با ارائه تعریفی از معلولیت و مقایسه رویکرد اجتماعی به این مقوله در گذشته و حال گفت: در طول تاریخ آن چه بر افراد دارای معلولیت گذشته است موجب شکل‌گیری رویکرد متفاوتی نسبت به آنان در مقایسه با سایر افراد جامعه شده است. کمالی ضمن اشاره به این که پذیرش معلولیت از سوی افراد دارای معلولیت اولین گام برای بازگشت آنان به جامعه است افزود: معلولان برای این که به جامعه ثابت کنند که شهروند درجه دو نیستند، در کنار پذیرفتن معلولیت خود باید تلاش نمایند با کسب مهارت‌های فردی و اجتماعی توانمندی خود را به جامعه اثبات نمایند. وی در ادامه به کشورهایی هم چون سوئد، نروژ و بسیاری از شهرهای آلمان اشاره نمود که در آنها دسترسی کامل شهروندان دارای معلولیت به کلیه خدمات و نقاط مختلف شهر امکان پذیر است و ما باید متعهدانه تلاش کنیم تا بتوانیم در راستای احقاق حقوق شهروندی این قشر از جامعه اقدامات مشابهی را به انجام برسانیم.

این استاد دانشگاه، هم‌چنین به نقش بسیار وسیع و تاثیرگذار رسانه‌ها در خصوص شکل‌گیری افکار عمومی در مواجهه با معلولیت اشاره نمود و ضمن انتقاد از پخش سریال‌هایی که باورهای غلطی را در جامعه انتشار می‌دهند، افزود: متأسفانه در برخی از برنامه‌های تلویزیونی و در بعضی از سریال‌ها شاهد آن هستیم که فرد بعد از انجام گناهان متعدد و کارهای خلاف اخلاق اجتماعی و باورهای دینی، در نهایت در عقوبت خطاهای خود دچار معلولیت یا بیماری‌های لاعلاج می‌شود. چنین نمایش‌هایی باعث شکل‌گیری کلیشه‌های نادرستی از عوامل بروز معلولیت و بیماری، در ذهن مخاطبان می‌گردد.

کمالی در ادامه افزود: نباید هنگام مواجهه با افراد دارای معلولیت ظرفیت‌ها و توانمندی‌های آنان را نادیده بگیریم و این گروه از افراد جامعه می‌بایست از حقوقی برابر با سایر آحاد جامعه برخوردار باشند، هرچند ممکن است تحقق این مهم هزینه‌هایی را برای سازمان‌های متولی در بر داشته باشد. وی در ادامه گفت: این که تصور کنیم کلیه امور معلولان را سازمان بهزیستی باید ساماندهی کند تفکر اشتباهی است که مانع تغییر و بهبود شرایط زندگی فردی و اجتماعی افراد دارای معلولیت می‌شود.

کمالی ادامه داد: شعار امسال روز جهانی معلولان «توسعه پایدار، نوید فناوری» به این موضوع اشاره دارد که با توجه به فراگیری استفاده از فناوری، امروزه دانش و اطلاعات در دسترس همگان قرار گرفته و این امر امکان برابری فرصت‌ها برای همگان را تسهیل بخشیده، بنابراین افراد دارای معلولیت نیز می‌بایست بتوانند از مزیت‌های فناوری و تکنولوژی‌های روز بهره‌مند شوند.

در ادامه این نشست سهیل معینی، از کارشناسان

فعال در حوزه معلولان و مدیر مسوول روزنامه ایران سپید، ضمن اشاره به این که در حال حاضر ۱۵ درصد جمعیت جوامع انسانی را افرادی با معلولیت‌های ذهنی، روانی، جسمی و حرکتی، نابینا و ناشنوا و... تشکیل می‌دهند افزود: عواملی چون افزایش طول عمر، سالمندی جامعه، حوادث، بیماری‌های ژنتیکی، که در برخی ابعاد رو به گسترش هم هستند، از عوامل تاثیرگذار در ایجاد معلولیت هستند. در ایران نیز این آمار در حال افزایش است که نگاه کارشناسانه و دقیق‌تری به این حوزه را می‌طلبد.

وی در ادامه گفت: روز جهانی معلولان، روزی برای جشن و پایکوبی نیست، فلسفه وجود چنین روزی ایجاد حساسیت در جوامع و دولت‌ها برای توجه بیشتر به نیازها و ایجاد فرصت‌های برابر برای معلولان با سایر آحاد جامعه در تمامی ابعاد زندگی است.

معینی در ارتباط با نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری افکار عمومی گفت: رسانه‌ها همواره دو نقش متفاوت را برعهده داشته‌اند، نقشی در مقابل کلیت جامعه و دولت و نقشی دیگری هم در ارتباط با گروه‌های هدف. رسانه‌ها باید صدای رسای افراد آسیب‌دیده و گروه‌های اجتماعی متفاوت، خصوصاً افراد دارای معلولیت باشند.

دکتر زهرا ریاحی مشاور کمیسیون سلامت و دبیر کمیته سلامت شورای شهر تهران، در ارتباط با این موضوع که هیچ کس نه می‌تواند و نه اجازه دارد در مواجهه با افراد دارای معلولیت برچسب‌های گوناگون بر آنها بزند، افزود: مسوولان می‌بایست اقدامات خود را در راستای برطرف نمودن مشکلات معلولان نه به‌عنوان یک اقدام سمبلیک بلکه به‌عنوان یک وظیفه تلقی کنند، چرا که بسیاری از مشکلات امروز افراد دارای معلولیت بخاطر عملکرد اشتباه یا عدم اقدام به موقع و کارآمد در پاسخگویی به نیازهای برحق این گروه از جامعه بوجود آمده است.

علی صابری، عضو شورای اسلامی شهر تهران با تقدیر از عملکرد کانون‌های معلولان شهر تهران، با اشاره به این که در حوزه افراد دارای معلولیت نیاز است مسایل را در ابعادی متفاوت بررسی کنیم، افزود: نگاه ما به این حوزه باید در سطح ملی، شهری و محله‌ای و در تمامی مسایل پیش روی این عزیزان باشد. در برنامه‌ریزی‌های خود و در مباحثی هم‌چون مناسب‌سازی فضاهای شهری علاوه بر بعد کلان ملی و شهری می‌بایست به اقدامات عملی در بعد محله‌ای نیز توجه کرده و از مشارکت شهروندان دارای معلولیت برای شناسایی مشکلات و برطرف کردن موانع پیش روی آنها استفاده نمود. در این خصوص کانون‌های معلولان محلات شهر تهران امکان این مشارکت را فراهم آورده و با همکاری انجمن‌ها و سایر سازمان‌ها مانند شهرداری می‌توان به بسیاری از این نیازها در سطح محله‌های شهر پاسخ دهد.





**علیرضا نعمتی مدیرعامل** شرکت یکتاوب است. او پس از فارغ التحصیلی در رشته بیوشیمی بالینی از دانشگاه تربیت مدرس، چهار سال به عنوان هیات علمی در زمینه فناوری اطلاعات در دانشگاه تربیت مدرس و نیز دانشگاه علوم پزشکی ایران فعالیت کرده است. به گفته مهندس نعمتی، مجموعه یکتاوب ده سال است که در بحث طراحی سامانه‌های پیشرفته دانشگاهی فعالیت می‌کند و اولین سامانه‌های دانشگاهی در این حوزه را طراحی کرده است.

## کار کردن در جهان معاصر نیاز به حضور در محل خاصی ندارد!

علیرضا نعمتی | مدیرعامل شرکت یکتاوب

می‌فرستد و جواب می‌گیرد. همه ارتباطات بین عوامل بررسی مقالات و نیز کدهای و تاریخ زنی و بررسی موارد لازم و ... به صورت خودکار توسط سایت انجام می‌شود. به این طریق کار با سرعت بیشتر و هزینه و اشتباه بسیار کمتری انجام می‌شود. اولین سامانه‌ای که ارائه دادیم، سامانه داوری آنلاین بود که خیلی مورد استقبال قرار گرفت و نتیجه داد.

در آن زمان یکی از مشکلات ما فرهنگ‌سازی در این مورد بود. خیلی‌ها باور نمی‌کردند که اصلاً امکان چنین فعالیتی در ایران وجود داشته باشد و گاهی در همایش‌هایی که این موضوع را به عنوان سخنران مطرح می‌کردم، با واکنش‌های مایوس‌کننده مواجه می‌شدم. به همین دلیل از آنجا که به طراحی سیستم، برنامه‌نویسی و طراحی آشنا بودم وارد کار طراحی این سامانه‌ها شدم. وقتی این سامانه‌ها طراحی شد

می‌خواست در یک کنفرانس شرکت کند باید فرم ثبت نام را از روزنامه یا آگهی مکتوب تهیه و تکمیل کرده و مقاله‌اش را هم چاپ و به فرم الصاق می‌کرد و بعد باید هزینه شرکت در همایش را به حساب بانک می‌ریخت و فیش آن را با بقیه مدارک در پاکت می‌گذاشت و به اداره پست می‌رفت و آن را ارسال می‌کرد. اگر اطلاعات را روی دیسک‌ها هم می‌ریخت امکان ایجاد اشکال در اطلاعات وجود داشت. از طرفی در آن سو نیز چند نفر باید این اطلاعات را بررسی و جمع‌آوری و کد دهی می‌کردند و به گروه داوران می‌فرستادند و کار با همین دشواری ادامه می‌یافت. در این فضا بود که به فکر طراحی سامانه‌ای افتادیم که همه این فعالیت‌ها به صورت خودکار در آن انجام شود. با اجرای این سیستم، فرد داوطلب وارد سایت می‌شود، اطلاعات مورد نیاز را دریافت می‌کند، ثبت نام می‌کند، مقاله‌اش را از طریق سایت

### لطفا در مورد فعالیت‌ها شرکت یکتاوب توضیح دهید؟

شرکت یکتاوب با شعار "به یکتایی می‌اندیشیم" آغاز به کار کرد و با این هدف طراحی شد که کارهایی را انجام دهد که هیچ‌کس تاکنون در کشور به آن‌ها توجه نکرده است. با توجه به شناختی که از حوزه فناوری اطلاعات داشتم سعی کردم سامانه‌هایی را در دانشگاه‌ها برطبق استانداردهای جهانی طراحی کنم که به تسهیل گردش اطلاعاتی در دانشگاه‌ها بیانجامد.

اولین سامانه پس از دو سال تحقیق و مطالعه در سال ۸۳ طراحی شد و به تدریج توانست جایگاه خود را در دانشگاه‌ها پیدا کند تا حدی که در حال حاضر اغلب دانشگاه‌ها و بسیاری از سازمان‌های دولتی از آن استفاده می‌کنند. قبلاً در حوزه تبادل اطلاعات در فرآیندهای دانشگاهی مشکلات زیادی وجود داشت، مثلاً اگر کسی



**هدف این طرح این است  
که بتوانیم توسط ابزارهای  
الکترونیک، برای افرادی که مشکلات  
جسمی و حرکتی دارند یا به هر دلیلی  
در خانه‌ها نشسته‌اند، زمینه اشتغال و  
فعالیت ایجاد کنیم**

می‌شود که مراجعات به این سامانه بیشتر شود. شاید نقطه ضعف این طرح، تبلیغ نکردنش است. ما هنوز بازاریابی را جدی نگرفته‌ایم، ولی باید افرادی را به مشارکت بگیریم تا طرح را به پیش ببرند.

یکی از بحث‌هایی که در این طرح مطرح است، بحث آموزش است. فرض کنیم تعداد زیادی از افراد دارای معلولیت بخواهند از امکانات این طرح برخوردار شوند. این افراد نیاز به آموزش دارند و باید فضایی مانند رعد یا سایر مراکز مردم نهاد وجود داشته باشد که این افراد بتوانند در کلاس‌های آموزشی شرکت کنند. این کارها را اکنون می‌توان برنامه‌ریزی کرد. زمانی که ما طرح پروانه‌ها را شروع کردیم دستمان خالی بود. اکنون فضای بیشتری برای همکاری وجود دارد و می‌توان از توان سایر شرکت‌ها و موسسات بهره‌مند شد و این طرح را به نتیجه رساند.

هدف این طرح مشخص است، این که بتوانیم برای افرادی که مشکلات جسمی - حرکتی دارند یا به هر دلیلی در خانه‌ها نشسته‌اند و نمی‌توانند رفت و آمد کنند، توسط تکنولوژی الکترونیک، اشتغال و فعالیت ایجاد کنیم. یک زمانی در سایت‌هایی مثل برنامه‌نویس و بعضی از شبکه‌های اجتماعی قدیمی عضو بودم و گاهی پیش می‌آمد که سه روز در خانه می‌نشستم و کار می‌کردم، برنامه می‌نوشتیم و یا طراحی سایت انجام می‌دادم و در این سه روز احساس نمی‌کردم که در خانه نشسته‌ام، چون فضایی داشتیم که در آن تبادل افکار و اطلاعات و سوال و جواب انجام می‌شد، خرید و فروش انجام می‌شد، پروژه، تعریف و اجرا می‌شد و حتی جشن تولد آنلاین برگزار می‌شد! در این فضا هم کار انجام می‌دادیم، هم در اجتماع بودیم و هم احساس تنهایی و خستگی نمی‌کردیم. این سامانه را به شخصه تجربه کرده‌ام و فکر می‌کنم هر فردی می‌تواند با بهره‌گیری از فضای مجازی، آن را تجربه کند.

**با توجه به مشکلات رفت و آمد افراد دارای معلولیت، مناسب نبودن فضاهای شهری و همچنین بحث کارآفرینی و اشتغال که در مجتمع رعد مورد نظر است، چه امکاناتی توسط طرح پروانه‌ها برای اشتغال امکان پذیر است؟**

لازم است که جامع‌تر به این بحث پرداخته شود. ما در سال ۸۵ سایتی تحت عنوان ارتباط با ریاست دانشگاه

هم کار کنم و این شروع کار در بحث وبگاه‌های خیریه بود. پس از آن آقای دشتی با من تماس گرفتند و خواستند که سایتشان (شمعدانی) را ارتقا دهند. من همان سامانه‌ای که برای موسسه وحدت طراحی کرده بودم را به ایشان معرفی کردم و آشنایی من با موسسه رعد از اینجا شکل گرفت. کلمه پروانه‌ها را هم اولین بار از آقای دشتی شنیدم و به دلم نشست. پروانه نماد عاشقی است که با همه ظرفت‌هایی که دارد تا پای جان و سوختن در راه معشوق پیش می‌رود و از هدف دست برنمی‌دارد. جمعی از پروانه‌ها که با بال‌های نحیف خود برای رسیدن به هدف والای خود تلاش می‌کنند، هم‌خوانی بسیار زیادی با کار جمعی معلولان در محیط الکترونیک دارد. این شد که با همفکری آقای دشتی طرح پروانه‌ها را با هدف ساماندهی بنگاه‌های خیریه و توانیابی راه‌اندازی کردیم.

هدف این بود که مجموعه منظمی را طراحی کنیم تا اگر یک موسسه خیریه و یا توانیاب دارای معلولیتی بخواهند سایتی راه‌اندازی کند و خدماتی دریافت کند، این خدمات با هزینه پایین یا رایگان در اختیارشان قرار داده شود. از طرفی یک فضای همکاری هم ایجاد کرده‌ایم و از نهادهای دیگر و افرادی که می‌توانند در این حوزه خدماتی ارائه دهند، دعوت به همکاری نمودیم. آن‌ها می‌توانند در این سامانه ثبت نام کنند و توانایی‌هایشان را معرفی کنند. مثلاً کسانی که در زمینه آموزش، ترجمه، طراحی، نصب و تامین سرور و... تبحر دارند می‌توانند در این سامانه اعلام آمادگی کنند. این یک طرح عمومی است و وابسته به شرکت یکتاوب یا سایت شمعدانی و یا جای دیگری نیست، شرکت یکتاوب فقط به عنوان پشتیبان اول آن را راه‌اندازی کرده است. معرفی این سامانه از طریق رسانه‌ها و سایت‌ها کمک می‌کند افراد بدانند جایی وجود دارد که بتوانند خدمات بدهند و خدمات بگیرند. این اطلاع‌رسانی باعث

و در اختیار دانشگاه‌ها قرار گرفت همه باور کردند که واقعا می‌شود از این سامانه استفاده کرد و کارایی بیشتری به دست آورد. شاید یکی از افتخارات بزرگ من در زندگی ایجاد این تغییر نگرش بود که توسط فعالیت‌های سخت شرکت یکتاوب به خوبی انجام شد. این نگرش که نمی‌شود چنین سامانه‌هایی را در ایران داشت و استفاده کرد، اکنون به این نگرش تغییر کرده که بدون این سامانه‌ها، نمی‌توان کاری انجام داد. البته این ادعا را نداریم که اگر ما فعالیت نمی‌کردیم این کار انجام نمی‌شد. اما نقش تسریع کننده فعالیت‌های شرکت یکتاوب بر هیچ‌کس پوشیده نیست.

در شرکت یکتاوب در نظر داشتیم بهترین سامانه‌های ممکن را تولید کنیم؛ سامانه‌هایی که از صفر تا صد کار را بدون اشکال انجام دهد. در نتیجه کاری که قبلاً با ده نفر و به سختی و با صرف زمان زیاد انجام می‌شد، الآن با یکی دو نفر و با کمک این سامانه‌ها به راحتی قابل انجام است. شرکت یکتاوب، تاکنون بیش از ۱۰۰۰ سایت دانشگاهی را راه‌اندازی کرده و به اغلب دانشگاه‌ها و سازمان‌های دولتی خدمات ارائه می‌کند. اکنون زمینه مناسبی ایجاد شده تا بتوانیم کارهای جدیدتری را هم انجام دهیم. برنامه‌های جدیدی در حوزه زیباسازی پایگاه‌ها و تسهیل کار با پایگاه برای افراد مبتدی‌تر هم در دست اقدام داریم که در سال آینده رونمایی خواهیم کرد.

**چه شد که شما در حوزه خدمات به افراد دارای معلولیت و پروژه پروانه‌ها وارد شدید؟**

وارد شدن بنده در بحث وبگاه‌های خیریه‌ها از اینجا شروع شد که یکی از دوستان به من پیشنهاد داد که سایتی برای موسسه خیریه وحدت طراحی کنم. در آن زمان من با دانشگاه‌ها کار می‌کردم و قبول کردم که سایتی را هم برای این موسسه ایجاد کنم. بعد متوجه شدم که دوست من که خیلی هم در این زمینه وقت می‌گذاشت به طور رایگان با این موسسه همکاری می‌کند. این حس خوب که انسان در کنار همه کارهایی که برای سودآوری انجام می‌دهد، کاری را هم انجام بدهد که احساس رضایتمندی و مفید بودن در آن باشد و دنبال درآمد نباشد از ایشان به بنده نیز منتقل شد. به این نتیجه رسیدم که باید در این زمینه



علوم پزشکی ایران راه‌اندازی کردیم و قرار بر این بود که کارمندان دانشگاه ایده‌ها و نظرات خود را از این طریق به ریاست دانشگاه انتقال دهند. برای تست راه‌اندازی سایت در آن نوشتیم که می‌توان برخی کارها را به‌صورت دورکاری واگذار کنیم تا کارمندان مجبور نباشند که رفت و آمد داشته باشند و بتوانند از خانه کار را انجام بدهند. رئیس دانشگاه با مطالعه مزایایی که ذکر کرده بودم، در پاسخ این مطلب نوشتند که سازوکار قانونی برای انجام این کار در کشور ما وجود ندارد. این در حالی است که از سال‌های ۸۹ به بعد دولت بحث دورکاری را مطرح کرد و پذیرفت که این کار قابل انجام و مفید است.

قبلا در کتاب‌های جغرافی می‌خواندیم که راه‌های کشور رگ‌های حیاتی آن هستند و کشوری که راه نداشته‌باشد کارهایش به انجام نمی‌رسد. اکنون راه‌های ارتباط الکترونیکی نیز با اهمیتی مضاعف به وجود آمده است که مزایای بیشتری هم دارند. در بستر الکترونیک خیلی از کارها را می‌توان در خانه یا در مأموریت انجام داد و لازم نیست برای هر کاری حضور فیزیکی داشت. هدف فناوری اطلاعات و یکتاوب هم همین است.

یکی از تست‌های خیلی موفق ما در دانشگاه علوم پزشکی ایران، طرح آزمون استخدامی سال ۱۳۸۵ بود که بعداً در بسیاری از دانشگاه‌ها فعال شد. در سامانه آزمون استخدامی جدید، صدور کارت از صورت دستی به صورت اینترنتی درآمده است. یعنی فرد می‌تواند کارت را از طریق اینترنت دریافت کند، پرنیت بگیرد و با خود در روز امتحان بیاورد. این روش اکنون کاملاً جا افتاده است و هم برای داوطلب و هم برای خود دانشگاه حیاتی است. دانشگاه که سالی چندین میلیون برای این کار هزینه می‌کرد، با این سامانه چندین میلیون سود به‌دست آورد. از طرفی شرکت‌کنندگان هم به دلیل حذف بحث مراجعه به بانک و پست و حضور یک روز زودتر برای پرنیت کارت شرکت در جلسه و ... رضایت بیشتری داشتند. این روشی است که در اکثر کشورهای دنیا تجربه شده است. دلیل رشد شورهای مثل مالزی و سنگاپور، اولویت دادن به سامانه ارتباط الکترونیک بوده است. با این سامانه‌های الکترونیک هم سرعت و کیفیت کار بالا رفته، هم دسترسی‌ها تسهیل شده و هم هزینه‌ها پایین

**سازمان‌های خیریه‌ای که در حوزه آموزش فعالیت می‌کنند، باید وارد بحث آموزش به افرادی شوند که به دلیل مشکل جسمی نمی‌توانند رفت و آمد کنند، ولی توانایی کار با رایانه را دارند**

آمده است. البته متأسفانه به علت کم بودن پهنای باند، سامانه‌های ارتباطی گران و هزینه‌های بالای اینترنتی هنوز از این سامانه‌ها در حد قابل قبول استفاده نمی‌شود. ولی چنانچه به ارتباطات الکترونیک در کشور توجه شود، شاید خیلی از مشکلات و پروژه‌های سنگینی که مطرح است مثل جایابی پایتخت و... برطرف شود. چند دوست هم‌نورد چینی دارم که وقتی در این مورد با آن‌ها صحبت می‌کردم بحث خیلی جالبی مطرح کردند. وقتی با یکی از آن‌ها مطرح کردم که کشور شما فن‌آوری‌های ارتباطی را خیلی جدی گرفته است و شرکت‌های معتبری در این زمینه دارد گفت: "دولت ما ناچار است که از این فناوری‌ها استفاده کند. دولت ما بدون این فناوری‌ها نمی‌تواند این تعداد جمعیت را اداره کند!"

**این بحث به دولت و سازکارهایی که باید فراهم کند، برمی‌گردد و این چیزی است که رویش بحث زیادی می‌شود ولی هنوز به نتیجه قطعی نرسیده است. ولی آیا باید منتظر بمانیم تا دولت فعالیت در این زمینه را تسهیل کند؟**

این درست است، ولی با شرایط فعلی کشور، نمی‌توانیم همه چیز را برعهده دولت بگذاریم. باید خودمان، به‌عنوان تولیدکننده و استفاده‌کننده از این سامانه‌ها و نیز به‌عنوان فرهنگ‌سازان استفاده از فناوری‌های برتر وارد میدان شویم. سازمان‌های خیریه‌ای که در حوزه آموزش فعالیت می‌کنند، باید وارد بحث آموزش به افرادی شوند که به دلیل مشکل جسمی نمی‌توانند رفت و آمد کنند، ولی توانایی کار با رایانه را دارند. یکی از اهداف اصلی طرح پروانه‌ها هم همین بود که فضایی ایجاد شود که اگر کسی کاری برای ارائه دارد، سایتی را راه‌اندازی کند و وارد کار شود. به عنوان مثال چنین سایتی را آقای ضروری به صورت سایت آموزش مجازی زبان انگلیسی راه‌اندازی کرده است و استقبال خوبی هم شده است. چنین فعالیت‌هایی، بسیار مفید و کارساز هستند؛ چون فرد هم کار

می‌کند، هم با دیگران و با جامعه در ارتباط است و هم در عمل، نشانه‌ای از معلولیت در او دیده نمی‌شود. هدف ما این بوده که کاری مثل این را انجام دهیم. خوشبختانه فعالیت مرکز رعد در زمینه اشتغال افراد دارای معلولیت، شاید شروع خوبی برای همکاری در همین زمینه باشد. موسساتی مثل رعد یا بنگاه‌های خیریه می‌توانند روی این مساله کار کنند. در مورد استفاده از سامانه الکترونیک هم، وظیفه ما فرهنگ‌سازی و معرفی ظرفیت‌های این سامانه است. یکی از کارهای خوبی که می‌توان از آن برای گسترش توانایی‌ها استفاده کرد، تدوین طرح جامعی است که تمام مراحل را از صفر تا صد دربر بگیرد. یعنی از ایجاد انگیزه و توانمندسازی و آموزش شروع کند و نهایتاً به بحث بازاریابی و ارائه کار از طریق سامانه‌های الکترونیک ختم شود.

**شما به عنوان یک کارآفرین موفق از طریق سامانه یکتاوب با هزاران نفر به طور مستقیم و غیرمستقیم در ارتباط هستید و این افراد از این طریق مشغول به کار شده‌اند، چگونه می‌توان این فضا را به حوزه افراد دارای معلولیت آورد تا آن‌ها هم بتوانند با یک پروژه منظم و برنامه‌ریزی شده مانند سامانه یکتاوب، مشغول به کار شوند؟**

برای موفقیت در کارها دو چیز مهم است؛ یکی داشتن ایده، یعنی حرفی نو برای گفتن و کاری نو برای انجام دادن و یکی هم مدیریت. در بحث ایده مشکل نداریم، ما معمولاً ایده اولیه را داریم ولی باید آن را مکتوب کنیم و سپس با تحقیق به یک ایده پخته تبدیل کنیم. گاهی به دوستان می‌گویم که اگر می‌خواهید ایده پیدا کنید اولاً کارهای انجام شده در دنیا را بررسی کنید. دوماً هر جا که مشکلی می‌بینید (از مشکلات روز مره مثل ایستادن در صف نانواپی و پمپ بنزین و پزشک متخصص، تا کارهای سختی مثل اسباب‌کشی و خانه‌تکانی) به این فکر کنید که چطور می‌توان با رایانه طرحی نو، این مشکل را حل کرد. سوماً ایده‌های خود را بنویسید و پی‌گیری کنید. بحث مدیریت هم که مسایل فرهنگی و خاص خودش را دارد. باید فرهنگ راحت‌طلبی و کار نکردن و عجله را در جامعه از بین برد. اغلب جوانان عجله دارند و می‌خواهند خیلی سریع به پول و شهرت برسند، همیشه به دوستان توصیه می‌کنم که اولین قدم برای پیشرفت صبر است.

جدیدی را وارد سامانه کنیم. باید فضای به وجود آمده را دوباره بررسی کرده و اهداف خود را مدنظر قرار بدهیم. این که اگر فرد دارای معلولیتی وارد سامانه شود، به او خدمات بدهیم تا او بتواند با جامعه ارتباط برقرار کند و اطلاعات بدهد و اطلاعات بگیرد. رسیدن به این هدف مستلزم این است که همه کمک بکنند. مثلاً شرکتی ممکن است بتواند یک سرور در اختیار ما قرار دهد که بتوانیم اطلاعات را روی آن قرار بدهیم یا سازمانی ممکن است پهنای باند در اختیار ما بگذارد، هر چیزی که در مسیر ارتباط الکترونیک کمک کننده باشد، مورد استقبال ماست. حتی ممکن است فردی بگوید من فتوشاپ کار ماهری هستم و قبول می‌کنم که کارهای محول شده در طرح پروانه‌ها را رایگان یا با هزینه کم انجام بدهم. از همه سازمان‌ها و افراد علاقمند دعوت می‌کنم که به سایت پروانه‌ها مراجعه کنند و از راه‌های همکاری باخبر شوند. طرح پروانه‌ها با آنچه که باید باشد هنوز فاصله دارد ولی امکان رسیدن به اهداف این طرح به خوبی میسر است و امیدوارم این طرح در آینده به‌طور جدی‌تری دنبال شود.


2. www.parvaneha.com

می‌توانید این خدمات را از طریق سایت خود به مردم ارائه دهید. اگر کسی حاضر باشد در این حوزه به‌طور جدی کار کند و هدف اصلی هم اشتغال افراد دارای معلولیت باشد، حاضر تمام مستندات که تا به حال در این مورد نوشته‌ام را در اختیارش قرار دهم. باید در جهت اشتغال معلولان از ظرفیت دولت و نهادها استفاده کنیم و با کمک هم به مرحله‌ای برسیم که این افراد بیایند و آموزش ببینند، ولی آن‌ها را رها نکنیم. یعنی طرح جامعی داشته باشیم که از دعوت به کار تا آموزش و به کار گرفتن در یک کار تیمی را شامل شود. طرح پروانه‌ها توانسته مجموعه‌های مختلفی را راه‌اندازی کند که هر کدام از آن‌ها برای خودشان به روش‌های مختلف تاثیرگذار بوده‌اند. ولی ما در این طرح با اهداف اولیه و پیش‌بینی شده خود هنوز خیلی فاصله داریم.

#### برنامه آینده شما چیست؟

متأسفانه به دلیل مشغولیت‌های زیاد همه افراد بنیانگذار این طرح، هنوز با اهداف اصلی خود فاصله دارد. می‌توانیم در طرح پروانه‌ها خیلی موفق‌تر عمل کنیم. می‌توانیم اشکالات موجود را برطرف و همکاران

باید صبور باشید و با حوصله کتاب بخوانید، تحقیق کنید و یاد بگیرید. یکی از برنامه‌هایی که هنوز فرصت اجرایی کردن آن را نیافته‌ام، طرحی است به نام طرح ارزش. هدف این طرح، افزایش ارزش پایگاه‌های اینترنتی است. یکی از مشکلات جدی بسیاری از سایت‌های به ظاهر فعال این است که در واقع ارزش خاصی ندارند. سایت‌هایی ایجاد شده‌اند که سایت‌ها را ارزش‌گذاری می‌کنند و براساس یک سری معیارها ارزش دلاری آن‌ها را مشخص می‌کند. می‌توان از دیدگاه دیگری به این قضیه نگاه کرد. ما سایت‌های زیادی وابسته به سازمان‌های معتبر داریم که با صرف وقت و هزینه‌های بالا راه‌اندازی شده‌اند ولی کارایی چندانی ندارند و اگر شما برای انجام کاری به این سایت‌ها مراجعه کنید، چون نتیجه نمی‌گیرید، مجبور می‌شوید خودتان حضوری یا تلفنی مشکلاتتان را حل کنید. طرح ارزش را بر این مبنا نوشته‌ام که کمک کند تا سایت‌ها ارزش پیدا کنند. ارزش پیدا کردن سایت‌ها، یکی از طریق افزایش اطلاعات دقیق و به‌روز است و یکی از راه‌های انجام این کارها، از طریق سایت است. برای راه‌اندازی این طرح و دستیابی به اهداف آن به چند گروه نیاز داریم تا بتوانند پایگاه‌ها را با اطلاعات مفید به‌روز کنند و نیز فرآیندهای سنتی را به فرآیندهای الکترونیک تبدیل کنند. اگر بتوانیم مجموعه‌ای را ایجاد کنیم تا دانشجویانی که در زمینه‌های مختلف تحصیل کرده‌اند، جمع شوند و در زمینه‌های تحقیق، تالیف و ترجمه، گزارشگری و خبرنگاری، طراحی، برنامه نویسی، مهندسی محتوا و مهندسی فرآیند آموزش ببینند، می‌توانیم آن‌ها را به کار بگیریم. در این صورت می‌توانیم با سازمان‌ها قرارداد ببندیم که سایتشان را به‌روز می‌کنیم. این کار به تیمی گسترده نیاز دارد و افراد دارای معلولیت می‌توانند به‌راحتی وارد این کار شوند. چون فراهم کردن این تیم، هم باعث اشتغال این افراد می‌شود و هم سایت‌ها را از این وضعیت به‌درد نخور خارج می‌کند. وقتی چنین تیمی را تشکیل داده و سازمان‌دهی کنیم، می‌توانیم با سازمان‌ها تماس بگیریم و قابلیت‌های خود را به آن‌ها معرفی کنیم و بگوییم که ما این ده کار را در یک بسته قراردادی در سایت شما پیاده‌سازی می‌کنیم و شما



از همه سازمان‌ها و افراد علاقمند دعوت می‌کنیم که به «سایت پروانه‌ها» مراجعه کنند و از راه‌های همکاری با این سایت باخبر شوند



محمد نوری مدیر «دفتر فرهنگ معلولین» است که با همکاری علی نوری قائم مقام این دفتر، در حوزه مسایل فرهنگی افراد دارای معلولیت فعالیت می‌کند. این دفتر که در مهرماه سال ۱۳۹۰ در شهر قم بنیانگذاری شده است وابسته به دفتر آیت الله العظمی سیدعلی سیستانی می‌باشد. نماینده تام‌الاختیار ایشان در ایران حجت‌الاسلام والمسلمین سیدجواد شهرستانی هستند که بر کار این دفتر، نظارت مستقیم دارند. «دفتر فرهنگ معلولین» علاوه بر فعالیت‌های فرهنگی به معرفی نخبگان دارای معلولیت و توانایی‌های آن‌ها در سطح جهان که گاهی به اشتغال می‌انجامد هم می‌پردازد. فعالیت این دفتر، بین‌المللی است و افراد دارای معلولیت کلیه کشورهای مسلمان را شامل می‌شود. با آقایان محمد و علی نوری در محل کتابخانه ملی ایران به گفتگو نشستیم.

## هدف ما این است که افراد نخبه دارای معلولیت را به دنیا معرفی کنیم

محمد نوری | مدیر دفتر فرهنگ معلولین

عراق اقدام می‌کردیم. پس از گردآوری اطلاعات لازم به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداختیم و متوجه شدیم، زیربنایی‌ترین و اساسی‌ترین مشکل، فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی است. یعنی افراد دارای معلولیت، خانواده‌های آنان، کل جامعه و مسئولان و مدیران، فاقد اطلاعات به‌روز و پویا و فاقد فرهنگ حمایتی و هدایتگر می‌باشند. از این‌رو این دفتر تولید انواع بسته‌های فرهنگ‌ساز و اطلاع‌رسان را شروع کرد. سپس آثار و تولیدات را برای مراکز، کتابخانه‌های فعال معلولان و افراد نخبه دارای معلولیت در داخل کشور و کشورهای مختلف ارسال کرد. البته هدف بیشتر نخبگان جهان اسلام بوده است.

**فعالیت این دفتر و آثار و تولیدات آن چیست؟**  
در آغاز تأسیس این دفتر، مطالعات کارشناسی برای تشخیص مشکلات و طبقه‌بندی آن‌ها انجام گرفت. سپس هشت گروه کاری راه‌اندازی شد.

راه‌اندازی شد. نیاز اولیه که بلافاصله پس از تأسیس، خودنمایی می‌کرد، تشکیل بانک اطلاعاتی از نخبگان معلول بود. چون زمانی که این دفتر شروع به فعالیت کرد سازمان بهزیستی کشور، سازمان آموزش و پرورش استثنایی و سایر سازمان‌های مردم‌نهاد در کشور اطلاعات کافی و موثقی از تعداد معلولان ایران و خصوصاً نخبگان دارای معلولیت نداشتند. از طرف دیگر هرگونه برنامه‌ریزی فرهنگی و اقدام برای حل مشکلات نیاز به اطلاعات دقیق دارد. از این‌رو نخستین گام، گردآوری اطلاعات آماری معلولین و طبقه‌بندی آن‌ها بود. به ویژه حوزه فعالیت این دفتر، بین‌المللی است و افراد دارای معلولیت را در ایران، افغانستان، تاجیکستان و عراق و خصوصاً در کشورهای فارسی‌زبان، شناسایی و تحت پوشش قرار می‌دهد؛ از این‌رو باید نخست به شناسایی و جمع‌آوری آمار از حداقل چند کشور مهم‌تر اسلامی یعنی افغانستان و

### دفتر فرهنگ معلولین با چه هدفی تشکیل شده است؟

هدف از تشکیل «دفتر فرهنگ معلولین» تأمین نیازهای فکری و فرهنگی جامعه معلولان در کشورهای مختلف اسلامی است. خطمشی این دفتر همکاری با نخبگان و فرزندان دارای معلولیت مسلمان در سراسر جهان، ارتقای فرهنگ اسلامی در بین این عزیزان و افزایش توانایی و خلاقیت آنان است. از این‌رو با تولید آثار مذهبی به روش بریل، گویا و الکترونیک دسترسی آنان را به منابع اسلامی آسان‌تر می‌نماییم. در سال‌های اخیر تعداد زیادی از معلولان نخبه در کشورهای اسلامی مانند ایران، عراق و افغانستان به دلیل فقدان حمایت از آنان، به کشورهای اروپایی و غربی مثل کانادا مهاجرت کرده‌اند بنابراین دفتر فرهنگ معلولین زیرنظر حجت‌الاسلام والمسلمین سیدجواد شهرستانی، با هدف شناسایی افراد نخبه دارای معلولیت و حمایت از آنان



شماره ۵۵، بهار ۱۳۹۴

به طور اختصار به فعالیت هر گروه اشاره می‌کنیم؛ گروه کتاب‌گویا که مدیریت آن برعهده خانم منصوره ضیایی‌فر، از نابینایان این دفتر و فارغ‌التحصیل رشته ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی ارشد است. در مطالعاتی که انجام شد به این نتیجه رسیدیم که یکی از نیازهای اصلی نابینایان، کمبود کتاب‌های گویا است. به ویژه در مقاطع دانشگاهی نیاز مبرم به این کالا دارند. بنابراین یکی از اهداف این دفتر گویاسازی کتب در قالب درسی یا عمومی شد. در مدتی که از کار این دفتر می‌گذرد حدود چهار هزار ساعت کتاب در موضوعات مختلف گویا و صوتی شد که همه آن‌ها در سایت دفتر فرهنگ معلولین و در مجلات مختلف معرفی شده‌اند. این تولیدات به صورت رایگان در اختیار نابینایان در هر نقطه از جهان قرار می‌گیرد. البته این کتاب‌ها فعلاً به زبان فارسی است و مشغول تهیه کتاب گویا به زبان عربی هم هستیم و از سال آینده نیز کتاب گویا به زبان انگلیسی تهیه خواهد شد. البته موسسات دیگری مثل موسسه رودکی و حسینیه ارشاد نیز در زمینه گویا کردن کتاب، سال‌ها فعالیت کرده‌اند ولی در حوزه کتاب‌های آکادمیک و مرجع و برخی کتب مذهبی چند جلدی، هنوز ورود نداشته‌اند. البته تلاش شد، کارهای موازی و تکراری که در سایر موسسات انجام شده را، انجام ندهیم و کتاب‌هایی که تابحال صوتی نشده و همچنین نیاز مبرم پژوهشگران نابینا است را در دستور کار قرار دهیم.

از فعالیت‌های این دفتر می‌توان به گویا کردن کتبی مثل ترجمه تفسیر المیزان (۲۰ جلد)، تفسیر مجمع‌البیان (۱۶ جلد)، تفسیر راهنما (۲۰ جلد)، مجله آینه پژوهش (۶۰ شماره)، تفسیر نهج‌البلاغه (۱۵ جلد)، تفسیر صحیفه سجادیه (۱۵ جلد) و ده‌ها عنوان دیگر اشاره کرد. کتاب تفسیر المیزان در مقطع کارشناسی ارشد در چندین رشته مانند رشته‌های علوم قرآنی جزو کتب درسی است و همچنین بعضی از کتاب‌های انتشارات سمت نیز گویا شده و در اختیار نابینایان قرار گرفته است. در این گروه حدود بیست نفر به صورت پاره وقت و تمام وقت مشغول به کار هستند.

بخش دیگری که در این مرکز فعال است، گروه کتاب بریل هستند. کار این گروه نیز شناسایی آثار مورد نیاز نابینایان و تبدیل کردن آن‌ها به خط بریل است. در مطالعه‌ای که انجام دادیم متوجه شدیم بسیاری از کتابخانه‌های ملی دنیا فاقد کتاب‌های

**آثار این مرکز رایگان است و  
برای کلیه افراد دارای معلولیت  
در سراسر ایران و جهان قابل ارسال  
می‌باشد. فهرست و مشخصات کامل آثار  
و تألیفات این مرکز بر روی سایت «دفتر  
فرهنگ معلولین» به آدرس  
www.malolan.com قرار دارد**

مرجع مذهبی مانند قرآن، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه به صورت بریل می‌باشند. به خصوص فاقد کتاب‌های بریل شیعی می‌باشند. از اینرو به تأمین این نیاز پرداختیم. کتاب‌های بریل تولیدی دفتر فرهنگ معلولین به کتابخانه‌های مهم مراکز استان‌ها و اکثر شهرستان‌های بزرگ ایران و برخی از شهرهای خارج از ایران ارسال شده است. قرار است به تمام کتابخانه‌های ملی کشورها یک دوره قرآن بریل، نهج‌البلاغه بریل و صحیفه سجادیه بریل اهدا نماییم. کتاب‌های بریل این مرکز فعلاً به چهار زبان فارسی، عربی، انگلیسی و اردو تهیه و تکثیر می‌شود در آینده ان شاء الله زبان‌های دیگری هم در این قلمرو قرار می‌گیرد.

شش گروه دیگر عبارت‌اند از: ارتباطات و سایت، کتاب الکترونیک، کتاب مرجع، کتاب راهنما، کتابخانه و فیلم و عکس. هر کدام از تولیدات این دفتر، توسط یکی از این هشت گروه اجرا می‌شود.

### **فعالیت‌های بریل دفتر فرهنگ معلولین بیشتر روی کتب مذهبی و دینی متمرکز است؟**

بله. فعالیت بریل این مرکز روی کتاب‌های مذهبی متمرکز است، زیرا سایر کتاب‌ها در بسیاری از کتابخانه‌ها موجود هستند. البته کشور عربستان اردن هم آثاری به صورت بریل به کتابخانه‌های دنیا فرستاده‌اند. ولی کتبی مانند قرآن، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه در حالی که مورد نیاز اغلب کتابخانه‌ها هست، کمتر کار شده‌است.

به‌رحال کار تهیه این کتاب‌ها به زبان بریل را در چارچوب تعریف شده توسط دفتر انجام می‌دهیم.

بخش دیگر فعال در این مرکز، گروه مرجع‌نگاری است که وظیفه تهیه انواع دائرةالمعارف، فرهنگ‌نامه، مآخذشناسی و نسخه‌شناسی را با توجه به نیاز افراد دارای معلولیت برعهده دارد. دائرةالمعارف ناشنوایان اولین کاری بود که توسط کادر علمی این مرکز انجام شد و توسط موسسه‌ای در تهران در سال ۱۳۸۹ در سه جلد چاپ شد. دائرةالمعارف نابینایی و نابینایان نیز در حال تدوین است. همانطور که

می‌دانید دائرةالمعارف‌نگاری کار بسیار مشکلی؛ ولی از نیارهای اساسی جامعه معلولان است. متأسفانه با اینکه این قشر به کتب مرجع نیاز دارند ولی در ایران و حتی در کشورهای پیشرفته، آثار انگشت شمار و محدودی عرضه شده است. چنانچه اگر به یک کتاب مرجع مثل دائرةالمعارف نیاز داشته باشند، معمولاً با مشکل روبه‌رو می‌شوند. برای رفع این نقص تألیف دانشنامه پارالمپیک، دانشنامه بریل، دانشنامه نابینایی و دائرةالمعارف عمومی معلولین ایران نیز در دستور کار این مرکز قرار دارد.

### **دائرةالمعارف ناشنوایان چه خصوصیتی دارد؟ آیا یک ناشنوا نمی‌تواند از دائرةالمعارف‌ها و دانشنامه‌های عمومی و عادی استفاده کند؟**

ما در دائرةالمعارف ناشنوایان اطلاعات زیادی را در مورد مراکز علمی و دانشگاهی ویژه ناشنوایان، تیم‌های ورزشی، نخبگان ناشنوا و سایر اطلاعات مورد نیاز ناشنوایان جمع‌آوری کرده‌ایم. این اطلاعات در دائرةالمعارف‌های عمومی نیامده است. امروزه دائرةالمعارف یک رسانه اطلاع‌رسانی تعریف می‌شود و دائرةالمعارف ناشنوایان نیز مانند یک رسانه کل مسایل و نیازهای ناشنوایان را اطلاع‌رسانی می‌کند. از این‌رو هر قشر نیاز به دانشنامه و دیگر آثار مرجع ویژه خود را دارد؛ همانطور که هر علم نیاز به دانشگاه تخصصی خود دارد. ناشنوایی داشتیم که کارشناسی ارشد در رشته فرهنگ و تمدن اسلامی داشت ولی نتوانسته بود شغلی مناسب پیدا کند و بسیار نگران و ناراحت بود. در تماسی که با یکی از دوستانش در کانادا گرفت، اطلاع یافت که می‌تواند از بورسیه دکتری ویژه معلولان در دانشگاه استفاده نماید. با همین اطلاع‌رسانی ساده این فرد اکنون به عنوان استاد در دانشگاهی در اروپا مشغول به کار است.

### **آیا ناشنوایان این اطلاعات را نمی‌توانند از طریق اینترنت به دست آورند؟**

خیر، اینترنت مولد و تولیدکننده اطلاعات نیست. یعنی باید اطلاعات آماده و تولید شود، سپس روی اینترنت قرار گیرد. خبرگزاری‌ها، دائرةالمعارف‌ها، نشریات، مآخذشناسی‌ها، با تحقیق و جستجوی میدانی و بررسی‌های علمی، اطلاعات را جمع‌آوری و پردازش می‌کنند. سپس این اطلاعات روی اینترنت قرار می‌گیرد. دائرةالمعارف ناشنوایان به روش علمی، اطلاعات منطقه‌ای و میدانی را جمع‌آوری می‌کند. در حالی که بسیاری از این اطلاعات در اینترنت در دسترس نیست.





مثال دیگر این که ما در زمینه ورزش معلولان دایرةالمعارفی نداریم. فردی که علاقه به ورزش دارد و کار هم کرده و مایل است وارد کار ورزش حرفه‌ای شود چگونه می‌تواند این ارتباط را برقرار کند؟ جایی وجود ندارد که این اطلاعات را به او بدهد حتی در اینترنت هم نمی‌تواند به این اطلاعات دست یابد. اما پس از تألیف دایرةالمعارف پارالمپیک، همه گروه‌های دارای معلولیت می‌توانند اطلاعات مورد نظر خود را پیدا کنند.

یکی دیگر از بخش‌های فعال این دفتر، فیلم و عکس است. حدود پانصد فیلم مطلوب مرتبط با معلولان (مستند، کوتاه، بلند و سینمایی) در جهان شناسایی و در یک کتاب، مشخصات آن‌ها معرفی شده‌است. خود فیلم‌ها هم جمع‌آوری شده‌اند. این کتاب با عنوان «راهنمای فیلم‌های معلولین: جلد اول، فیلم‌های فارسی» به زودی چاپ خواهد شد. جلد دوم این کتاب که در سال آینده منتشر خواهد شد به معرفی فیلم‌های خارجی درباره معلولان می‌پردازد.

بخش دیگر این مرکز، گروه نشریه است که کار انتشار مجله توان نامه را برعهده دارد. این نشریه دو ماهنامه است و از شهریور سال ۱۳۹۲ منتشر شده‌است. هر شماره نشریه به موضوعی خاص در حوزه معلولیت اختصاص یافته و پژوهش، میزگرد و مصاحبه‌های جامعی درباره آن موضوع، منتشر می‌شود.

گروه پژوهشی دیگری داریم که کار تألیف و تدوین کتاب‌های راهنما در قطع پالتویی در موضوعات ویژه معلولان را برعهده دارد. در این کتاب‌ها به قوانین، مسایل و معضلات افراد دارای معلولیت همچنین صفات نیکو و معرفی معلولان برجسته و فرهیخته پرداخته شده است. مطالب این کتاب‌ها کارشناسی شده، در قالبی کم حجم و با ارزش اطلاعاتی بالا و با قلم روان برای مخاطب عمومی تهیه شده است. تاکنون حدود یکصد عنوان کتاب در موضوعات مختلف مربوط به معلولان تدوین شده و تعدادی از آن‌ها نیز چاپ عمومی شده که به رایگان در اختیار موسسات و کتابخانه‌های ویژه معلولان، افراد دارای معلولیت و بر روی سایت مرکز قرار گرفته است.

بخش دیگر فعال در این مرکز، کتابخانه تخصصی معلولیت و معلولان است که برای اولین بار در ایران و جهان اسلام تأسیس شده است. هدف جمع‌آوری همه آثار اعم از کتاب، پایان‌نامه، نشریه، کتاب گویا و کتاب بریل در حوزه فعالیت افراد دارای معلولیت است. تاکنون حدود هفت هزار اثر چاپی

**ما پیشنهاد ایجاد یک شبکه مجازی ارتباطی معلولان در ایران را داده‌ایم. ایجاد چنین شبکه‌ای توسط سازمان بهزیستی یا موسسات مربوط به افراد دارای معلولیت، نقش مهمی در اطلاع‌رسانی و خدمات‌رسانی به این افراد حتی در دورافتاده‌ترین نقاط ایران و در کوتاه‌ترین زمان را خواهد داشت**

و الکترونیکی در موضوعات اختصاصی معلولان به زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسوی و اسپانیولی گردآوری شده است.

از دیگر بخش‌های این مرکز، گروه ارتباطات است که وظیفه آن راه‌اندازی و مدیریت وبسایت و ارتباط مستمر با دیگر مراکز فعال حوزه معلولان، تبادل تجارب و اطلاعات و تأمین نیازمندی‌های آنان در حد ضرورت و توان می‌باشد. پایگاه اینترنتی مرکز به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی آماده شده و متن همه کتاب‌ها، نشریات، مقالات و مجموعه‌های تولیدی مرکز برای استفاده عموم در آن قرار دارد. بخش دیگری که فعالیت پاره وقت دارد دبیرخانه جشنواره‌ها است. ما در سال یک یا دو جشنواره برگزار می‌کنیم. امور مربوط به جشنواره‌ها در این گروه ساماندهی و مدیریت می‌شود. فراخوان‌ها، جوایز، نفرات برگزیده و گزارش‌های این جشنواره‌ها در سایت مرکز اطلاع‌رسانی شده است.

**افرادی که مایل هستند از خدمات و آثار دفتر فرهنگ معلولین مطلع شوند چگونه می‌توانند ارتباط بگیرند؟**

افراد دارای معلولیت از طریق وب سایت این مرکز با خدمات آشنا می‌شوند و چنانچه مایل به دریافت آثار تولیدی باشند می‌توانند از طریق ایمیل، نامه پستی یا تماس تلفنی با ما در ارتباط باشند. لیست اکثر آثار، تألیفات و خدمات این مرکز بر روی سایت مرکز ([www.malolan.com](http://www.malolan.com)) قرار دارد. تمام تولیدات به صورت رایگان برای افراد دارای معلولیت در ایران و سایر کشورهای جهان قابل ارسال است. در کنار ارسال محصولات از افراد توان‌خواه خواسته می‌شود که زندگینامه خود را بفرستند تا تشکیل پرونده بدهیم و طبق نیازمندی‌هایشان خدمات و آثار بعدی را برایشان بفرستیم.

**آیا همه این آثار به صورت مجازی و اینترنتی**

**در دسترس قرار می‌گیرند؟**

متن کتاب‌ها، مجلات، مقاله‌های پژوهشی و مصاحبه‌ها را بلافاصله پس از انتشار به صورت کامل در سایت و فضای مجازی قرار می‌دهیم. حدود چهار هزار ساعت کتاب صوتی که در استودیو مرکز خوانده و نهایی شده و در پنجاه DVD مجموعه سازی کرده‌ایم، به علت حجم بالا بر روی سایت قرار نداده‌ایم و در قالب CD و DVD برای افراد، موسسات و کتابخانه‌ها ارسال می‌کنیم.

**آیا در دفتر فرهنگ معلولین تیمی وجود دارند که اطلاعات و توانایی‌های افراد را جمع‌آوری و پردازش کنند؟**

این دفتر برای جامعه هدف تلاش می‌کند و لازم است درباره آن‌ها اطلاعات جامع داشته باشیم، از این‌رو از ابتدا، بانک اطلاعات معلولان نخبه در مرکز ایجاد شد و افراد نخبه معلول از سراسر ایران، شناسایی و اطلاعات آن‌ها را در بانک ثبت نمودیم. همچنین سعی می‌کنیم از خود افراد دارای معلولیت برای تولید آثار کمک بگیریم. هر فردی را که در زمینه‌های ویراستاری، نویسندگی، گویندگی و ترجمه مهارت لازم را داشته باشد دعوت به کار می‌کنیم. افراد علاقمند آموزش‌های توجیهی و کارگاهی را در جهت انجام کار می‌بینند و چون کار تا حدود زیادی تخصصی است دو ماه به طور آزمایشی کار می‌کنند و مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. افرادی که این دوره را به خوبی بگذرانند، مجوز اشتغال در گروه مورد نظر دریافت می‌نمایند.

**این آموزش‌ها و کارگاه‌ها در چه مکانی برگزار می‌شوند؟**

آموزش‌ها به صورت کلاسیک نیست بلکه ضمن کار است. یعنی افرادی که مراجعه کرده و تقاضای اشتغال دارند، پس از ارزیابی اولیه، نوع استعداد و گروهی که باید مشغول شوند، تعیین می‌شود. این نیرو به مدیر گروه سپرده و او در گروه مشغول می‌شود و ضمن انجام کار، نکات آموزشی و اصلاحی عرضه می‌شود.

**دفتر فرهنگ معلولین وظیفه خدمت‌رسانی به نخبگان دارای معلولیت را برعهده دارد، تعریف شما از نخبه چیست و این افراد باید در چه سطح علمی، ورزشی یا هنری باشند؟**  
تعریف دقیق از نخبه ارائه نشده و این اصطلاح دارای مفهومی نسبی است. از سوی دیگر در هر رشته به اقتضای آن رشته تعریف و تعیین می‌شود. مهم این است که توانایی و مهارت لازم در



رشته خاص داشته باشند. فردی نقاش یا فیلمساز، نویسنده، قاری قرآن، مربی ورزش یا ورزشکار اگر دارای ابتکار و آثار جذاب باشند، نخبه محسوب می‌شوند.

### آیا دفتر فرهنگ معلولین مستقیماً در جهت اشتغال افراد دارای معلولیت هم فعالیت می‌کند؟

پاسخ این پرسش هم آری و هم خیر است. اگر منظور شما اینست که به آن‌ها کار بدهیم و آن‌ها را سرکار مشخص بگذاریم، غیر از افراد معدود که جزء کارمندان دفتر هستند، برای بقیه کار ایجاد نمی‌کنیم. اما امروزه کشورهای پیشرفته هم معمولاً برای گروه هدف خود مستقیم اشتغال‌آفرینی نمی‌کنند، بلکه اطلاع‌رسانی انجام می‌دهند و از طریق اطلاع‌رسانی برای جامعه هدف اشتغال ایجاد می‌کنند. دفتر فرهنگ معلولین هم همین کار را که در دنیا تجربه شده، انجام می‌دهد. یعنی افراد دارای معلولیت با توانایی‌های مختلف را شناسایی و از طریق سایت، کتاب، مجله و امکاناتی که در اختیار دارد آن‌ها را به «مراکز نیازمند نیروی کار» معرفی می‌کند و سعی می‌کند ارتباط بین مراکز مختلف با این افراد را سازماندهی کند.

بیشتر موسسات حوزه معلولان، امکانات و بودجه‌های زیادی را صرف مهارت‌آموزی به افراد دارای معلولیت می‌کنند؛ البته کار خوبی است، ولی باید در نظر داشت، شهری مانند تهران حداقل دویست هزار نفر معلول دارد که شاید در سال حدود دویست نفر از آن‌ها در مراکز مختلف آموزش ببینند که نسبت به کل، رقم اندکی است، بنابراین، این شیوه به امکانات و بودجه و موسسات زیادی نیاز دارد. حتی در این صورت هم امکان کار و اشتغال برای همه آن‌ها وجود ندارد. بنابراین به نظر می‌رسد که بهتر است به جای آموزش و مهارت‌آموزی، آن‌ها را به کارفرمایان ایران و جهان معرفی کنیم. این کار نیاز به امکانات پیچیده‌ای هم ندارد و از طریق سایت‌های مختلف می‌توان این کار را انجام داد.

هدف این است که بتوانیم توانایی هر کدام از افراد دارای معلولیت را به دنیا معرفی کنیم. ما از هر کدام از این افراد اطلاعات جامعی را تهیه و به صورت یک رزومه در سایت قرار می‌دهیم. با این کار بسیاری از افراد به اشتغال می‌رسند، مخصوصاً که خود این افراد با یکدیگر در ارتباط هستند. اگر مراکز بهزیستی را کنار بگذاریم متأسفانه مراکز غیردولتی ویژه معلولان در ایران ارتباط خوبی

با هم ندارند و حتی حاضر نیستند اطلاعات خود را به یکدیگر بدهند. ما از همه مراکز فعال برای معلولان مانند جامعه معلولین ایران، مجتمع رعده، رعده الغدیر، انجمن نابینایان ایران، کانون ناشنوایان ایران و سایر مراکز فعال در شهرستان‌ها خواهش کرده‌ایم که بیایند و اطلاعاتشان را در یک مرکز واحد گردآوری کنند. زیرا هر یک از این مراکز تعدادی عضو دارند. برای هر یک از آن‌ها پرونده دارند. باید بتوانیم همه این اطلاعات را جمع‌آوری کنیم و با یکدیگر در تبادل اطلاعات باشیم. حداقل برای شروع کار چه در بحث اشتغال معلولان و چه رفع سایر نیازهای این افراد لازم است که یک مرکز جامع اطلاعاتی از افراد دارای معلولیت، همچنین بانک اطلاعات معلولان نخبه وجود داشته باشد.

### این مرکز جامع اطلاعاتی باید زیرنظر چه سازمانی باشد؟ آیا چنین بانک اطلاعاتی هنوز ایجاد نشده است؟

چنین بانک جامع و چند منظوره‌های هنوز ایجاد نشده است. مراکز مختلف هر کدام تعدادی عضو دارند که اطلاعات مربوط به اعضای خود را در اختیار دارند این کار باید توسط سازمان بهزیستی یا مراکز مردم نهاد قوی مانند مرکز رعده تهران انجام شود. سازمان بهزیستی در این زمینه اقداماتی انجام

داده است ولی در جمع‌آوری اطلاعات و پردازش کند است. همچنین اطلاعات و بانک‌های خود را به بیرون و سایر مراکز معلولان نمی‌دهد و عملاً چیزی تاکنون به دست ما نرسیده است. تعدادی از نهادهای خیریه‌ای که در حوزه معلولان کار می‌کنند انگیزه‌های فرهنگی ندارند و بیشتر در جهت سودآوری کار می‌کنند، این مراکز را باید کنار گذاشت. ولی یک سری مراکز هم هستند که واقعا در جهت ارتقای افراد دارای معلولیت تلاش می‌کنند و اهداف والایی دارند. این مراکز منتظرند که مراکز دیگری مانند مجتمع رعده وارد میدان شود و دست آنان را هم بگیرد. مجتمع رعده می‌تواند با این مراکز جلساتی بگذارد و تقسیم کار کند. یکی از همین کارها ایجاد بانک اطلاعاتی است که برای کمک به افراد دارای معلولیت ضروری است. زیرا تا وقتی که ما اطلاعات کافی نداشته باشیم نمی‌توانیم در مسیر درست قدم برداریم.

### دفتر فرهنگ معلولین چند نفر عضو دارد؟ اطلاع‌رسانی این دفتر چگونه است؟

اطلاع‌رسانی ما از طریق وبسایت دفتر فرهنگ معلولین، از طریق مجله توان‌نامه و جلساتی است که با معلولان و سایر انجمن‌ها و موسسات برگزار می‌کنیم. در مورد تعداد اعضا باید بگوییم ما حدود دو هزار نفر عضو بدون واسطه داریم یعنی کسانی که



به نظر می‌رسد که

بهتر است به جای آموزش

و مهارت‌آموزی، آن‌ها را به

کارفرمایان ایران و جهان

معرفی کنیم



خودشان با ما تماس گرفته‌اند و تمایل به استفاده از آثار این مرکز دارند. یک سری اعضا هم داریم که با واسطه با ما در تماس هستند. یعنی فرد نابینا یا ناشنوایی که در اردبیل یا بندرعباس یا روستاهای اطراف آن زندگی می‌کند نیاز خود را از طریق انجمن‌ها و موسسات موجود در شهرستان خود تهیه می‌کند و البته اگر مستقیماً با ما هم تماس بگیرد می‌تواند از این خدمات بهره‌مند شود.

از این طریق در همه شهرها خدمت‌رسانی را فعال کرده‌ایم. مثلاً در مورد نابینایان که مشتریان اصلی کتاب‌های صوتی و گویای ما هستند ما با همه انجمن‌های نابینایان در شهرستان‌ها در ارتباط هستیم و کتاب‌های الکترونیک و صوتی خود را بلافاصله پس از تولید برایشان ارسال می‌کنیم. با این انجمن‌ها تماس گرفته و تولیدات خود را معرفی و رایگان برایشان ارسال می‌کنیم تا در اختیار اعضایشان قرار دهند. در ایران حدود یک میلیون نفر نابینا، کم بینا و ضایعات چشمی داریم که کتاب‌های صوتی و گویای ما با این روش، بین نود درصد روش‌اندازی که خواهان کتاب گویا هستند پخش می‌شود. نکته دیگر اینکه در ایران ما تنها مجله معلولین هستیم که متن نشریه را علاوه بر فرمت pdf با فرمت doc و html بر روی سایت قرار داده‌ایم تا پژوهشگران راحت‌تر بتوانند از مطالب آن استفاده کنند.

### طرح شبکه ارتباطی معلولان که پیگیر آن هستید چه ویژگی‌ها و الزاماتی دارد؟

طرحی را به نام طرح شبکه ارتباطی معلولان کارشناسی کرده‌ایم و در نشریه توان نامه نیز آن را توضیح داده‌ایم. در کشوری مانند انگلیس معلولان در هر استانی یک پایگاه دارند که این پایگاه با شهرهای کوچک‌تر و از طریق این شهرها با روستاهای اطراف مرتبط هستند و فرد دارای معلولیتی که در یک روستا زندگی می‌کند نیازی ندارد که با مرکز لندن تماس بگیرد و یا به آنجا مراجعه کند بلکه به همان پایگاهی که در روستا یا شهر نزدیک خود هست، مراجعه می‌کند؛ یا از طریق شبکه‌های مجازی با این مراکز ارتباط برقرار می‌کنند. ما پیشنهاد ایجاد یک شبکه مجازی در ایران را دادیم. هزینه آن هم زیاد نیست. ایجاد چنین شبکه‌ای توسط سازمان بهزیستی یا موسسات معلولان نقش مهمی در اطلاع‌رسانی و خدمات‌رسانی به افراد دارای معلولیت در دور افتاده‌ترین نقاط ایران در کوتاه‌ترین زمان را خواهد داشت.

در حال حاضر خیلی از دانشگاه‌های مطرح در دنیا برای افراد دارای معلولیت بورسیه‌های ویژه‌ای دارند و بسیاری از افراد دارای معلولیت واجد شرایط در ایران هستند که از این موضوع بی‌اطلاعند.

ما از یکی از دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه آنکارا خواسته‌ایم که این فرصت‌های تحصیلی را در دانشگاه‌های دنیا شناسایی کند تا بتوانیم این اطلاعات را بر روی سایت مرکز قرار دهیم. این دانشگاه‌ها افراد دارای معلولیت را بورسیه می‌کنند و امکانات خوبی نیز در اختیارشان قرار می‌دهند. چنانچه افراد واجد شرایط بتوانند به موقع از این فرصت‌ها باخبر شوند و رزومه خود را ارسال کنند می‌توانند از این امکانات بهره‌مند شوند. در حال حاضر بیش از پنجاه مقاله حقوقی به زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه در سایت قابل دسترس است. بخشی از این اطلاع‌رسانی شامل بورس‌های کشورهای اروپایی برای معلولان در دانشگاه‌های مختلف است. هر ساله تعدادی از افراد دارای معلولیت توسط این دانشگاه‌ها پذیرش می‌شوند که به زودی این اطلاع‌رسانی از طریق سایت دفتر فرهنگ معلولین انجام خواهد شد.

### مرکز شما در کجاست و بودجه‌های آن چگونه تأمین می‌شود؟

دفتر ما در شهر قم است. البته فعالیت مرکز ما بیشتر به شکل مجازی است چون امروزه در دنیا ایده و فکر مهم است و اگر ایده‌ای وجود داشته‌باشد، به سرعت فراگیر می‌شود. ما هیچگونه بودجه‌ای از دولت نمی‌گیریم و حامی انجمن ما، دفتر آیت الله العظمی سیدعلی سیستانی در نجف هستند. نماینده ایشان در ایران جغتالاسلام والمسلمین سیدجواد شهرستانی هر ماه بودجه‌ای در اختیار دفتر فرهنگ معلولین قرار می‌دهد که صرف تهیه و تولید آثار این دفتر و فعالیت‌های آن می‌شود.

### دفتر فرهنگ معلولین به نوعی کار رسانه‌ای در جهت ارتقای فرهنگ افراد دارای معلولیت هم انجام می‌دهد. به نظر شما رسانه‌ها چه رسانه‌های مکتوب و چه رسانه‌های مجازی و چه رسانه‌های دیداری و شنیداری چه نقشی در فرهنگ‌سازی در حوزه معلولیت دارند؟

از دوران مشروطه گفته می‌شود که رکن چهارم مشروطه، مطبوعات هستند. رسانه‌ها و مطبوعات جزو مقوم‌های جامعه‌های پیشرفته هستند و به عبارتی جامعه مدنی بدون رسانه

اصلاً امکان‌پذیر نیست. متأسفانه مطبوعات و رسانه‌ها در حوزه معلولیت کم‌کار و تا حدودی ناکارآمد بوده‌اند. وقتی بررسی می‌کنیم و می‌بینیم تنها چند مجله پیوسته در حوزه معلولان منتشر می‌شود که شاید بهترین آن‌ها توان‌یاب و پیک توانا باشد و مجله ما هم که تا حدودی آکادمیک و تخصصی است و این سه مجله هم کارآمدی نسبی دارند و نمی‌توان گفت که کامل هستند. بنابراین اگر جامعه‌مدنی و مقوم آن یعنی رسانه را در نظر بگیریم می‌بینیم که در حوزه معلولان خیلی کم کار شده‌است. رسانه‌ها نقش انتقال تجارب و اطلاعات و دستاوردهای دنیای پیشرفته را برعهده دارند. وقتی رسانه‌ها کارآمد نباشند چرخه انتقال اطلاعات به خوبی کار نمی‌کند. در کشورهای توسعه‌یافته دهها و صدها وسیله توانبخشی از سمعک و عینک و پیشرفت‌های پزشکی گرفته تا خط بریل اطلاع‌رسانی می‌شود و در اختیار افراد دارای معلولیت قرار می‌گیرد و این رسانه‌ها هستند که این پیشرفت‌ها و اطلاعات را در دنیا منتقل می‌کنند. ولی در ایران، این کمبود را به خوبی احساس می‌کنیم. به افراد توانمند و ژورنالیست‌های قوی در همه شهرها و استان‌ها نیاز داریم، نیز به مجلات و سایت‌های قوی و بومی در زمینه معلولان نیاز داریم تا این تجارب و پیشرفت‌ها را منتقل کنند. باید خود افراد دارای معلولیت هم نسبت به این پیشرفت‌ها حساس باشند و خودشان هم خواستار اطلاع‌رسانی بیشتر باشند. رسانه‌ها می‌توانند در حساس کردن مردم و مدیران سازمان‌ها مثل سازمان بهزیستی نقش ایفا کنند.

### و سخن آخر:

امیدواریم که ارتباطات و همکاری و تقسیم کار بین مراکز مختلف معلولان بیشتر شود و این مراکز مانند جزایری نباشند که هر کدام بدون خبر از یکدیگر کار کنند و هیچ اطلاعی از یکدیگر نداشته‌باشند. اگر مرکز رعد وارد میدان شود می‌تواند در سال چند جلسه جدی و کارشناسانه با سایر مراکز فعال حوزه معلولیت برگزار کند تا در این جلسات مسایل حاد معلولان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در نهایت با همکاری یکدیگر بانک‌های اطلاعاتی چند منظوره و جامع ایجاد شود تا افراد دارای معلولیت نخبه‌راشناسایی و به جهان معرفی نماید و زمینه اشتغال آن‌ها را فراهم آورد.

برای دیدار با یک خانواده موفق و صمیمی به منزل آن‌ها رفتیم. ماه بانو رحیمی و اکبر محمودی زوج خوشبختی هستند که با فرزند خردسالشان مهشید، زندگی بسیار خوبی را می‌گذرانند. آشنایی این دو نفر با هم در مرکز رعد کرج صورت گرفته است، ماه بانو مدرس زبان انگلیسی در این مرکز و اکبر از همکاران این مرکز بوده‌است.



## وقتی که هر نقص جسمانی در حاشیه قرار می‌گیرد

ازدواج خیلی استقبال نکردند. مخصوصاً خانواده همسرم. مادر ایشان با ازدواج ما به شدت مخالف بودند. من نیز چون بسیار روی رضایت خانواده‌ها تاکید داشتم اعلام کردم که حاضر به این ازدواج نیستم. چون به نظرم نقش خانواده‌ها در استحکام زندگی دو نفر خیلی مهم است و اگر خانواده ایشان رضایت نداشتند، مسلماً زندگی ما ادامه پیدا نمی‌کرد و مادر اکبر اصلاً راضی نبودند. بالاخره با اصرار ایشان، یک روز مادر به همراه دو نفر از خانم‌های فامیل به خانه ما آمدند. پس از این جلسه هم به دلیل مشکل پا و هم به دلیل این‌که از همسرم بزرگ‌تر بودم رضایت ندادند. پس از آن دیدار من مساله را تمام شده فرض کردم چون اصلاً حاضر نبودم با وجود مخالفت خانواده ازدواج کنیم. ولی ایشان دست بردار نبودند و آن قدر با خانواده کلنجار رفتند که بالاخره

ازدواج کردیم و خدا را شکر زندگی خوبی داریم و من همیشه شاکر خداوند هستم.

### در مورد نحوه آشنائیتان با هم که منجر به ازدواجتان شد بگویید.

ماه بانو: من در آن زمان در موسسه رعد زبان تدریس می‌کردم و همسرم هم در آن موقع راننده سرویس یکی از بچه‌هایی بود که به کلاس می‌آمد. آشنایی اولیه ما از همان زمان آغاز شد و پس از یک سال و نیم به ازدواج منجر شد.

### عکس‌العمل خانواده‌هایتان نسبت به ازدواج شما چگونه بود؟ چون شما در ظاهر از یک پاهای معلولیت دارید و همسرتان تندرست است و در فرهنگ ظاهری ما این تفاوت پذیرفتنی نیست، چگونه با این مساله کنار آمدند؟

ماه بانو: خانواده‌ها در ابتدا از این

### لطفاً در ابتدا خودتان را معرفی کنید؟

من ماه بانو رحیمی فارغ التحصیل زبان انگلیسی و کارمند مرکز رعد کرج هستم. در سال ۸۶ ازدواج کردم و یک فرزند دختر به نام مهشید دارم که در کلاس اول دبستان درس می‌خواند. من در سن ۵ سالگی دچار فلج اطفال شدم. در آن زمان در روستای اقبالیه از توابع ساوجبلاغ زندگی می‌کردیم و چون امکان تزریق واکسن فلج اطفال در آن روستا مهیا نبود، پس از یک تب از ناحیه کمر به پایین دچار فلج شدم. خوشبختانه با پیگیری‌های پدر و مادرم و انجام فعالیت‌های توانبخشی، مثل کاردرمانی و فیزیوتراپی و پی‌گیری‌های پزشکی در تهران، کم‌کم یکی از پاهایم بهبود پیدا کرد.

من اکبر محمودی، همسر ماه بانو رحیمی هستم و اکنون در موسسه اتومبیل‌کرایه (آژانس) در شهرستان کرج مشغول به کارم. هفت سال پیش

بودند، به من پیشنهاد کار در قسمت آموزش را دادند. من هم پذیرفتم و دو سال در قسمت آموزش مرکز کار کردم و بعد از آن هم، با عنوان مسوول اداری مشغول هستم.

**به نظر شما چرا مردم با دیدن یک نقص جسمانی انگ معلول را به فرد می‌چسبانند؟ شما در هنگام راه رفتن کمی مشکل دارید. چرا برای مردم مشکل ظاهری فرد این همه مهم است و نوع نگاهشان به او تغییر می‌کند؟**

ماه بانو: به هر حال یک نگرش و یک نگاه اشتباه در جامعه ما وجود دارد و آن ظاهر بینی است. شاید من خودم هم اگر بخواهم برای برادرم همسری انتخاب کنم، ترجیح بدهم که کسی را انتخاب کنم که مشکل جسمی نداشته باشد! در مورد ازدواج خودمان هم من از خانواده همسرم دلخور نشدم، چون فکر می‌کردم آن‌ها حق دارند که بخواهند عروشان تندرست باشد. ولی به هر حال توجه زیاد به ظاهر و مقایسه افراد با هم، فرهنگ غلطی است که باید به مرور و با فرهنگ‌سازی توسط رسانه‌های عمومی اصلاح شود.

اکبر: من وقتی تصمیم به ازدواج با ایشان گرفتم، به این دلیل بود که در واقع با شخصیت ایشان ارتباط برقرار کرده بودم نه با ظاهر ایشان. به خانواده‌ام هم گفتم که حتی اگر ایشان روی ویلچر هم بود من مایل به این ازدواج بودم. چیزی که مورد غفلت قرار می‌گیرد این است که هر یک از ما ممکن است در اثر یک تصادف و یا یک حادثه، دچار معلولیت شویم. همان‌طور که یکی از دوستانم ۵ سال پیش دچار ضایعه نخاعی شد و اکنون روی ویلچر می‌نشیند.

**آیا شما با این ازدواج موفق‌تری داشتید، ازدواج را به دوستانی که دارای معلولیت هستند توصیه می‌کنید؟**

ماه بانو: به هر حال ازدواج یکی از مراحل تکامل در زندگی انسان است. یک فرد دارای معلولیت هم باید این تجربه را داشته باشد و بتواند خانواده تشکیل دهد و از تنهایی بیرون بیاید. توصیه من به دوستان در خصوص ازدواج این است که مسایل را آسان بگیرند و سخت‌گیری نکنند. خیلی از بچه‌ها را می‌بینم که شرایطی برای ازدواج برایشان پیش می‌آید، ولی ایرادهای بیخود می‌گیرند. مثلاً می‌گویند این فرد باید دارای خانه و ماشین باشد یا درآمد خوبی داشته

**من وقتی تصمیم گرفتم با ایشان ازدواج کنم در واقع با شخصیت ایشان ارتباط برقرار کرده بودم نه با ظاهر ایشان**

راضی هستیم.

**از تحصیلاتان بگویید و این که چه شد که با مرکز رعد آشنا شدید؟**

ماه بانو: من تا کلاس پنجم دبستان در همان روستای اقبالیه که محل تولدم بود درس خواندم و چون مدرسه راهنمایی در روستای ما نبود، به مدت یک سال ترک تحصیل کردم. تا این‌که شوهرخواهرم که در کرج به همراه خواهرم زندگی می‌کرد مرا با خودش به کرج آورد تا درس بخوانم. من چهار سال در خانه آن‌ها زندگی کردم و دوران راهنمایی را گذراندم و بعد از آن هم پدرم خانه‌ای در کرج برایم اجاره کرد و من درسم را ادامه دادم و دیپلم گرفتم و وارد دانشگاه شدم. چندسالی هم درخانه برادرم زندگی کردم تا این‌که مدرک دانشگایم را گرفتم. من علاقه زیادی به درس خواندن داشتم و پدرم نیز درس خواندن من را پیش خیلی مهم بود. همیشه می‌گفت که تو باید درس بخوانی و مشغول به کار شوی تا استقلال مالی پیدا کنی. بعد از این‌که مدرک دانشگایم را گرفتم مدتی را در یک فروشگاه کتاب زبان انگلیسی شروع به کار کردم. در همان زمان بود که از طریق یکی از آشنایان با مرکز رعد آشنا شدم. در سال ۸۳ به عنوان کارآموز به مرکز رعد رفتم و در کلاس‌های مختلف مرکز مثل کلاس کامپیوتر، نقاشی، شم‌سازی، قالی بافی، گلیم بافی و خوشنویسی شرکت کردم. در همان زمان کارهای نقاشی و شم‌سازی را انجام می‌دادم و به فروش می‌رساندم. از این طریق درآمد اندکی هم داشتم. البته هنوز هم در کلاس‌های رعد مثل قلاب‌بافی و بافتنی با میل شرکت می‌کنم. پس از گذراندن این دوره‌ها، در مرکز رعد کرج مشغول به تدریس زبان انگلیسی شدم. دو سال در آنجا به بچه‌ها زبان یاد می‌دادم تا این‌که مهندس عامری که در آن زمان مدیر داخلی رعد کرج

رضایت را گرفتند و ما ازدواج کردیم. اما با همه مخالفت‌هایی که در ابتدا وجود داشت بعد از ازدواج ارتباط بسیار خوبی شکل گرفت و ارتباط من با مادر ایشان بسیار صمیمانه و دوستانه است. پدر من هم در ابتدا با این ازدواج موافق نبودند. وقتی با پدرم در مورد ایشان صحبت کردم، گفتند؛ زندگی مسوولیت سنگینی است و زندگی بدون پشتوانه مالی دشوار است. چون در آن موقع همسرم ورشکست شده بود و بر روی یک تاکسی اجاره‌ای کار می‌کرد. به هر حال توصیه پدرم این بود که از این ازدواج صرف نظر کنم. ولی من مخالفت کردم و گفتم کسی که ورشکست شده را باید کمک کرد و دستش را گرفت، نباید او را هل داد که به ته چاه بیفتد. به هر حال خانواده من هم به این ازدواج رضایت دادند و الآن به ایشان بسیار علاقمندند و روابط خوبی با هر دو خانواده داریم.

**آقای محمودی علت پافشاری شما برای ازدواج با خانم رحیمی چه بود؟**

علت اولیه این بود که من به ایشان علاقمند شده بودم و آن‌چه که در ایشان دیده بودم مانند اخلاق، منش‌خوب، متانت و وقار ایشان برایم بسیار جذاب بود و نقص جسمی ایشان اصلاً برایم مهم نبود. وقتی خانواده‌ام با این ازدواج مخالفت کردند، به ایشان گفتم؛ من مایلیم که با ایشان در هر شرایطی ازدواج کنم، حتی اگر روی ویلچر بود و یا یک پایش قطع بود. در آخر به مادرم گفتم یا با ماه بانو ازدواج می‌کنم یا اصلاً ازدواج نمی‌کنم و بالاخره مادرم رضایت داد و این ازدواج سر گرفت و الآن مادرم و خواهرانم از مخالفتشان پشیمانند و ایشان را بسیار دوست دارند و روابط خیلی خوبی با هم دارند.

**حالا پس از گذشت این چند سال، آیا از زندگی خود رضایت دارید؟**

اکبر: من بسیار از زندگی‌ام راضی هستم و خدا را هزاران بار شکر می‌کنم که همسر خوب و همراه و همدل و دختر عزیزی مثل مهشید دارم. ما در زندگی با هم مثل دو دوست هستیم و در همه کارها با هم مشورت می‌کنیم. ماه بانو: همسرم بسیار مهربان و خوش اخلاق است و به من هم بسیار علاقمند است. ما در کنار هم احساس آرامش و خوشبختی می‌کنیم. البته مشکلات زیادی را هم پشت سر گذاشته‌ایم، ولی اکنون از زندگیمان



دارد و نباید با طرح مسایل پیش پا افتاده این سختی‌ها را افزایش داد. ما هم سختی‌های بسیاری را گذرانده‌ایم. یکی از خصوصیات من این است که صبر زیادی دارم و این صبور بودن باعث کنار آمدنم با چالش‌ها و مشکلات زندگی می‌شود. افرادی هستند که با کوچک‌ترین مشکل در زندگی، از هم می‌پاشند و زندگیشان به هم می‌ریزد.

### به نظر شما نقش خانواده‌ها در حمایت از زوج‌های دارای معلولیت چگونه باید باشد؟

ماه بانو: نقش خانواده خیلی مهم است. اگر خانواده‌ها همراه با بچه‌هایشان نباشند و از آن‌ها حمایت و یا حتی حمایت عاطفی نکنند، احتمال از هم پاشیدن زندگیشان زیاد است. ولی وقتی که این حمایت از طرف خانواده‌ها وجود داشته باشد، استحکام زندگی آن‌ها بیشتر خواهد شد. پدر من در حد توانش از من حمایت کرد. او قبل از این که ازدواج کنم خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم را برایم تهیه کرد، چون می‌خواست پس از مرگ او مستقل باشم و سربار خواهر و برادرم نباشم. پدرم تاکید زیادی بر ادامه تحصیل من داشت و عقیده داشت که باید از لحاظ مالی نیز مستقل باشم. من برای درس خواندن سختی زیادی کشیدم.

توصیه من به دوستان  
در خصوص ازدواج این است که  
مسایل را آسان بگیرند و  
سخت‌گیری بیجانکنند

از آشنایان به طور نسبی خریداری کردم و روز بعد از عروسی که هدایای نقدی از مهمانان دریافت کردیم، قرض‌هایم را پرداخت کردم. ولی حالا کسانی را می‌شناسم که وقتی می‌خواهند ازدواج کنند می‌خواهند از اول همه چیز داشته باشند. من به آن‌ها می‌گویم که زندگی را با یک حداقل وسایل شروع کنند و به تدریج آن را افزایش دهند. یکی از این دوستان که می‌خواست ازدواج کند، لیست بلندی از وسایلی که می‌خواست تهیه کرده بود و به افراد خیری که می‌شناخت رو می‌انداخت که این وسایل را برایش تهیه کنند! در صورتی که بسیاری از این وسایل ضروری نبودند. خیلی از افراد این مسایل فرعی را عمده می‌کنند و همین مانع ازدواج آن‌ها می‌شود. به هر حال زندگی در این روزگار، سختی‌های زیادی

باشد با وجودی که خود این افراد از لحاظ جسمانی مشکل دارند ولی از طرف مقابل توقع بالایی دارند. در صورتی که ما زندگیمان را از صفر شروع کردیم. به دلیل ورشکستگی همسر من او حتی قدرت خرید یک حلقه ازدواج را هم نداشت ولی چون با هم همراه و هم عقیده بودیم به این مسایل اهمیت ندادیم و زندگیمان را با حداقل‌ها شروع کردیم.

اکبر: من در آن زمان یک تاکسی کهنه اجاره کرده بودم و روی آن کار می‌کردم، اجاره‌اش را هم می‌پرداختم. کم‌کم توانستیم پول جمع کنیم و ماشین بهتری تهیه کنیم. در چهار ماه اول زندگی من حتی تلویزیون هم نداشتیم ولی با کمک هم‌دیگر و صبری که داشتیم پول جمع کردیم و بالاخره یک تلویزیون بیست اینچ خریدیم. همسر من در زندگی خیلی به من کمک کرد. من قبل از ازدواج فرد ولخرجی بودم، ولی پس از ازدواج بود که زندگی‌ام برنامه و هدف پیدا کرد و دست از ولخرجی برداشتم. وقتی ما وارد این خانه شدیم فقط وسایل اولیه و ضروری زندگیمان را داشتیم و به مرور توانستیم زندگی خود را بهبود بدهیم و وسایل دیگری تهیه کنیم.

ماه بانو: در زمانی که می‌خواستیم چیزیه تهیه کنم، به دلیل مشکل مالی وسایل ضروری آشپزخانه را از یکی



وقتی برای رفتن به مدرسه راهنمایی به کرج آمدم، از بریس و عصا استفاده نمی‌کردم و به سختی راه می‌رفتم، اصلاً نمی‌دانستم که چنین وسایلی وجود دارند که به راه رفتن کمک می‌کنند. برای رفتن به مدرسه فاصله زیادی را باید می‌پیمودم در این مسیر بارها به زمین می‌خوردم. به خصوص در زمستان که این مشکل بیشتر هم می‌شد. ولی با همه سختی‌ها به درسم ادامه دادم. در دوران مدرسه احساس می‌کردم که با دیگران خیلی تفاوت دارم و این فقط من هستم که از نظر جسمی با دیگران فرق دارم. تا وقتی که وارد موسسه رعد شدم و با تعداد زیادی از افراد دارای معلولیت برخورد کردم. هیچ وقت این تعداد بچه با معلولیت را در یک جا ندیده بودم. الان رسانه‌ها و روزنامه‌ها بیشتر در مورد معلولان صحبت می‌کنند و تا اندازه‌ای فرهنگ‌سازی در این مورد صورت گرفته است ولی در آن زمان این کمبود خیلی احساس می‌شد. اکبر: همین حالا هم خیلی از افرادی که معلولیت دارند از خانه‌ها خارج نمی‌شوند چون از نگاه مردم خجالت می‌کشند و خودشان را در خانه ما حبس کرده‌اند.

ماه بانو: چندی پیش یک دختر سی ساله دارای معلولیت را به مرکز رعد آورده بودند که تاکنون از خانه بیرون نیامده بود و چشمش به نور آفتاب عادت نداشت! او حتی نمی‌توانست درست صحبت کند و با دیگران ارتباط برقرار کند. وقتی این افراد به مرکز رعد می‌آیند کم‌کم ارتباط با دیگران را می‌آموزند و علاوه بر آن در حرفه‌های مختلف آموزش می‌بینند. بسیاری از این افراد ازدواج هم می‌کنند و زندگی تشکیل می‌دهند. اکثر افراد دارای معلولیت فکر می‌کنند که اگر با یک فرد تندرست ازدواج کنند، حتماً زندگی‌شان ادامه نخواهد یافت یا فکر می‌کنند اگر فرد غیرمعلولی می‌خواهد با آن‌ها ازدواج کند، حتماً یک فکر یا نقشه شوم برایشان دارد یا به خاطر

**بچه‌ها نباید از این که ممکن است روزی طلاق بگیرند، ازدواج نکنند. طلاق پدیده‌ای است که ممکن است برای همه اقشار جامعه اتفاق بیفتد، چه این فرد معلول باشد و چه نباشد**

هوی و هوس لحظه‌ای، به سراغ آنان آمده است. این افراد از ترس این که زندگی‌شان به طلاق منجر شود حاضر به ازدواج نیستند. در صورتی که به نظر من همان طور که زندگی دو فرد تندرست می‌تواند به طلاق منجر شود، زندگی دو نفر دارای معلولیت هم می‌تواند به طلاق منجر شود. بچه‌ها نباید از این که ممکن است روزی طلاق بگیرند، ازدواج نکنند. طلاق پدیده‌ای است که ممکن است برای همه اقشار جامعه اتفاق بیفتد، چه این فرد معلول باشد و چه نباشد.

### نقش رسانه‌ها در فرهنگ‌سازی در حوزه معلولان را چگونه می‌دانید؟ چه انتظاری از رسانه‌ها دارید؟

ماه بانو: در سال‌های اخیر رسانه‌ها بیشتر از قبل به مساله معلولیت و مشکلات افراد دارای معلولیت پرداخته‌اند ولی هنوز جای کار وجود دارد و نقش رسانه‌ها در این زمینه باید پررنگ‌تر شود. ما هنوز در مساله ایاب و ذهاب معلولان مشکل داریم و هنوز مناسب‌سازی ساختمان‌ها انجام نمی‌شود. هنوز یک فرد روی ویلچر نمی‌تواند به راحتی در خیابان و ادارات و اماکن عمومی رفت و آمد کند. رسانه‌ها می‌توانند مشکلات این افراد را منعکس کنند و از مسوولان بخواهند که به این مسائل بپردازند. ما قانون کم نداریم. قانون داریم که اتوبوس‌ها

باید مناسب‌سازی شوند، ساختمان‌ها باید رمپ داشته باشند، ولی در عمل خیلی از این کارها انجام نمی‌شوند. اکبر: به نظر من نقش رسانه‌ها در حوزه معلولان منحصر شده است به یک سری برنامه‌هایی که در روزهای خاص مثل دوازده آذر به مناسبت روز جهانی معلولان نشان داده می‌شود و یا برنامه‌هایی مثل ماه عسل که در ماه رمضان پخش می‌شود. در این روزها مسوولان در صداوسیما حاضر می‌شوند و یک سری قول‌هایی می‌دهند و می‌روند. ما قانون‌های زیادی برای معلولان داریم ولی این قوانین اجرا نمی‌شود. صداوسیما نباید فقط در روزهای خاصی به مسایل معلولان بپردازد.

### توصیه شما به دوستان دارای معلولیت چیست؟

ماه بانو: دوستان دارای معلولیت باید خودشان را باور کنند برای خودشان اهدافی در نظر بگیرند و به دنبال رسیدن به این اهداف باشند. بچه‌ها باید خودشان را بالا بکشند. امروز عصر ارتباطات است بچه‌ها باید از طریق رسانه‌ها، اینترنت، شبکه‌های مجازی خودشان را ارتقا بدهند. الان امکان درس خواندن از طریق دانشگاه‌های مجازی هم وجود دارد. بچه‌ها خودشان باید به دنبال حق و حقوقشان باشند. اکبر: افرادی که معلولیت دارند، خودشان را از مردم جدا نکنند. با همین اوضاع و شرایط کنونی باید خودشان را وفق بدهند، باید از خانه‌ها بیرون بیایند، تا دیده شوند و مسوولان به فکر آن‌ها بیافتند. این بچه‌ها باید درس بخوانند، تفریح کنند و مثل سایر افراد جامعه باید خودشان به دنبال گرفتن حقوقشان باشند. منتظر نباشند که کسی بیاید و کاری برایشان بکند. با در خانه نشستن و بیرون نیامدن مشکلی از آنان حل نمی‌شود. حضور آنان در جامعه و دیده شدن آن‌ها می‌تواند چاره‌ساز باشد.



چون رخت خواهیم بستن از این روزگار  
 قصه سودای تو آرم به لب  
 چون به کف خواهیم سپردن جان همی  
 جلوۀ والای تو آرم به لب  
 دوش کز جان دیده بر بندم فرو  
 وان زمان نجوای تو آرم به لب  
 باد کندر صبحدم خیزد صبا  
 تا بر آن مشکای تو آرم به لب  
 نیست پندارم گرم یاد آوری  
 کز زبان شکوای تو آرم به لب  
 ساقیا ده در قدح می تا بدان  
 صورت شکوای تو آرم به لب  
 جوشد هردم عارض اندر وصف تو  
 تا دمی نجوای تو آرم به لب



سعید محمودی

چشم مرا ربوده خوش دیده دل گشای تو  
 چند ز چهره ات توان چند توان ثنای تو  
 چشم فکنده ام به ره بر گذری به پای تو  
 بر نکشم زکوی تو روی به صد جفای تو  
 درهمه دیرجسته ام نیست جزا سرای تو  
 باد که بر هزاره ئی بر کشدم هوای تو

میرود از نظر مرا قامت دلربای تو  
 با که توان ز روی تو گفت مرا سخن ولی  
 چهرتو بر خیل کشم روی مرا چه در کشی  
 جور توام به چشم لطف قهر توام نوازشی  
 بر همه عمر گشته ام نیست دگر نشانه ئی  
 عارض اگر به کس نگفت راز تو میبرد به دل



## باز می‌خواهم خلاف جهت آب شنا کنم

سیدمحسن حسینی طاها

خنده و شوخی غذا می‌خورند... از ناراحتی ته خودکارش را جوید. از این‌که نمی‌تواند این مشکلات را به تصویر بکشد کلافه بود. در اتاق قدم زد و بعد روی تختش دراز کشید. به انصراف از تحصیل فکر کرد اما به یاد حرف دوستش افتاد که يك معلول تحصیل کرده از يك معلول بی‌سواد بهتر است. با خود گفت: کی می‌دونه من چه می‌کشم؟ همه می‌گن آدم‌های سالم پشت کنکورند و تو با این وضع وارد دانشگاه شدی؛ نمی‌دونند چطور دارم برخلاف جهت آب شنا می‌کنم، یه ترم رفته‌ام اما به اندازه چندسال خسته شده‌ام. خدایا تو بگو چی کار کنم؟ زندونی شدم میون یه مشتم آدم غیرمعلول که هیچکس حرفمو نمی‌فهمه، احساساتمو، مشکلاتمو... اگه انصراف بدم همه فکر می‌کنن کم آوردم... ولی خدایا تو که می‌دونی من درسم خوبه! تو که می‌دونی من همه چی رو می‌فهمم که ای کاش نمی‌فهمیدم! خدایا به کی بگم چقدر سخته که آدم همدرد نداشته باشه و کسی دردشو نفهمه؟ بغضی گلویش را گرفت. ناگهان صدای اذان مؤذن زاده اردبیلی در فضا پیچید... قطرات اشک بر گونه‌هایش جاری شد. برای لحظاتی آرامش وجودش را فرا گرفت و به خود گفت: باز هم می‌خواهم خلاف جهت آب شنا کنم! یا علی مدد!

از کتاب: شکفتن در کویر

سکوت می‌کنند. با دستپاچی چیزی می‌گویند اما نه استاد حرفش را می‌فهمد و نه دانشجویان. استاد می‌گوید حرفت را بنویس، هول می‌شود. می‌خواهد بنویسد اما حرکات اضافی دستانش آنقدر شدید می‌شود که خودکار و کاغذهایش روی زمین می‌ریزند. دانشجویان وسایلیش را به او می‌دهند و او سرانجام چیزی می‌نویسد. هرکسی نوشته‌اش را طوری می‌خواند و او با گفتن نه آن‌ها را به دقت بیشتر در خواندن دعوت می‌کند. سرانجام متوجه منظور او می‌شوند... به خودش آمد. روی میز خم شد و سعی کرد بنویسد تا با نوشتن کمی آرام بگیرد و بتواند بخوابد. چند خطی نوشت: اما پس از کمی مکث روی تمامی آن‌ها خط کشید. به صدلی‌اش تکیه داد و دوباره به فکر فرو رفت... وارد غذاخوری دانشگاه می‌شود همین که نوبت او می‌رسد تا غذایش را بگیرد دانشجوی پشت سرش ژتون و ظرف را از او می‌گیرد و آن‌ها را با ظرف و ژتون خود، به مسوول غذا می‌دهد. دانشجو وقتی ظرف را تحویل می‌گیرد، می‌پرسد: کجا می‌نشینی؟ و او خلوت‌ترین جای ناهارخوری را نشان می‌دهد جایی که کمتر کسی متوجه نحوه غذا خوردن او می‌شود. دانشجو ظرف را روی همان میز می‌گذارد و با پرسیدن این‌که کاری نداری جدا می‌شود. تنها شروع به غذا خوردن می‌کند و دانشجویان را می‌بیند که دسته دسته دور میزها نشسته‌اند و با

خوابش نمی‌برد. بی‌خوابی عجیبی به سرش زده بود. از جایش بلند شد در تاریکی صدلی‌اش را پیدا کرد و روی آن نشست. دستش را به کندی روی میز پیش می‌برد مثل اینکه به دنبال چیزی می‌گشت. دکمه چراغ مطالعه را فشار داد و اتاق روشن شد. چند لحظه چشمانش را به هم زد تا به نور پس از تاریکی عادت کند. دستش را به سوی جامدادی روی میز دراز کرد تا خودکار را بردارد اما گرفتگی عضلات دست به او اجازه نمی‌داد این کار را بکند. چند لحظه بی‌حرکت ماند. يك دفعه دستش را با شتاب به سوی جامدادی برد و خودکار را چنان شتاب‌زده برداشت که تمامی خودکارها روی میز ریخت و سکوت اتاق را در هم شکست. لبش را گاز گرفت. خدا خدا کرد کسی از خواب نپریده باشد. بعد از چند لحظه سکوت، نفس راحتی کشید. خودکار را به سوی دهانش برد و درپوش آن را برداشت. همراه با رها کردن درپوش خودکار آب دهانش ریخت. نگاهش به ساعت افتاد، ۱۲/۳۰ شب بود. نگاهی به تقویم انداخت که ۳۱ شهریور را نشان می‌داد برگه از آن را کند و مچاله کرد خم شد تا کاغذ را در سطل آشغال زیرمیزش بیندازد اما دوباره آب دهانش ریخت. بار دیگر خودکار را در دست گرفت کاغذ سفیدی برداشت و بالای آن نوشت: به نام خدا. به فکر فرو می‌رود... دستش را بلند می‌کند استاد در حالی که به سویش می‌آید، می‌گوید: بفرمایید؟ دانشجویان



شماره ۵۵ بهار ۱۳۹۴



کوبلکف نیکلای واسیلیویچ  
(۱۸۵۳-۱۹۳۳م)

## هنر تئاتر نقص عضو

روی کاغذ می‌کشید. نقاشی او بسیار خوب بود. ساعت زنجیری خود را به تنهایی از جیب در می‌آورد و کوک می‌کرد. در تیراندازی نیز ماهر بود! نه تنها تفنگ را بلند می‌کرد، بلکه در آن گلوله نیز می‌گذاشت و ماشه را می‌چکاند و بدون کمترین خطایی شعله شمع را هدف می‌گرفت. در خانه نیز قادر به انجام هر کاری بود، چنان که سوزن را با لب‌ها و زائده دستش نخ می‌کرد. اکروبات نیز بازی می‌کرد.

کوبلکف مردی بسیار باهوش و مودب بود. در سال ۱۸۷۶ میلادی هنگامی که کوبلکف به اتریش سفر می‌کرد خانم جوانی به نام آنا ویلفرت را ملاقات نمود و به او دل بست و در همان سال یکی از غیر عادی‌ترین ازدواج‌های جهان انجام گرفت. عروس به طرف کیک حرکت کرد در حالی که داماد را در آغوش خود حمل می‌کرد.

در پایان مراسم ازدواج، داماد حلقه را با دندان‌هایش به دست عروس کرد ولی خودش دستی نداشت که حلقه را به انگشتش کند. او آن را در یک چرم کوچک پیچید و به گردن او بخت. ازدواج آن دو بسیار موفقیت‌آمیز بود و در طول سال‌ها، صاحب یازده فرزند شدند که همگی سالم بودند. کوبلکف خاطرات خود را به رشته تحریر درآورد و به چاپ رساند، او در مقابل تمام پادشاهان اروپایی نمایش‌هایی اجرا کرد. مدتی نیز با گروه نمایش سیار خود مسافرت نمود.

هنگامی که در سال ۱۹۳۳ با زندگی وداع کرد، یک گروه نمایشی در «پراتر» مرکز سرگرمی‌های وین داشت. اوتا آخرین لحظه از کار و فعالیت دست برداشت و مردم او را الگوی تلاش و فعالیت و خلاقیت می‌دانستند.

منبع: افراد استثنایی نوابغ و مشاهیر معلول جهان  
گردآورنده: منصور برجیان

نیکلای واسیلیویچ کوبلکف در سال ۱۸۵۳م. در ترویزک روسیه متولد شد. وی چهاردهمین فرزند از والدینی کاملاً سالم بود. بچه‌های دیگر خانواده نیز همه سالم بودند، ولی نیکلای بدون دست و پا از مادر به دنیا آمد. در آغاز مادرش از دیدن او بسیار ناراحت بود و اجازه نمی‌داد هیچ کس او را ببیند ولی بالاخره مجبور شد او را بیرون ببرد، هنگامی که روستاییان خرافاتی این بچه بدون دست و پا را دیدند، از وحشت بر سینه صلیب کشیدند اما بعد از گذشت چندین سال او جوانی قوی و با اراده شد.

در محل دست و پای او فقط زائده‌های کوچکی وجود داشت، ولی با این حال با آموزش و تمرین و پشتکار بسیار قادر شد به طور موثری از این زائده‌ها نهایت استفاده را بکند. در سال ۱۸۷۰ زمانی که در صحنه تئاتر کشورهای اروپای غربی ظاهر شد، نمایش مهیج و فراموش نشدنی از قدرت بدنی خود به تماشاچیان عرضه کرد.

در این نمایش کوبلکف از زائده‌ی دست راستش که حدود بیست سانتیمتر بود، به طور موثری استفاده کرد. او اشیاء را با دندان‌ش از زمین برمی‌داشت و سپس با چسباندن این زائده به چانه، گونه‌ها و شانه‌هایش آن را می‌گرفت.

او مظهر قدرت و توانایی بود. کوبلکف هر غیر ممکن را ممکن می‌نمود. او هنرمندی شایسته و با استعداد و متکی به نفس بود، هنگامی که پرده سن تئاتر بالا می‌رفت، کوبلکف در جلوی میزی که روی آن پر از اشیای مورد استفاده در نمایش بود، دیده می‌شد.

با بلند کردن دسته یک قلم با دندان‌هایش، آن‌ها را بین زائده دست راست و گونه‌هایش قرار می‌داد و سپس آن را داخل شیشه جوهر می‌کرد و با خطی زیبا نامش را بر روی صفحه کاغذ می‌نوشت و به تماشاچیان نشان می‌داد. سپس قلم موی نقاشی را بر می‌داشت و چیزی

# تناسب ذهنی

## همانند تناسب اندام است



با آموزش و تمرین می‌توانید خودباوری و نگرش ذهنی مثبت بسیار بالایی را در خود پرورش دهید. برای اینکه شخص کاملاً مثبت‌اندیشی شوید، هفت کلید وجود دارد.

شوید، تفکرات و احساسات منفی و محدودکننده را دور بریزید و شخصی کاملاً مثبت‌اندیش شوید. اینجاست که می‌توانید شخصیت خود را متحول کنید.

### بهترین فرد ممکن باشید

تناسب ذهنی همانند تناسب اندام است. با آموزش و تمرین می‌توانید خودباوری و نگرش ذهنی مثبت بسیار بالایی را در خود پرورش دهید. برای این‌که شخص کاملاً مثبت‌اندیشی شوید هفت کلید وجود دارد:



### گفت‌وگوی درونی مثبت

با خودتان مثبت صحبت کنید و گفت‌وگوهای درونی خود را کنترل کنید. از عبارات تاکیدی مثبت، اول

شادمانی بیشتری می‌کنید. همین‌طور رژیم ذهنی شما، تعیین کننده شخصیت، منش و تقریباً تمام اتفاقات زندگیتان است. اگر ذهن را با دیدگاه‌ها، اطلاعات، کتاب‌ها، گفت‌وگوها، برنامه‌های شنیداری و اندیشه‌های مثبت تغذیه کنید، شخصیت مثبت‌تر و موثرتری را پرورش خواهید داد. تاثیرگذاری و استدلال شما بهبود می‌یابد و اعتماد به نفس و خودباوری بالاتری خواهید داشت. افرادی که با کامپیوتر سروکار دارند، اصطلاح ورودی بی‌ارزش، خروجی بی‌ارزش تولید می‌کند را استفاده می‌کنند. عکس این موضوع نیز صدق می‌کند، ورودی خوب، خروجی خوب ایجاد می‌کند.

وقتی صریح و شفاف تصمیم می‌گیرید که بر ذهن خود کاملاً مسلط

برایان تریسی حدود دو ماه پیش کتاب جنجالی جدیدی به نام قورباغه را قورت بده! را عرضه کرد. این کتاب که سال ۲۰۱۲ توسط برایان و دخترش کریستینا نوشته شد، درباره روش‌های کنار گذاشتن احساسات منفی و داشتن شخصیتی شاد و بانگیزه صحبت می‌کند. در این کتاب به ۱۲ روش خارق‌العاده برای تبدیل شرایط ناخوشایند به شرایط مثبت و مفید اشاره شده است:

رژیم جسمانی، نقش بسزایی در میزان سلامت و افزایش انرژی شما دارد. با خوردن خوراکی‌های متنوع، تازه، سالم و با کیفیت و اجتناب از خوراکی‌های مضر، انرژی بیشتری خواهید داشت، مقاومت عمومی بدنتان در برابر بیماری‌ها افزایش می‌یابد، بهتر می‌خوابید و احساس سلامتی و





### عادت‌های سلامتی مفید

از سلامت جسمانی خود حداکثر مراقبت را بکنید. همین امروز تصمیم بگیرید که تا سن ۸۰، ۹۰ یا حتی ۱۰۰ سالگی زندگی کنید و حتی در آن سن هم شاد و پرتحرک باشید.

غذاهای خوب، سالم و مغذی بخورید. کم و متعادل بخورید. یک رژیم غذایی عالی، تاثیری مثبت و فوری بر احساسات و تفکرات شما خواهد داشت.

تصمیم بگیرید به طور منظم ورزش کنید. حداقل ۲۰ دقیقه در هفته را به پیاده‌روی، دو، شنا، دوچرخه‌سواری یا کار با دستگاه‌های ورزشی بپردازید. وقتی با برنامه و منظم ورزش می‌کنید، احساس شادمانی و سلامتی بیشتری دارید و نسبت به فردی که تمام بعدازظهر را روی کاناپه می‌نشیند و تلویزیون تماشا می‌کند، خستگی و فشار روانی کمتری خواهید داشت.

به اندازه کافی، استراحت کنید. لازم است به طور منظم و به‌ویژه در زمان‌هایی که زیر فشار روانی و سختی هستید، باتری‌های انرژی خود را شارژ کنید. وینس لومباردی می‌گوید: خستگی، همه ما را ترسو می‌کند. یکی از عوامل زمینه‌ساز احساسات منفی، عادت‌های مضر سلامتی، خستگی، نرمش نکردن و کار و تلاش بی‌رویه است. در زندگی به دنبال تعادل باشید.



### انتظارات مثبت

داشتن انتظارات مثبت یکی از تکنیک‌های بسیار قوی است که با به‌کارگیری آن می‌توانید شخصی مثبت‌اندیش شوید و زندگی مثبت‌تر و بهتری را تضمین کنید.

انتظارات شما، پیشگویی‌های شما از آینده خودتان است. یعنی آنچه شما با اطمینان منتظرش هستید، به احتمال زیاد به‌دست خواهد آمد.

از آنجا که خودتان انتظارات را انتخاب می‌کنید، همیشه بهترین‌ها را بخواهید و انتظار موفقیت داشته باشید. هنگام ملاقات با افراد جدید، انتظار محبوبیت داشته باشید. انتظار دستیابی به اهداف عالی و خلق زندگی شگفت‌انگیز برای خودتان داشته‌باشید. وقتی پیوسته در انتظار اتفاقات خوب باشید، به ندرت ناامید می‌شوید.

www.bartarinha.ir

### تحصیلات رسمی کمک می‌کند امرار معاش کنید، ولی آموزش‌های شخصی شما را ثروتمند می‌کند

است که ذهن خود را به جای شیرینی‌های ذهنی، با پروتئین‌های ذهنی تغذیه کنید.

کتاب‌ها، مجلات و مقالات آموزنده، الهام بخش وانگیزه دهنده بخوانید. ذهن را با اطلاعات و ایده‌هایی که موجب تعالی و شادمانی می‌شوند و شما را نسبت به خود و آرزوهایتان مطمئن می‌سازند، تغذیه کنید.

هنگام رانندگی به مطالب شنیداری سازنده و مثبت گوش دهید. پیوسته به ذهن پیام‌های مثبت وارد کنید که باعث می‌شوند بهتر بیندیشید و بهتر عمل کنید و در رشته کاری خود تواناتر و کارآمدتر باشید.

فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی آموزشی و مثبت تماشا کنید و در دوره‌های آنلاین شرکت کنید و مطالبی بخوانید که به دانشتان بیفزاید و به شما حس بهتری نسبت به خود و زندگی بدهد.



### آموزش و پیشرفت درست

تقریباً در جامعه ما همه با منابع محدود و گاهی هم بدون سرمایه، دست به کار می‌شوند. تقریباً تمام درآمد افراد، ابتدا با فروش خدمات شخصی حاصل می‌شود. تمام افرادی که امروزه در اوج هستند، زمانی در پایین‌ترین جایگاه بوده‌اند و بارها و بارها شکست خورده‌اند و به جایگاه‌های پایین‌تر نزول کرده‌اند. معجزه آموزش و پیشرفت شخصی درازمدت این است که شما را از فرش به عرش، از فقر به ثروت و از شکست به موفقیت و استقلال مالی می‌رساند. همانطور که جیم ران می‌گوید:

تحصیلات رسمی کمک می‌کند امرار معاش کنید، ولی آموزش‌های شخصی شما را ثروتمند می‌کند. وقتی خود را به یادگیری، رشد، بهتر شدن در افکار و فعالیت‌ها متعهد می‌کنید، کاملاً بر زندگی خود مسلط می‌شوید و سرعت رسیدن به اوج را به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهید.



### تجسم مثبت

شاید قدرتمندترین توانایی شما، توانایی تجسم و دیدن اهدافتان است، به طوری که انگار همین الان به تحقق رسیده‌اند.

تصویری هیجان‌انگیز و واضح از اهداف و زندگی ایده‌آلتان بسازید و بارها و بارها آن را در ذهن مرور کنید. تمام پیشرفت‌های شما در زندگی، با بهبود بخشیدن به تصویرهای ذهنی شروع می‌شوند. هر چه خود را در درونتان ببینید، در دنیای خارج همان خواهید بود.



### افراد مثبت‌اندیش

انتخاب درست کسانی که با آن‌ها زندگی می‌کنید، کار می‌کنید و تعامل دارید، بیشتر از هر عامل دیگری بر احساسات و موفقیت شما تاثیر می‌گذارد. همین امروز تصمیم بگیرید که با افراد برنده، مثبت، شاد، خوشبین و کسانی که در زندگی اهداف بزرگی دارند معاشرت کنید.

به هر قیمتی از افراد منفی دوری کنید. این افراد، سرچشمه اصلی بیشتر ناراحتی‌های زندگی هستند. مصمم شوید که از هم‌اکنون، دیگر افراد منفی و اضطراب‌آور را به زندگیتان راه ندهید.



### خوراک ذهنی مثبت

سلامتی شما دقیقاً به همان مقداری است که مواد غذایی سالم بخورید و به خودتان برسید. همین‌طور سلامت ذهنی و روانی شما به همان اندازه‌ای



بهترین روش استفاده از

# چای سبز در کاهش وزن



حتما تا امروز با تبلیغات وسیعی که درباره خواص درمانی چای سبز در کاهش وزن در جامعه، رسانه‌ها و اینترنت وجود دارد، روبه‌رو شده‌اید و شاید با انگیزه کاهش وزن و درمان چاقی خود یکی از این محصولات را سفارش داده و با انگیزه لاغر شدن آن را مصرف کرده و نتیجه مطلوب را دریافت نکرده‌اید. اگر شما نیز با اتکا به تبلیغاتی که در این زمینه وجود دارد و با هدف لاغری سریع و آسان سراغ چای سبز رفته‌اید، باید بدانید سخت در اشتباهید، بنابراین به شما پیشنهاد می‌کنیم تا انتهای این مطلب ما را همراهی کنید تا با جزئیات بیشتر خواص چای سبز به منظور درمان چاقی، اضافه وزن و پیشگیری از ابتلا به این عارضه آشنا شوید.

می‌شود، کمک می‌کند. افراد زیادی وجود دارند که به محض دریافت فشار عصبی، استرس یا تنش‌های ناشی از کار روزانه مشغول به خوردن می‌شوند و به ریزه‌خواری روی می‌آورند که این مسئله به مرور به عادت آن‌ها تبدیل می‌شود. برای پیشگیری از بروز این عادت نامناسب یا درمان آن، می‌توان از چای سبز استفاده کرد. نوشیدن این چای به شما کمک می‌کند تا از خاصیت آرامش بخشی این گیاه دارویی برای تقویت سیستم عصبی خود استفاده کنید و به این ترتیب مانع بروز اشتباهی کاذب ناشی از استرس‌ها یا تنش‌های روزمره شوید.

● **چای سبز؛ چای چربی سوز طبیعی**  
افرادی که عادت به نوشیدن چای سبز دارند با کمک این نوشیدنی گیاهی به افزایش سوخت و ساز

وزن دسترسی پیدا کنند، در حالی که این دیدگاه به هیچ وجه صحیح نیست.

نوشیدن چای گیاهی در کنار رعایت رژیم غذایی، فعالیت‌های بدنی و ورزش می‌تواند روند لاغری را سرعت ببخشد و با بهبود سوخت و ساز بدن میزان کاهش وزن را در طول هفته قابل ملاحظه کند، بنابراین افرادی که تصور می‌کنند بدون رعایت هیچ یک از نکات ذکر شده و تنها با نوشیدن چای سبز می‌توانند اضافه وزن خود را آن هم به شکل کاملاً محسوس درمان کنند، سخت در اشتباهند.

● **از پرخوری‌های عصبی پیشگیری کنید**  
یکی دیگر از خاصیت‌های چای سبز خاصیت آرامش بخشی آن است که به پیشگیری از پرخوری‌های عصبی که منجر به اضافه وزن و در نهایت چاقی

## ● چه زمانی چای سبز بخورید

اگر تصمیم دارید با مصرف چای سبز وزن خود را کاهش دهید، باید برای مصرف آن در طول روز برنامه‌ریزی داشته باشید و از مصرف این نوشیدنی گیاهی بدون برنامه پرهیز کنید.

بهترین زمان برای نوشیدن چای سبز به منظور کاهش وزن، ۲ ساعت پس از صرف غذا در وعده‌های غذایی است. به این ترتیب شما علاوه بر آنکه از خواص درمانی چای برای کاهش وزن بهره می‌برید، خللی در میزان جذب آهن به وجود نمی‌آورید؛ زیرا چای سبز همانند چای سیاه موجب کاهش جذب آهن موجود در غذا می‌شود.

## ● چای سبز به تنهایی کافی نیست

بسیاری از مردم تصور می‌کنند تنها با نوشیدن چای گیاهی در طول روز می‌توانند به هدف بزرگی مثل کاهش



شماره ۵۲، پیلر ۱۳۹۴

مصرف، به مرور مرتفع می‌شود. اما از طرفی افزایش فشار خون، تغییرات خلقی و تحریک پذیری، بی‌قراری و نامنظم شدن ضربان قلب نیز از جمله عوارض جانبی مصرف بیش از اندازه این گیاه دارویی در طول روز است که باید بلافاصله پس از مشاهده آن برای بررسی و پیشگیری از شدت آن با متخصص یا پزشک مشورت شود.

**با خواص دیگر چای سبز آشنا شوید**  
افرادی که برای کاهش وزن و تنظیم سوخت و ساز بدنشان از چای سبز استفاده می‌کنند، علاوه بر بهره‌مندی از خواص این گیاه دارویی برای درمان چاقی خود می‌توانند از فواید آن برای کاهش فشار خون، کاهش قند خون، تقویت سیستم ایمنی بدن و تخفیف علائم و نشانه‌های بیماری‌هایی مانند پارکینسون، آلزایمر و بیماری مفصلی استخوانی مانند آرتروز روماتوئید بهره ببرند. علاوه بر این، در تحقیقات مختلف به این نکته اشاره شده که مصرف چای سبز می‌تواند تاثیر بسیار چشم‌گیری در کاهش بیماری‌های قلبی عروقی، پیشگیری از بروز سرطان‌هایی مانند سرطان کولون و تخفیف علائم و نشانه‌های افسردگی داشته باشد.  
[www.iran foodnews.ir](http://www.iran foodnews.ir)

### قرص چای یا چای سبز؟

تبلیغات زیادی درباره لاغری سریع با قرص یا کپسول چای سبز در سایت‌های اینترنتی و برخی از مراکز فروش گیاهان دارویی دیده می‌شود که به مردم وعده می‌دهند با قرص‌های چای سبز می‌توانند در مدت زمان بسیار کوتاهی وزن کم کنند. این قرص‌ها در صورتی که تنها حاوی گیاه چای سبز باشند، دقیقاً همان خاصیت چای سبز را دارند و می‌توانند به افزایش متابولیسم بدن کمک کرده و روند جذب چربی‌ها را در بدن کاهش دهند. مصرف این قرص‌ها نیز مانند چای سبز باید بر اساس قاعده باشد، زیرا زیاده روی در مصرف این قرص با وجود آنکه گیاهی و طبیعی است می‌تواند همان عوارض چای سبز را داشته باشد.

### عوارض احتمالی چای سبز را بشناسید

افزایش بیش از حد دمنوش چای سبز، کپسول‌ها و قرص‌هایی که از این گیاه دارویی وجود دارد، عوارض جانبی متعددی را به همراه دارد. سوء مصرف این گیاه دارویی ممکن است عوارضی مانند سردرد، اختلال در عملکرد دستگاه گوارش، اسهال و تهوع را به همراه داشته باشد که با اصلاح شیوه

بدنشان کمک می‌کنند. در حقیقت چای سبز به دلیل داشتن ماده‌ای به نام «پلی فنول» می‌تواند به افزایش حرارت درونی بدن کمک کرده و به این ترتیب میزان سوخت انرژی موجود در سلول‌های چربی را افزایش دهد و تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر روند چاقی افراد داشته باشد. به شرطی که افراد چاق یا دارای اضافه وزن در روند رژیم غذایی خود و مقدار کالری روزانه‌ای که دریافت می‌کنند نیز تجدیدنظر کنند. این‌گونه نیست که ما هر میزان کالری که دوست داریم به بدن برسانیم و توقع داشته باشیم با نوشیدن یک تا ۲ لیوان چای سبز در روز لاغر شویم و کالری بسوزانیم.

### چند لیوان چای بنوشید

اگر برای افزایش سوخت و ساز بدن قصد دارید چای سبز را به برنامه روزانه خود اضافه کنید، باید توجه داشته باشید نوشیدن ۳ تا ۴ لیوان چای سبز در طول روز می‌تواند به این موضوع کمک کند. این تصور که نوشیدن چای سبز در دفعات زیاد می‌تواند میزان کالری سوزی در بدن را افزایش دهد، ایده اشتباهی است، زیرا با نوشیدن بیش از حد چای سبز در طول روز، بدن علاوه بر آنکه با مشکل تحریک‌پذیری پایانه‌های عصبی روبه‌رو می‌شود، با اختلال دفع آب و الکترولیت‌های بدن مواجه می‌شود. به این ترتیب همان‌طور که باید در نوشیدن چای معمولی پرهیزهای لازم را رعایت کنید، توصیه شده که در نوشیدن چای سبز نیز افراط نکنید.

### پیشگیری از چاقی ناشی از افزایش سن

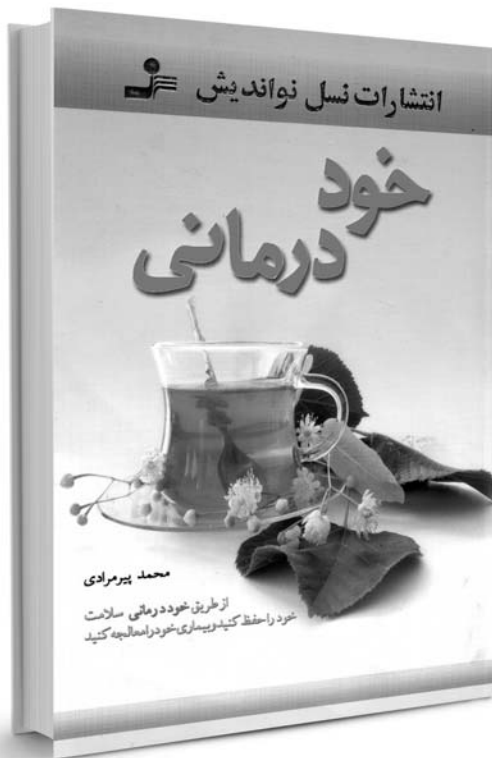
افرادی که در آستانه میانسالی با بالا رفتن سن دچار اضافه وزن و چاقی می‌شوند نیز می‌توانند از چای سبز برای پیشگیری از این بحران کمک بگیرند. به شرط آنکه مصرف روزانه چای سبز را از ۳۰ سالگی در برنامه غذایی روزانه خود بگنجانند. چای سبز علاوه بر آنکه به کندی روند پیری سلول‌ها در اندام‌های مختلف بدن کمک می‌کند به این افراد کمک می‌کند تا در میانسالی حداقل افزایش وزن را تجربه کنند، زیرا چای سبز به آن‌ها کمک می‌کند کمترین میزان ذخیره چربی و مواد زائد را در طول سال‌های جوانی و میانسالی در بدن داشته باشند.

### این نکته را جدی بگیرید

افرادی که به نوشیدن چای سبز یا دیگر فرآورده‌های این گیاه عادت دارند به این معنی که برای بهره‌مندی از خواص درمانی این گیاه دارویی به منظور پیشگیری از اضافه وزن روزانه از این گیاه مصرف می‌کنند ممکن است در صورت عدم مصرف این گیاه دارویی با عوارضی مانند سردرد، عصبانیت یا افزایش میزان تحریک پذیری روبه‌رو شوند، بنابراین توصیه شده که برای

مصرف هدفمند از این گیاه دارویی با قصد درمان، بهتر است با پزشک یا متخصص طب سنتی مشورت شود. علاوه بر این، تجویز این گیاه به هر صورتی برای خانم‌های باردار، مادران شیرده و کودکان و نوجوانان پیش از سن بلوغ توصیه نشده است.





## معرفی کتاب

نام کتاب: خود درمانی  
 نویسنده: مجید پیرمرادی  
 چاپ اول: ۱۳۹۰  
 انتشارات نسل نو اندیش

### از طریق خود درمانی سلامت خود را حفظ کنید و بیماری‌های خود را معالجه کنید

کتاب حاضر دارای دومقدمه، یکی در مورد زندگی نویسنده و دیگری درباره علم خود درمانی است. این کتاب در سه فصل تدوین شده است. در فصل اول درباره خود درمانی توضیحاتی داده شده و گفته که این واژه عبارت است از؛ بسیج نیروهای نهفته انسان در درمان بیماری‌ها. در این فصل همچنین در مورد ترس، حسادت، افسردگی و علل آن توضیح داده است و تست‌های ارزشیابی را در مورد ترس و افسردگی ارائه داده است.

در بخشی از کتاب در تعریف خود درمانی آمده است: امروزه بی‌شک همه متخصصان علوم پزشکی اذعان دارند که منشأ بسیاری از بیماری‌ها نه دلایل بیولوژیک، بلکه دلایل روحی و روانی است.

در فصل دوم توضیحاتی در مورد تعدادی از بیماری‌ها از جمله آسم، زخم، خارش، اسپاسم، اضافه وزن، افسردگی، بی‌خوابی، بی‌اشتهایی، بیماری قند، تشنج و... گیاهان دارویی موثر بر درمان آنها به همراه اطلاعاتی در مورد ارگان‌های بدن آمده است.

در فصل سوم در مورد رژیم‌های غذایی و خواص غذایی بعضی از مواد خوراکی و رهنمودهای مناسب برای حفظ سلامت و بهبود بیماری‌ها توضیحاتی ارائه شده است. که از جمله مواد غذایی می‌توان به اسفناج، انجیر، برنج به دانه، پرتقال، پسته، ترب، جعفری، زردآلو، سیب، شلغم، گشنیز، موز و هندوانه را نام برد. در بخش دیگر این فصل نیز توصیه‌هایی در مورد درمان چاقی، رماتیسم، آرتروز، نقرس با استفاده از گیاهان دارویی ارائه شده است.

این کتاب همچنین دارای یک ضمیمه می‌باشد که به معرفی دیگر آثار مکتوب نویسنده پرداخته است. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به مبانی و اصول تعلیم و تربیت، فرازهایی از علم تربیت، فرزندان درآینه تربیت، علل پیدایش و روش پیشگیری از افسردگی، زندگی بدون ترس، در آن سوی پندارها، اشاره کرد.



## معرفی کتاب

نام کتاب: کتاب درآمدی بر مطالعات معلولیت با رویکرد جامعه‌شناسی  
نوشته و ترجمه: نگین حسینی  
انتشارات سیمای شرق



### کتاب درآمدی بر مطالعات معلولیت با رویکرد جامعه‌شناسی منتشر شد

کتاب «درآمدی بر مطالعات معلولیت با رویکرد جامعه‌شناسی» نوشته و ترجمه نگین حسینی توسط انتشارات سیمای شرق منتشر و روانه بازار نشر شد.

این کتاب نخستین مرجع مطالعات معلولیت به زبان فارسی به حساب می‌آید که چهار مقاله اصلی با رویکرد جامعه‌شناسی را در اختیار پژوهشگران این حوزه قرار داده است.

«مطالعات معلولیت» به عنوان یک رشته علمی و دانشگاهی، سال‌های زیادی است که در دانشگاه‌های آمریکا، کانادا، استرالیا و انگلستان، در سطح فوق لیسانس و دکترا ارائه می‌شود و رویکرد چند رشته‌ای یا بین رشته‌ای دارد.

در این کتاب، «مطالعات جهانی معلولیت» و «مطالعات جامعه‌شناختی معلولیت» نوشته دنیل گودلی؛ «جامعه‌شناسی معلولیت» نوشته نانسو جی کاتنر و «نظریه‌پردازی معلولیت» نوشته گرت ویلیامز در کنار دو پیشگفتار از پروفیسور دنیل گودلی و دکتر محمد کمالی ارائه شده است.

همچنین مخاطب در بخش پایانی این کتاب نیز با رشته دانشگاهی مطالعات معلولیت آشنا می‌شود.

نگین حسینی، روزنامه‌نگار و پژوهشگر ارتباطات و مطالعات معلولیت، نزدیک به دو دهه از زندگی حرفه‌ای و علمی خود را به حوزه معلولیت اختصاص داده است. او که مقالات متعددی در حوزه مطالعات معلولیت به زبان‌های فارسی و انگلیسی نوشته یا ترجمه کرده، هم‌اکنون عضو بورد تخصصی ژورنال بین‌المللی مطالعات معلولیت در دانشگاه هاوایی آمریکاست.

کتاب درآمدی بر مطالعات معلولیت با رویکرد جامعه‌شناسی در ۱۵۸ صفحه و با قیمت ۱۷۵/۰۰۰ ریال در اختیار عموم قرار گرفته است.

علاقمندان به این کتاب می‌توانند با مراجعه به سایت [prshop.ir](http://prshop.ir) یا تماس تلفنی با شماره ۸۸۹۱۳۳۶۴ نسبت به تهیه آن اقدام نمایند.



به مناسبت روز جهانی معلول با محوریت شهرداری تهران و ۱۵ انجمن فعال در حوزه معلولان همایش بزرگ روز جهانی معلولان روز شنبه ۸ آذر در فرهنگسرای بهمن برگزار شد.

در این مراسم که افراد دارای معلولیت از سراسر شهر تهران در آن حضور داشتند، از چند چهره برتر حوزه معلولان قدردانی شد. گفتنی است مجتمع رعده غدیر مسؤلیت دبیری این مراسم را بر عهده داشت و مجتمع آموزشی نیکوکاری رعده به عنوان یکی از مؤسسات همکار در برگزاری این مراسم حضور داشت.

### مدیران محک از رعده بازدید کردند

در آستانه ۱۲ آذر و روز جهانی معلول که با سی امین سالگرد فعالیت مجتمع آموزشی نیکوکاری رعده مصادف شده بود، جمعی از مدیران مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان (محک) از رعده بازدید کردند و دکتر آراسب احمدیان مدیرعامل مؤسسه محک ضمن تبریک ۱۲ آذر و روز جهانی معلول و اشاره به وجود زمینه همکاری‌های مشترک، اظهار امیدواری کرد در آینده نزدیک برنامه‌های مشترک طراحی شود تا این ۲ مؤسسه خیریه با سابقه در کنار هم تلاش هدفمندی را به اجرا بگذارند.



### مدیران مجتمع رعده از شرکت افرا نت بازدید کردند



می‌شوند. سپس محمود توسلی مدیر آموزش مجتمع رعده، با اشاره به تاریخچه و نحوه تأسیس خیریه رعده، افزود: اهداف این مؤسسه آموزش منجر به اشتغال کارآموزان و هنرجویان است. همچنین لیلا داداشیان با توضیح پیرامون خوداشتغالی کارآموزان رعده، افزود: هدف از تولید محصولات فرهنگی و صنایع دستی در این بخش، تقویت حس خودبآوری و استقلال اجتماعی افراد دارای معلولیت است. در قسمت پایانی مدیرعامل شرکت افرا نت ضمن قدردانی از تلاش‌هایی که طی سال‌های گذشته برای حمایت از توانمندسازی جامعه معلولان انجام شده است، افزود: شرکت افرا نت آماده کمک به مجتمع و معلولان کشور است. شایان ذکر است، شرکت افرا نت از سال ۱۳۷۶ با هدف توسعه اینترنت و تجارت الکترونیک در زمینه ارائه خدمات پهنای باند پرسرعت اختصاصی فعالیت می‌کند.

به دعوت فریدن قاسم‌زاده مدیرعامل شرکت افرا نت گروهی از مدیران مجتمع رعده برای آشنایی با خدمات و فعالیت‌های شرکت مذکور از بخش‌های مختلف این مجموعه بازدید کردند.

در این بازدید اصغر شهیدی مدیر امور بین‌الملل، محمود توسلی مدیر آموزش، لیلا داداشیان مسؤول خوداشتغالی و نگین موسوی کارشناس خیریه رعده حضور داشتند. فریدون قاسم زاده مدیرعامل شرکت افرا نت ضمن خیرمقدم در مورد مالکیت و زمینه فعالیت شرکت توضیحاتی ارائه کرد و برای همکاری با مجتمع اعلام آمادگی کرد.

در ادامه این دیدار اصغر شهیدی مدیر امور بین‌الملل، خیریه رعده ضمن قدردانی از دعوت شرکت افرا نت، افزود: امروزه شرکت‌ها و صاحبان صنایع با حمایت از سازمان‌های مردم نهاد ضمن کمک به توانمندسازی سازمان‌های اجتماعی عام‌المنفعه موجب ترویج فرهنگ مسؤولیت اجتماعی





## مجمع رعد مهمان غرفه روزنامه شهروند



همزمان با برگزاری بیستمین دوره از نمایشگاه بین‌المللی مطبوعات و خبرگزاری‌ها در مصلاي تهران، رئیس هیأت مدیره، مدیران و کارآموزان مجمع رعد در غرفه روزنامه شهروند حاضر شدند و به سوالات مردم پاسخ گفتند، همچنین هنرجویان رعد با نمایش تعدادی از محصولاتشان گوشه‌ای از توانمندی‌های خود را به نمایش گذاشتند. در این بازدید توافقاتی برای همکاری رسانه‌ای و تشویق افراد دارای معلولیت به ادامه تحصیل در مرکز آموزش علمی کاربردی رعد به عمل آمد.

## دومین حراج آثار هنرهای تجسمی خیریه رعد رکوردی از همدلی ثبت کرد

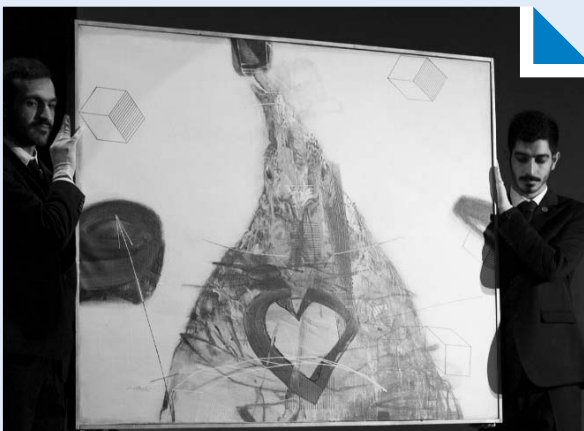
آسا براتی مدیر اجرایی حراج در گفت و گوی کوتاهی ضمن ابراز رضایت از برگزاری موفق دومین حراج خیریه رعد از تمام مردم هنر دوستی که طی یک هفته زمان نمایشگاه و مراسم حراج با حضور و نظراتشان موسسه رعد را حمایت کردند، صمیمانه تشکر کرد، همچنین رحمان علاقه‌بند مسئول پروژه گالری حراج با اشاره به استقبال چشمگیر مردم از این برنامه فرهنگی، گفت: از تمام مسؤولان به ویژه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که خیریه رعد را برای اجرای این حراج کمک کردند، تشکر می‌کنم و موسسه رعد در آینده پذیرای حضور هنرمندان نیکوکار و برگزاری سایر برنامه‌های فرهنگی خواهد بود.



با حضور جمعی از هنرمندان، مسؤولان مراکز و سازمان‌های فرهنگی و دوستداران آثار هنری، دومین حراج آثار هنرهای تجسمی خیریه رعد در سالن همایش این مجمع برگزار شد. ابتدای این مراسم پس از تلاوت کلام... مجید و پخش سرود جمهوری اسلامی، صدیقه اکبری مدیر عامل مجمع رعد در سخنانی کوتاه ضمن قدردانی از حضور امیدبخش مردم هنردوست، افزود: حمایت‌های شما این امکان را فراهم می‌سازد تا این مؤسسه آموزشی برای توانمندسازی کارآموزان، هنرجویان و دانشجویان از بهترین امکانات استفاده کند و با کمک‌هایتان آنها را تا رسیدن به اشتغال پایدار، مورد توجه قرار دهد.

در ادامه طوفان گرکانی مجری مراسم در جایگاه حاضر شد و معرفی تک تک آثار هنرمندان و ارائه توضیحاتی در مورد سبک هنرمند، ویژگی‌های اثر و سوابق پدیدآورندگان آثار زمینه را برای شرکت حضار در حراج آماده کرد. در این دوره ۷۵ تابلو و مجسمه از هنرمندان سرشناس کشور به حراج گذاشته شد که ۵۵ اثر به مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان به نفع فعالیت‌های آموزشی، توانبخشی خیریه رعد به فروش رسید.

حراج آثار هنرهای تجسمی خیریه رعد جمعه سوم بهمن پس از یک هفته نمایش آثار حدود ۳ ساعت ادامه یافت و علاقه‌مندان به آثار هنری با دقت ۷۵ اثر هنری هنرمندان صاحب عنوان کشور شامل: تابلوی نقاشی، عکس، مجسمه و تابلو بافته‌های محلی را یک به یک مشاهده و آثار مورد نظرشان را خریداری کردند.



## در ۳۰ سالگی مجتمع رعد

### برگزیدگان جشنواره توانمندی‌های توان‌یاب معرفی شدند

همزمان با روز جهانی معلولان و گرامی‌داشت سی‌امین سالگرد فعالیت مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد برگزیدگان نخستین جشنواره ملی علمی و فرهنگی توانمندی‌های توان‌یاب معرفی شدند.

این جشنواره با هدف شناخت و معرفی استعدادها و توانایی‌های افراد دارای معلولیت و فعالان این حوزه در ۳ محور، فرهنگی - هنری (نقاشی) علمی در رشته ایده‌های نو و نوآوری (اختراعات) و تجربیات موفق مدیریتی برای مدیران مؤسسات و انجمن‌های فعال در حوزه معلولیت، برگزار شد ویژگی‌های منحصر به فردی داشت که واگذاری دآوری آثار به هنرمندان توان‌یاب یکی از این ویژگی‌ها بود.

سال قبل در رقابت بین المللی پارآرت توکیو ۲۰۱۳ چند هنرمند توان‌یاب مقام برتر کسب کردند که دآوری هنری جشنواره به آنها واگذار شد. در بخش دآوری اختراعات نیز چند نفر از مسؤولان فدراسیون اختراعات ایران که به تازگی در انتخابات آسیایی کرسی‌های بین المللی را کسب کردند، عهده‌دار مسؤولیت دآوری شدند.

پیش از اهدا جوایز بخش هنری در رشته نقاشی مرجان محمدی، آرش رزقی بارز و حمید رضا جهان‌پناه داوران بخش هنری در جایگاه حضور یافتند و مرجان محمدی به عنوان سخنگوی داوران ضمن قدردانی از مجتمع رعد برای برگزاری این جشنواره مهم، افزود: آثار ارسالی بسیار زیبا و باکیفیت بود و همین مطلب کار دآوری را بسیار سخت کرده بود اما در نهایت هیأت داوران به صورت غیر حضوری نفرات برتر را انتخاب و معرفی کرد. در این بخش سیما محمدیان مقام اول، نسیم محنتی مقام دوم و سمیه شجاعی مقام سوم را از آن خود کردند.

در بخش علمی جوایز به اختراعات اختصاص یافت و مهندس مسعود شفقی مخترع برتر جهان در سال ۲۰۱۳ به عنوان دبیر با بیان این نکته که برای داوران این بخش از چهره‌های سرشناس ایرانی داخل و خارج کشور دعوت به همکاری شد، افزود: با موفقیتی که گروه اعزامی ایران در این دوره از انتخابات فدراسیون جهانی کسب کرد و کرسی‌های معتبری به مسؤولان ایرانی رسید، ما می‌توانیم برای سال آینده این بخش از جشنواره را به صورت بین المللی برگزار کنیم. وی افزود: استعداد جوانان ایرانی تحسین برانگیز است و در نشستی که در کشور کره جنوبی برگزار شد، فدراسیون مخترعان کشورهای روسیه و کرواسی گواهی‌نامه‌ها و نشان‌های افتخار خود را به برندگان این بخش از جشنواره اهدا کردند. در این بخش قدرت الله دانایی با اختراع دستگاه توان برای مناسب‌سازی خودروی جانبازان و معلولان، ابراهیم خوانین زاده با اختراع ماتریکس هوشمند دندان و سوگل برجیان برای اختراع تشکچه موج (بالا رونده ویژه افراد معلول) به‌عنوان نفرات اول تا سوم جشنواره توانمندی‌های توان‌یاب معرفی و جوایز خود را از دست مخترع برتر جهان دریافت کردند.



در سومین بخش این جشنواره تقدیر از تجربه‌های موفق مدیریتی در حوزه تشکل‌های حامی معلولان بود از یک عمر تلاش سازنده پروفیسور محمد حسین کریمی‌نژاد برای تأسیس مرکز ژنتیک، پیشگیری از معلولیت و مجتمع رد کرمان، دکتر محمد کمالی به عنوان پیشگام در استفاده از فن‌آوری نو به خصوص فعالیت در فضای مجازی، اطلاع‌رسانی و آموزش حوزه معلولان با تأسیس نخستین سایت و وبلاگ توانبخشی و مهندس حمید میرزاآقایی برای مدیریت در تولید اپلیکیشن تخصصی مشورتی ویژه افراد آسیب‌ناخعی به عنوان اولین نرم‌افزار تلفن همراه حوزه معلولان، تقدیر به عمل آمد.

در ادامه مراسم مهندس احمد میرزاخانی رییس هیأت مدیره مجتمع رد ضمن تشریح ۳ دهه فعالیت مجتمع رد، افزود: در موفقیت‌هایی که طی این دوران نصیب کارآموزان و هنرجویان رد شده تک‌تک شهروندان نیکوکار سهیم بوده و هستند اما باید توجه داشته باشیم تا رسیدن به جایگاه مطلوب فاصله غیر قابل انکاری وجود دارد.

وی افزود: حال که به دهه چهارم حیات رد قدم می‌گذاریم، بسیار امیدوارم هم‌گام با توان و استعداد جوانان پر تلاش توان‌یاب، رد نقش حساس و حمایت‌گر خود را برای خلق فرصت‌های برابر ایفا کند. سپس انیمیشن «ماسوله» ساخته‌ی استاد بهرام عظیمی برای حاضران پخش شد که این فیلم کوتاه بسیار مورد توجه حاضران قرار گرفت. همچنین گروه موسیقی سنتی رد با سرپرستی استاد یاشار خدایی و همخوانی توان‌یابان امیر همتیان، حمید رضا رجبی، فرناز جهان بین و نوازندگی فرناز احمدی، آرزو براتی، مرضیه دیانت، فدیاه کوهی و مریم کریمی قطعاتی از موسیقی سنتی را اجرا کردند.

در ادامه محمد مقدم نماینده سازمان ملل متحد در ایران پیام بان کی مون دبیرکل سازمان ملل را قرائت کرد که بر «توسعه پایدار: نوید فن‌آوری» تأکید داشت.

پس از بردن کیک سی‌امین سالگرد فعالیت رد توسط اعضای هیأت مدیره از پروفیسور مریم میرزاخانی به خاطر کسب جایزه ریاضیات جهان، محمود عامری به خاطر به‌عنوان نخستین مدیرعامل رد، مهسا خان احمدی آرش رزقی بارز و دارندگان مقام سوم رقابت‌های ایلیمپیک ۲۰۱۱ در رشته‌های طراحی شخصیت و نقاشی، دکتر محسن مشایخی فرد دانش‌آموخته ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه به خاطر موفقیت در تحصیل و مصطفی زکریا پور به‌عنوان نخستین کارآموخته رد که به دوران بازنشستگی رسیده است با عنوان تاریخ‌سازان مجتمع رد در سه دهه گذشته، تجلیل شد.

اجرای تئاتر شورایی توان‌یاب به سرپرستی محمد پیروزام و کارگردانی محمد بیاتی به روش بداهه پایان بخش این مراسم بود.



## بازار هنری خیریه رعد برگزار شد



بازار هنری خیریه رعد با هدف حمایت از فعالیت‌های آموزشی، توانبخشی، کارآفرینی و تحصیلات دانشگاهی افراد دارای معلولیت مجتمع رعد برپا شد.

در این بازار هنری آثار ۵۰ هنرمند که سهمی در زمینه مجسمه، زیورآلات دست‌ساز، مجسمه‌های نوری، و کوبه‌های مدرن و سنتی جمع‌آوری و به نمایش گذاشته شد که بخشی از درآمد حاصل از فروش این بازار به مجتمع رعد اهدا شد.

در این بازار آثاری از بیتا فیاضی، امیر معبد، عادل فرزین‌در، سعید لزرجانی، رخساره و امید بنایی و گروهی دیگر از هنرمندان آثار تجسمی کشور در معرض نمایش و فروش گذاشته شد.



## فعالان حوزه معلولان کشور فنلاند از رعد بازدید کردند



به دعوت روابط بین‌الملل سازمان بهزیستی کشور، هیأتی از فعالان حوزه معلولان کشور فنلاند به ریاست «کاله کان کولا» ضمن حضور در مجتمع رعد و ملاقات با توان‌یابان، از بخش‌های مختلف این مؤسسه بازدید کردند.

در حاشیه این بازدید، نشستی با حضور اعضای هیأت مدیره مجتمع رعد برگزار شد که مهندس احمد میرزاخانی ضمن عرض خیر مقدم به گروه فنلاندی، تاریخچه‌ای از نحوه تأسیس خیریه رعد بیان کرد و افزود: آموزش یکی از مؤثرترین روش‌های افزایش توانمندی‌های افراد دارای معلولیت است و مؤسسه رعد ۳۰ سال پیش با همین رویکرد در این مسیر گام گذاشت.

در قسمتی از این نشست هیأت فنلاندی با چند نفر از توان‌یابانی که پس از پشت سر گذاشتن دوره‌های آموزشی، در بخش‌های اداری و آموزشی مجتمع رعد فعالیت می‌کنند، آشنا شدند و سؤالاتی در مورد نحوه آشنایی، دلایل علاقه‌مندی، تسهیلات پیش‌بینی شده این مؤسسه و نیز میزان تحصیلات، مدارک تحصیلی و مهارتی و اهداف آینده آنها مطرح و به پاسخ‌های آنها توجه کردند.

شایان ذکر است، کاله کان کولا، یکی از شهروندان برجسته فنلاندی است که سال ۱۹۵۰ میلادی در این کشور متولد

شده و از بدو تولد دچار معلولیت بوده است، وی از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۷ به عضویت پارلمان فنلاند انتخاب شد و در حال حاضر رئیس جامعه سبز آن کشور است که پروژه‌های زیست محیطی مشترکی با سایر کشورها اجرا می‌کنند. این سیاستمدار فنلاندی در شورای کنیز که ۱۶۰۰ نفر عضو و در ۵ شهر فنلاند شعبه دارد، برای دسترسی معلولان به زندگی بهتر و تحقق حقوق شهروند فعالیت می‌کند.



## باید به توانایی‌های افراد دارای معلولیت توجه ویژه شود



نخستین رقابت ورزشی اتومبیلرانی خانوادگی توان‌یابان که به مناسبت ۱۲ آذر روز جهانی معلولان و ۳۰ سال فعالیت مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد برگزار شد یک مهمان ویژه داشت، دکتر علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی که پیش از این نیز تعلق خاطر خود را به افراد دارای معلولیت با حضور در مراسم و برنامه‌های آنها ثابت کرده بود با حضور در پیست اتومبیلرانی آزادی و خوش و بش با شرکت‌کنندگان، روحیه و انگیزه آنها را افزایش داد و با به حرکت در آوردن پرچم جمهوری اسلامی ایران در ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه صبح جمعه ۱۴ آذر رسماً این دوره از مسابقات را آغاز کرد.

در حاشیه برگزاری رالی خانوادگی توان‌یابان، دکتر علی ربیعی ضمن تبریک روز جهانی معلول به تمام افراد دارای معلولیت کشور، افزود: در سال‌های اخیر تلاش‌های فراوانی برای معرفی توانایی‌های افراد دارای معلولیت اجرا شده است اما این فعالیت‌ها با نیاز این گروه از هموطنان تناسب ندارد و تمام مؤسسات، افراد نیکوکار و دستگاه‌های دولتی مسؤول باید توجه ویژه به حضور اجتماعی این افراد داشته باشند تا آنها از حقوق طبیعی و شهروندی خود به درستی بهره‌مند شوند.

وی با اشاره به این که وزارت کار وظایف مشخصی برای حل مسایل افراد دارای معلولیت بر عهده دارد، گفت: وظیفه خود می‌دانم از برنامه‌هایی که به تحقق حقوق افراد دارای معلولیت کمک می‌کند، حمایت کنم و از این رو امروز در بین ورزشکاران حاضر شدم تا به آنها بگویم به فکرشان هستم و از هیچ کوششی برای حل مسایلشان کوتاهی نخواهم کرد.

در این مسابقه ورزشی ۹۹ راننده و نقشه‌خوان در قالب ۴۵ تیم با خودروهای مناسب‌سازی مسافتی حدود ۱۰۰ کیلومتر در نقاط مختلف شهر تهران طی کردند و با رسیدن به محل ساختمان خیریه رعد به این رقابت خاتمه دادند.

بر پایه این گزارش در رالی خانوادگی افراد دارای معلولیت که به مدت ۳ ساعت به طول انجامید، رانندگان از جاده مخصوص، شهرک اکباتان، اتوبان همت، آبشار، شهرک گلستان در منطقه ۲۲، سعادت آباد و قسمتی از شرق تهران در مدتی حدود ۳ ساعت طی کردند و ساعت ۱۳ به خط پایان رسیدند.

در نهایت با اعلام نتایج توسط کمیته داوران مسابقه تیم‌های برتر به شرح زیر معرفی شدند:

- تیم مهرداد و فرزاد فراهانی مقام اول
- تیم مهتری ذاکری و بهمن اشکوریان مقام دوم
- تیم‌های راحله عباس زاده، رضا نجفی دلشاد و بهنام و مهر علی حسین پور مقام سوم مشترک

شایان ذکر است رالی خانوادگی افراد دارای معلولیت به همت مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد و همکاری فدراسیون موتور سواری و اتومبیلرانی جمهوری اسلامی ایران با هدف معرفی توانمندی‌های توان‌یابان و همزمان با روز جهانی معلول، برگزار شد و علاوه بر اهدا جوایز نفیس نقدی که شرکت راین خودرو حامی این دوره از مسابقات تأمین شده بود، کارت عضویت یک ساله فدراسیون اتومبیلرانی تقدیم شد.

## برگزاری جشن گلریزان به نفع توان یابان رعد

همزمان با آغاز دهه فجر انقلاب اسلامی به پیشنهاد و همت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران آیین گلریزان مؤسسات خیریه به نفع کارآموزان و هنرجویان مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد برگزار شد.

در این مراسم که جمعی از نیکوکاران و شهروندان حضور داشتند، مهندس احمد میرزاخانی رئیس هیأت مدیره با اشاره به ابتکار پسندیده سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران برای حمایت از مؤسسات خیریه، افزود: از آنجا که بهبود کیفیت زندگی افراد دارای معلولیت اصلی‌ترین رسالت مؤسسه رعد محسوب می‌شود و سازمان میراث فرهنگی حمایت از هنرمندان ناشناخته و کمک به رونق صنایع دستی را مد نظر دارد، هنرجویان رعد می‌توانند با استعداد قابل تحسین خود ضمن تولید محصولات هنری مورد توجه این سازمان قرار بگیرند.

وی با بیان فرصت‌های همکاری مشترک با سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، افزود: اختصاص غرفه صنایع دستی در نمایشگاه‌های آن سازمان و نیز پیش‌بینی اجرای دوره‌های بلند مدت گردشگری برای افراد دارای معلولیت نمونه‌ای از این همکاری‌های مشترک است.

در ادامه رجب علی خسرو آبادی مشاور رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و مدیرکل استان تهران ضمن تبریک فرا رسیدن ایام دهه فجر انقلاب اسلامی، افزود: طرحی در حال اجرا داریم که با همکاری شهرداری تهران در ۵ نقطه شهر بازارچه‌های دائمی صنایع دستی افتتاح کنیم و چنانچه این طرح اجرا شود، قطعاً تعدادی از غرفه‌ها به هنرمندان توان‌یاب اختصاص خواهد یافت.

وی با اشاره به فضیلت گره‌گشایی از کار دیگران در آموزه‌های دینی، افزود: در فرهنگ ما حجم کار خیر و نیکوکاری مهم نیست در مقابل مثنی نیکوکار و فرهنگ کار خیر بسیار اهمیت دارد از این رو نیکوکاری یکی از مهم‌ترین میراث‌های فرهنگی ایرانیان محسوب می‌شود. ایشان با استقبال از پیشنهادها مطرح شده توسط رئیس هیأت مدیره مجتمع رعد، افزود: اداره کل استان تهران آمادگی دارد در زمینه توانمندسازی افراد دارای معلولیت هر گونه همکاری که لازم باشد، انجام دهد.

در ادامه این مراسم گروه موسیقی هم‌نوا با اجرای چند قطعه از آثار موسیقی سنتی گوشه‌ای از فعالیت‌های هنری خود را به نمایش گذاشت و در پایان تعدادی از شرکت‌کنندگان کمک‌های خود را به خیریه رعد اهدا کردند.



## مسابقات ورزشی توان یابان رعد برگزار شد



همزمان با دهه فجر مسابقات ورزشی کارآموزان، هنرجویان و دانشجویان توان یاب در مجتمع آموزشی، نیکوکاری رعد با همکاری منطقه ۲ شهرداری تهران و فدراسیون ورزش های همگانی و حضور پرشور ورزشکاران برگزار شد.

این دوره از مسابقات ورزشی که با هدف ترویج ورزش همگانی میان افراد دارای معلولیت در ۵ رشته ورزشی پینگ پنگ، دارت، ایردارت، فوتبال دستی، شوت پناستی و طناب کشی برگزار شد که حضور بیش از ۱۰۰ نفر کارآموزان و کارآموختگان مجتمع رعد در این دوره از مسابقات قابل توجه بود.

در پایان این مراسم دکتر محمود ایزدی معاون مرکز علمی کاربردی رعد و حسن محمود آبادی مدیر گروه ورزش رعد جوایز برگزیدگان هر رشته را اهدا کردند.



### اسامی برگزیدگان

رشته تنیس روی میز: محسن قهرمانی / مقام اول، احسان چلبی / مقام دوم، محمد آقاجانی / مقام سوم  
 رشته دارت: بهنام حسین پور / مقام اول، محسن مرتضوی / مقام دوم، محمد جواد رحمانی / مقام سوم  
 رشته ایردارت: محسن گودرزی / مقام اول، مصطفی محمد زاده / مقام دوم، سمیه صادقی / مقام سوم  
 رشته پرتاب پناستی: محسن مرتضوی / مقام اول، جاوید سعیدی / مقام دوم، عطاله دستوم / مقام سوم  
 رشته پرتاب پناستی: زهره عسگری / مقام اول، لیدا تهرانی / مقام دوم، ستاره خلیل نژاد / مقام سوم

## انجمن نخبگان حامی توان یابان در رعد تأسیس می شود



به دنبال برگزاری این نشست مشترک مهندس احمد میزاخانی بر توجه به جامعه نخبگان به ویژه افراد دارای معلولیت نخبه تأکید و تأسیس انجمن نخبگان حامی توان یابان را روشی برای حمایت از مطالعات و پژوهش های کاربردی در حوزه معلولان قلمداد کرد.

## همکاری های مشترک رعد مرکز و کاشان

مشاهده و با کارآموزان مذاکره شد. در ادامه از ساختمان در حال احداث کاشانه مهر کاشان که تا امروز مبلغ ۴ میلیارد تومان برای احداث آن هزینه شده است، بازدید شد و در پایان نشست مشترک برگزاری شد تا راه های همکاری مشترک مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد. در پایان طرفین توافق کردند در زمینه فعالیت های آموزشی، برگزاری کارگاه های آموزشی کوتاه مدت، تأسیس پردیس مرکز آموزش علمی کاربردی رعد در کاشان، تأسیس انجمن حمایت از نخبگان معلول، استفاده از ظرفیت سالن همایش مجتمع رعد، راه اندازی سایت حمایت از بیماران ضایعه نخاعی در کاشان، ارائه خدمات کارآفرینی به توان یابان کاشان و مشارکت در تولید محصولات فرهنگی هنری برای ارائه در فروشگاه دایمی مشهد اردهال همکاری کنند.

به منظور ارتباط بیشتر با مؤسسه نیکوکاری کاشانه مهر کاشان و آگاهی از فعالیت های این مؤسسه، گروهی از اعضای هیأت مدیره و مدیران مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد به شهرستان کاشان سفر کردند.

مهندس احمد میزاخانی رئیس هیأت مدیره، صدیقه اکبری مدیرعامل، دکتر حسین علاقه بند رئیس مرکز آموزش علمی کاربردی رعد، دکتر سید مجید میرخانی و مهندس قاسم لواسانی اعضای هیأت مدیره به اتفاق معاون و مدیران بخش های هماهنگی امور مراکز، آموزش و روابط عمومی به کاشان سفر کردند و از نزدیک در جریان فعالیت های آموزشی و توانمندسازی توان یابان این مرکز قرار گرفتند.

در این بازدید کلاس های آموزش کامپیوتر، سواد آموزی، سرود و همخوانی در کنار کارگاه های خیاطی، قلم زنی و نقاشی

## گزارش تکمیلی نخستین کنفرانس ملی کارآفرینی اجتماعی در حوزه معلولان

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی:

# اصلاح قانون حمایت از حقوق معلولان در حال اتمام است



### تفاوت‌های فیزیکی ملاک سنجش قرار نگیرد

دکتر حسین خنیفر عضو هیأت علمی دانشگاه تهران با تأکید بر وجه اقتصادی دین اسلام، اعلام کرد: همان‌طور که در دین مبین اسلام بارها مطرح شده جسم انسان در برابر عقل او ارزشی ندارد و توانایی‌های عقلی و شعوری انسان هویت وی را می‌سازد.

دکتر خنیفر با تأکید بر اهمیت خودآغازگری افزود: به گفته امام علی (ع) هرکس بیشتر بیاندیشد بر زندگی سوار است و کارآفرینی اجتماعی نیز بر آغازگری و واگذاری مبتنی است که فارغ از ویژگی‌های جسمی است در نتیجه لزوم فعالیت در راستای این مفهوم وظیفه همه‌ی انسان‌ها است.

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران افزود: در حال حاضر نگاه ترحم‌آمیز به افراد معلول بسیار قوی‌تر از ایجاد فرصت برای اشتغال آنهاست این درحالی است که بسیاری از افراد با وجود معلولیت‌های شدید در کار خود بسیار موفق هستند و افراد دارای معلولیت نسبت به افراد عادی رحیم‌تراند و به علت درک بهتر از شرایط معلولان اگر از امکانات کافی برخوردار باشند، کارآفرینان بسیار موفق‌تری می‌شوند.

کنفرانس ملی کارآفرینی اجتماعی در حوزه معلولیت که به منظور شناسایی فرصت‌های کارآفرینی در حوزه معلولان، شناخت کارآفرینان اجتماعی و راهکارهای حمایت از این پدیده اجتماعی در سی مهر نود و سه برگزار شد با سخنرانی شخصیت‌های علمی و مدیران موفق سازمان‌های مردم‌نهاد به‌کار خود ادامه داد و در مراسم اختتامیه، دکتر علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از کارآفرینان برتر اجتماعی تجلیل کرد.



شماره ۵۵ بهار ۱۳۹۴



## کارآفرینی اجتماعی زمین‌های برای کارآفرینی اقتصادی است



منصور برجیان مدیرعامل شرکت توان همگام در «کنفرانس ملی کارآفرینی اجتماعی در حوزه معلولیت» با اشاره به انگیزه‌های تأسیس شرکت توان همگام گفت: زمانی که دچار معلولیت شدم، احساس کردم باید بیشتر از پیش فعالیت داشته باشم، ارتباط من با دیگر معلولان منجر به ایجاد شرکتی شد که علاوه بر تولید تجهیزات مورد

نیاز افراد دارای معلولیت، به گروه هدف اشتغال این افراد نیز تبدیل شد و سال ۵۹ شرکت تأسیس شد، وقوع جنگ تحمیلی تقاضا برای تولیدات شرکت را افزایش داد و در همان سال‌ها به این نتیجه رسیدم که با توجه به کمبود ارز این تولیدات می‌تواند از خروج ارز جلوگیری و نیاز کشور را تأمین کند، این مسئله نشان داد، کارآفرینی اجتماعی می‌تواند به کارآفرینی اقتصادی تبدیل شود.

وی با تأکید بر لزوم تعهد در جامعه گفت: پویایی هر جامعه‌ای به تعهد متقابل اعضای آن و همچنین مشارکت در انجام این تعهد وابسته است.

مؤسس فدراسیون ورزش‌های معلولان پس از پیروزی انقلاب اسلامی گفت: ایجاد فدراسیون ورزش‌های معلولان ایران در سال ۵۷ و همچنین تأسیس جامعه معلولان ایران باعث شد هرچه بیشتر به توانایی‌ها و خلاقیت‌های آنان باور پیدا کنیم.

## حرفه‌ای شدن بهترین راهکار غلبه بر محدودیت است



دکتر احمد روستا استاد دانشگاه شهید بهشتی که در نخستین کنفرانس ملی کارآفرینی اجتماعی در حوزه معلولیت سخن می‌گفت با اشاره به این‌که مناسب‌ترین راهکار برای غلبه بر محدودیت در بازار کار و اشتغال، حرفه‌ای شدن است، افزود: ریشه خلاقیت در محدودیت است و افرادی که دارای محدودیت هستند عمدتاً افراد خلاق‌ی هستند.

وی با بیان این‌که محدودیت مانع پیشرفت نیست بر شناخت افراد دارای معلولیت از شرایط خود تأکید کرد و افزود: این افراد با پذیرش محدودیت‌های جسمی و شناخت آن می‌توانند موفقیت‌های خوبی کسب نمایند و با تشخیص، تعریف، دسته بندی و شناخت محدودیت و مدیریت آن می‌توانند به عنصر پیشرفت دست پیدا کنند.

این مدرس دانشگاه، کارآفرینی و بازاریابی را دو روی یک سکه خواند و اظهار داشت: در این مدل یک ایده، به پدیده و سپس به نتیجه تبدیل می‌شود و فایده‌ای مادی و معنوی را با خود به همراه خواهد داشت.

دکتر روستا مدیریت ارتباط فراگیر را عامل مهمی در پیشبرد اهداف کار و توسعه‌ی اشتغال در دنیای معاصر عنوان کرد و افزود: مدیریت، مزیت، خلاقیت و مطلوبیت چهار عنصر اساسی است که در رفع محدودیت موثراند.

## میزگرد نقش اسناد بالا دستی، قانون‌گذاران و دولت در کارآفرینی اجتماعی



در بخش دوم کنفرانس میزگرد نقش اسناد بالا دستی، قانون‌گذاران و دولت در کارآفرینی اجتماعی با حضور چند نفر از صاحب نظران امور اجتماعی و کارآفرینی برگزار شد.

منصوره پناهی مدیر مرکز کارآفرینی و توانبخشی میسا (ویژه افراد دارای معلولیت) در کشور سوئد گفت: از سال ۱۹۹۲ یعنی ۲۳ سال پیش مسؤولیت کارآفرینی

اجتماعی در کشور سوئد از دولت به مردم واگذار شده است و مردم برای دادن فرصت کاری به افراد دارای معلولیت، سراغ دولت و قانون نمی‌روند.

یک فرد و کارفرما یکدیگر را محک می‌زنند و در صورتی که راضی باشند وارد موضوع حقوق، مزایا و قوانین می‌شوند. این که دولتمردان را پیدا کنیم و این مسؤولیت رابه گردن آن‌ها ببندیم، اشتباه است این مسؤولیت بر عهده خود ما و افرادی است که می‌خواهند در این مورد کاری انجام دهند. دکتر علی صابری عضو شورای اسلامی شهر تهران گفت: ما قانون جامع حمایت از معلولان را داریم و می‌توانیم در تمامی موارد بر آن استناد کنیم، مشکل در این است که از رویکردهای سنتی اخلاق محور و خیر محور پیروی می‌کنیم و حق محور نشده‌ایم.

دکتر مسلم‌خانی مدرس مرکز آموزش علمی کاربردی رعد گفت: جامعه ما شناخت دقیقی از معلولیت ندارد. در بحث کسب و کار مثلاً افراد ناشنوا در محیط کار پرسر و صدا بهره کاری بیشتری نسبت به یک فرد سالم دارند. این کنفرانس می‌تواند حداقل فرهنگ مشاغل تخصصی معلولان را استخراج و اطلاع رسانی کند.

## محرومیت ملزوم محدودیت‌های جسمانی نیست



فیرزوه صابر مدیرعامل بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان گفت: معلولان بخاطر محدودیت‌هایشان همواره به سمت محرومیت و فقر بیشتر می‌روند اما جامعه باید بداند این محرومیت ملزوم معلولیت نیست و این افراد نیز می‌توانند از رفاه مالی و اجتماعی برخوردار باشند.

فیرزوه صابر با اعلام اینکه، بیش از ۳ میلیون معلول شدید و متوسط در کشور وجود دارد، افزود: سازمان بهیستی اعلام کرده اگر امکانات این سازمان ۱۰ برابر هم

شود، همچنان قادر به پاسخگویی نیازهای جامعه معلولان نیست.

وی با تأکید بر لزوم شکل‌گیری شبکه نهادهای مدنی، ادامه داد: این شبکه‌ها به عنوان یک معماری اجتماعی ضمن حفظ استقلال سازمان‌های عضو باعث توسعه ارتباطات و مشارکت در اطلاعات و همچنین یافتن راه‌های چانه‌زنی با کانون‌های قدرت می‌شود و برای فعالیت هرچه بهتر این شبکه‌ها لازم است نهادهای مدنی عضو، با هم تعامل داشته، نیازها و اهداف مشترک خود را تعریف کرده و پس از آن به تحلیل وضع موجود بپردازند. صابر، کاهش شکاف میان منابع دولتی و تقاضای جامعه معلولان را موجب ائتلاف نهادهای مدنی و کارآفرینان اجتماعی دانست.

### بازدهی کاری افراد معلول بیشتر از افراد تندرست است



سید محمد موسوی مدیرعامل شرکت فیروز با تأکید بر لزوم اجرای قوانین حمایت از اشتغال معلولان، گفت: مشکل بیکاری معلولان با فعالیت خیریه‌ها حل نمی‌شود و برای رفع این مشکل به اجرای قوانین وضع شده توسط دولت نیاز داریم، زیرا بخش خصوصی صرفاً به دنبال منافع مالی است و نباید انتظار داشت سودآوری‌اش را فدای مسؤلیت اجتماعی‌اش کند.

وی افزود: بیش از ۹۰ درصد کارگران کارخانه فیروز معلول هستند و شرکت ما از اتوماسیون استقبال نکرده و تمام بخش‌هایی که می‌شود با دست کار انجام شود به معلولان سپرده‌ایم و امروز ۳۱ نفر نابینا در شرکت اشتغال دارند اما این ایستگاه‌های شغلی مطابق با توانایی‌های افراد است. موسوی یادآوری کرد: چندی پیش دانشگاه همدان مقاله‌ای در خصوص شرکت فیروز تهیه کرد و در آن نوشته بود که کارگران نابینای شرکت فیروز ۲۰ درصد بیشتر از افراد عادی بازدهی دارند و این مسأله نشان‌دهنده غیرت کاری افراد دارای معلولیت است.

### مدرسه سازی از زیرساخت‌های توسعه پایدار کشور است



محمدرضا حافظی رئیس جامعه خیرین مدرسه‌ساز در خصوص لزوم مشارکت اجتماعی در بهبود زیرساخت‌های علمی کشور گفت: مدرسه‌سازی و نوسازی مدارس یکی از اصلی‌ترین زیرساخت‌های توسعه پایدار کشور است که خیرین مدرسه‌ساز موفق به ساخت بیش از ۳۰ درصد مدارس فعلی کشور شده‌اند و تعداد خیرین مدرسه‌ساز در کشور به ۵۳۰ هزار نفر رسیده است.

در مراسم اختتامیه کنفرانس دکتر علی ربیعی، وزیر تعاون،

کار و رفاه اجتماعی با تقدیر از مجتمع رعده برای برگزاری این کنفرانس گفت: اصلاح قانون حمایت از حقوق معلولان در حال اتمام است که به‌زودی پس از تصویب نهایی در کمیسیون اجتماعی دولت، به هیأت وزیران ارائه خواهد شد که در بخش‌هایی از این اصلاحات، موضوع مسکن و اشتغال معلولان را پیش‌بینی کرده‌ایم.

وی در ادامه گفت: دولت دکتر روحانی توسعه متوازن و متعادل و حتی تبعیض مثبت را پیگیری می‌کند، این دولت سیاست رفاهی را حقی برای مردم می‌داند، تعدادی از معلولان که به دلایل ژنتیکی و یا به دلیل ساختارهای نامناسب اجتماعی و یا حتی برنامه‌ریزی‌های ناصحیح دچار معلولیت شده‌اند را صاحب حق می‌داند.

ربیعی کارآفرینی را ایده‌پردازی خلاقانه برای مشارکت معلولان در عرصه اجتماعی ذکر کرد و گفت: کارآفرینی اجتماعی می‌تواند مشارکت اجتماعی گروه‌های مختلف را در جامعه ایجاد کند.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی حضور توانیابان را موجب تطفیف جامعه دانست و افزود: زیبایی‌های زندگی در تلاش مددجویان برای حضور مؤثر در جامعه، دیده می‌شود و حضور پرثمر آن‌ها در عرصه‌های گوناگون، نشاط و امید را در جامعه تسری خواهد داد.

در بخشی از اختتامیه، دبیر کل مجمع خیران سلامت و محمدمهدی عسگریور مدیرعامل خانه سینما طی سخنانی بر ضرورت توجه به مسایل معلولان به ویژه اشتغال آن‌ها تأکید کردند.

در ادامه کلیبی از توانمندی‌های کارآموزان مجتمع رعده به نمایش درآمد.

در پایان این مراسم با حضور دکتر ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، صدیقه اکبری مدیرعامل مجتمع آموزشی نیکوکاری رعده، دکتر طایبی معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دکتر زالی رییس دانشکده کارآفرینی و محمدمهدی عسگریور مدیرعامل خانه سینما از برترین‌های کارآفرینی اجتماعی تجلیل شد.

اسامی کارآفرینی اجتماعی برتر عبارت است از: «سعید ضروری» مدیرآموزشگاه مجازی وافل، «علیرضا رضایی عارف» مدیرعامل شرکت جوینده یابنده، «محمد موسوی» مدیرعامل شرکت گروه بهداشتی فیروز، «مازیار میری» کارگردان فیلم حوض نقاشی، «محمد نوری» رئیس هیئت مدیره دفتر فرهنگ معلولین قم، «ابراهیم هدایی» مدیرعامل مجتمع آموزشی نیکوکاری توانیابان مشهد، «اعظم گلدانی» مؤسس شرکت تحلیلگران جاوید آریا، «سارا راغبی» مدیر کارگاه تولیدی حمایتی دستان پرتوان بیرجند، «منصور برجیان» مدیرعامل انجمن علمی و آفرینش‌های هنری معلولان ایران، «فرزین فیروزآبادی» مدیرعامل تعاونی غذایی پاسارگاد.

همچنین در این کنفرانس لوح سپاسی توسط دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران به رسم یادبود و تجلیل از سیدرضا نیری پیشکسوت‌ترین کارآفرین اجتماعی اهدا شد.



## اندوخته مهربانی‌تان فزون‌تر باد!

می‌گویند نیما یوشیج در جشن تولد یک‌سالگی فرزندش نوشت: «پسرم! یک بهار، یک تابستان، یک پاییز و یک زمستان را دیدی! از این پس همه چیز جهان تکراری است جز مهربانی».

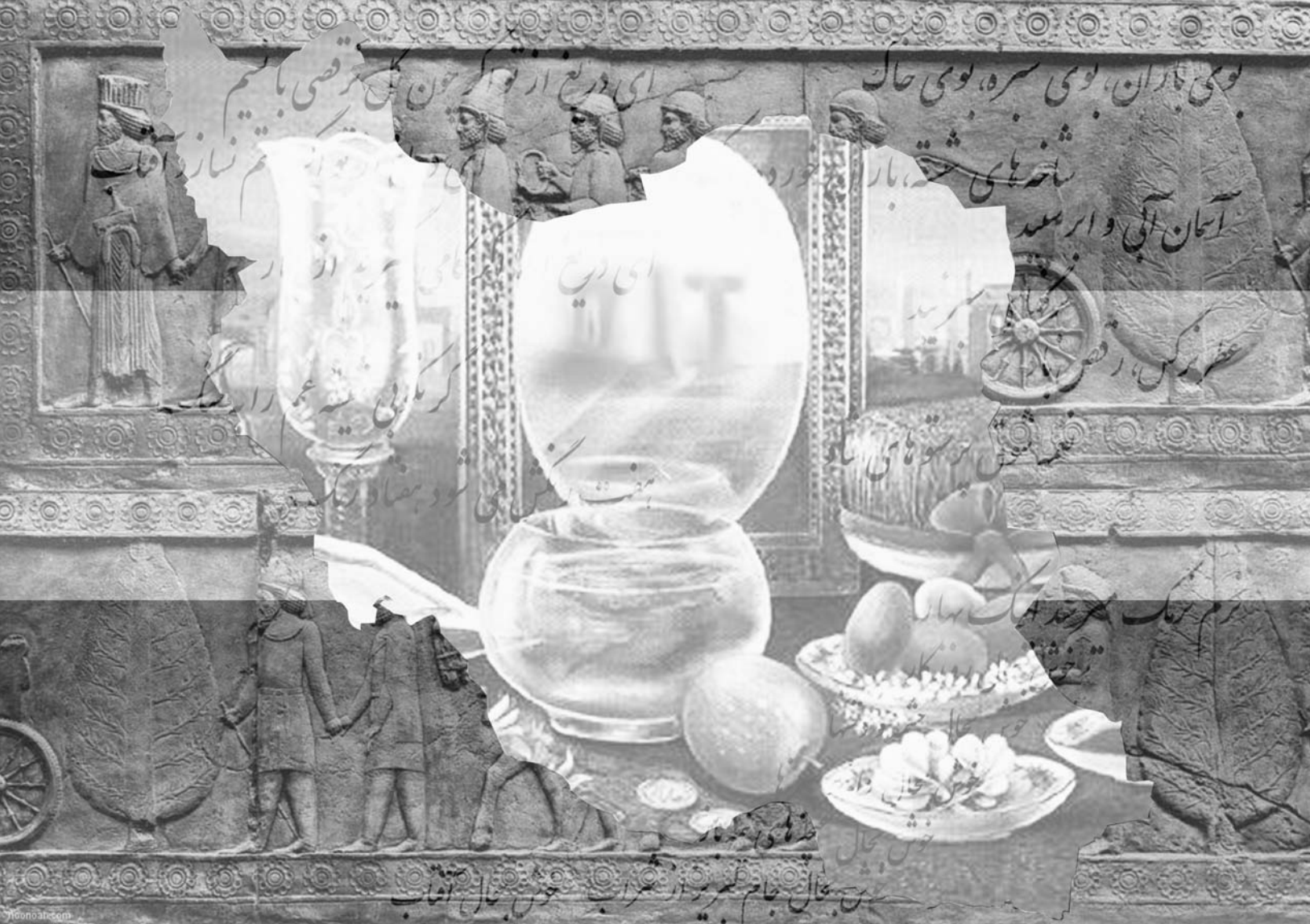
و این اتفاقی است که برای همه ما در آغاز تمامی سال‌ها رخ می‌دهد؛ پس بیاییم در عوض شمردن سال‌های سپری‌شده، یاد بگیریم مهربانی‌هایمان را بشماریم. هنگام سال تحویل به جای اینکه بگوییم «آغاز سال ۱۳۹۴» باید جمله «آغاز یک مهربانی جدید» را بر زبان بیاوریم؛ چرا که سال‌ها همانند یکدیگرند و پس از همه زمستان‌ها، بهار می‌آید و به دنبالش تابستان و پاییز و دوباره زمستان! اگر تنها به تکرار بچسبیم، چیزی جز بازگشتن بر سرخانه اول نصیبمان نمی‌شود. اگر قرار است سال‌های عمر ما چرخشی و تکراری باشند، باید کاری کنیم که در هر چرخش، اوجی اتفاق بیفتد. باید چرخش‌های تکراری ما ماریچی و روبه‌بالا باشند و باید با هر تکرار، چیزهایی که دوست داریم به‌وجود ما اضافه و چیزهایی که دوست نداریم، از ما کسر شوند. مهربانی، دوستی و محبت، اضافه‌هایی هستند که در هر تکرار باید در وجود ما بیشتر شوند. نامهربانی، نفرت و بی‌مهری هم آن دسته از کاستنی‌هایی‌اند که در هر دور، باید از ما جدا و دور شوند.

در بهار جدیدی که پیش روی ماست، به جای شمارش شمردنی‌ها، بیایید کیفیت‌های ارزشمندی را که ناشمردنی‌اند، جمع‌آوری کنیم. از خود بپرسیم در سال قبل چقدر خوب‌بودن را تجربه کردیم؟ تا چه اندازه در مقابل بدی‌ها گذشت کردیم و بدکرداری‌ها را نادیده گرفتیم؟ هرچه در روزهایی که گذشت اندوخته مهربانی ما بیشتر شود، دل‌هایمان به همان نسبت وسیع‌تر می‌شوند و نگاه‌هایمان افق‌های دورتری را می‌بینند. هرچه در تکرارهای زندگی، مثبت‌هایمان فزون‌تر شده باشند، نسبت به چرخه‌های پیشین در ارتفاعی بالاتر از آگاهی و آرامش قرار می‌گیریم. درست مانند جاده ماریچی رو به قله که هرچند در هر دورزدنی به‌ظاهر یک افق ثابت مقابلمان ظاهر می‌شود اما در حقیقت در هر چرخش، ما افق‌ها را از ارتفاعی بالاتر به نظاره می‌نشینیم.

بهار جدید فرارسید. طراوت و لطافت آن را می‌توان همین حالا احساس کرد. کافی است پنجره‌ها را باز کنیم و به نسیم جان‌بخش بهاری اجازه ورود بدهیم. در این همه تازگی و طراوت بیایید کمی به خود و اندوخته‌هایمان بیندیشیم. به این فکر کنیم که در چهار فصلی که مثل باد بر ما گذشت اندوخته محبت و مهربانی‌مان چقدر فزونی یافته‌است؟ این کار بسیار لازم است؛ چرا که به قول نیما یوشیج، بعد از اولین بهار، تمامی بهارها تکراری‌اند و تنها تفاوت آن‌ها، میزان مهربانی‌هایی است که در هر تکرار در دل خود جمع می‌کنیم. این تنها دارایی حقیقی ما از سال‌های گذشته و تنها سرمایه واقعی ما برای آینده پیش روست.

در آغاز سال نو تنها آرزویی که می‌توانیم تقدیمتان کنیم، افزونی مهربانی‌هایتان است و باقی حرف‌ها همگی تکراری بیش نیستند!

[www.movafghiat.com](http://www.movafghiat.com)



همه چیز درباره

## عید نوروز باستانی ایران

نوروز ایرانیان از بین‌النهرین، موافق نیست و عقیده دارد؛ از سه هزار سال پیش از میلاد، در آسیای غربی دو عید رواج داشته‌است، عید آفرینش در اوایل پاییز و عید رستاخیزی، که در آغاز بهار برگزار می‌شده‌است. بعدها دو عید پاییزی و بهاری به یک عید تبدیل گردیده و در بهار جشن گرفته می‌شده‌است. به اعتقاد مهرداد بهار، احتمالاً نوروز در ایران که قبل از هخامنشیان وجود داشته، در اوستا مطرح نمی‌شود، چون یک عید ملی محسوب می‌شده و اوستا یک کتاب دینی است و جشن‌های خاص خودش را دارد. بعد از گذشت زمان، سرانجام دین زرتشت، هم جشن مهرگان را که در آغاز یک عید بومی بوده و هم نوروز را می‌پذیرد.

در اصل جشن اول سال ایرانیان بوده‌است. از جشن نوروز در اوستا و ادبیات اوستایی هیچ نام برده نشده، چنان‌که از مهرگان نیز اشارتی نیست. در اواخر فرمانروایی داریوش بزرگ، ایرانیان که تحت تأثیر تمدن آسیای صغیر و سرزمین‌های مدیترانه‌ای قرار گرفته بودند، تقویم مصری را پذیرفتند که بر طبق آن سال به دوازده ماه سی روزه، به اضافه پنج روز اضافی (پنجه دزدیده یا خمسه مسترقه) تقسیم شده بود و در اعتدال بهاری آغاز می‌شد. این سال، یعنی سال اوستایی جدید، سال دینی زرتشتی گشت و تا امروز در نزد پارسیان حفظ گردیده‌است. روز اول سال در اعتدال بهاری، اول فروردین، عید نوروز است استاد مهرداد بهار با نظریه وام‌گیری عید

### نوروز در ایران باستان

مردم بابل از دوران‌های بسیار قدیم، روز اول سال را، عموماً در اعتدال بهاری (۲۱ مارس) جشن می‌گرفتند. این زمان اول بهار و آغاز فصل نو است، زمانی که طبیعت از خواب زمستانی بیدار می‌شود، در حقیقت آغاز سال نو بود. از لوحه‌ها چنین بر می‌آید که این جشن تقریباً از ۲۳۴۰ سال پیش از میلاد، شناخته شده بود.

### قدمت نوروز در ایران

آرتور کریستن‌سن، ایرانشناس نام‌دار دانمارکی نوشته‌است: سال ایرانیان باستان، به صورتی که آن را در سنگ‌نوشته‌های داریوش بزرگ در بیستون می‌یابیم، در پاییز آغاز می‌شد و جشن بسیار معروف مهرگان (بگیاد)،



شماره ۵۵ بهار ۱۳۹۴

## جشن زرتشتی فروردگان

جشن فروردگان یا جشن همسپمیدیه در دوران باستان به عنوان عید اصلی جشن گرفته می‌شد. این جشن فرورها بود و ظاهراً در آن هنگام ده روز و ده شب برگزار می‌شد. فرورها، همان ارواح مردگانند. نام فروردین که آغاز بهار است، برگرفته از نام فرورهاست. در فروردین یشت آمده است که؛ در مدت جشن فروردگان فرورهای مؤمنان از اقامتگاه‌های خود می‌آیند و مدت ده شب در کنار مردم می‌مانند. این جشن مربوط به بازگشت مردگان بود. زمان این جشن به حساب گاه‌شمارهای امروزی، پنج روز آخر اسفند و پنج روز اول فروردین، به حساب می‌آید. از زمانی که آغاز سال در اعتدال بهاری تعیین گردید، نوروز ششمین روز این جشن گشت که به فروردگان افزوده شد. بدین ترتیب اندیشه شکوه و پرافتخار بودن ششمین روز جشن سال نو در ذهن ایرانیان، از قبل وجود داشته و در زمان ساسانی هم حفظ گردید.

## نوروز کوچک

روز نخست فروردین ماه، نوروز عامه یا نوروز کوچک یا نوروز صغیر خوانده می‌شد. پنج روز اول فروردین جشن نوروز، گون‌های همگانی داشته و عموم مردمان به اجرای مراسم و سرور و شادمانی می‌گذرانیده‌اند، از این رو آن را نوروز عامه نامیده‌اند.

نوروز بزرگ در ششمین روز فروردین در گاه‌شماری زرتشتی ایران باستان، روز ششم هر ماه شمسی و ماه سوم هر سال خورشیدی، به نام خرداد می‌باشد. نوروز بزرگ یا خردادروز نام ششمین روز فروردین ماه در ایران باستان بوده‌است. خردادامشاسپند موکل بر آب است و این روز بدو منسوب می‌باشد. این روز در میان جشن‌ها و اعیاد فراوان ایران باستان به ویژه دوران ساسانیان از اهمیت و ارزش و تقدس خاصی بهره داشته‌است. بسیاری از حوادث مهم به موجب آن در چنین روزی واقع شده از جمله زرتشتیان بدان باور دارند که تولد زرتشت نیز در چنین روزی است بعدها وقتی ایرانیان اسلام و تقویم عرب را پذیرفتند، جشن زرتشتی فروردگان و نوروز بزرگ، در ششمین روز ماه فروردین، از بین رفت.

مراسم ایرانیان باستان در نوروز

آداب و رسوم نوروزی همه سرچشم‌های کهن دارند و از نظر گاه دانش مردم‌شناسی بسیار جالب توجه برای

مطالعه هستند. ایرانیان عقیده داشتند که سرنوشت انسان و جهان در سالی که در پیش است، در نوروز تعیین می‌شود و در این روز نیکبختی‌ها برای مردمان زمین، تقسیم می‌گردد و از این روست که ایرانیان آن را روز امید نامند.

## خوان نوروزی

ایرانیان عقیده داشتند که در ایام نوروز ارواح درگذشتگان از جایگاه آسمانی خود به زمین و به خانه‌های خویش باز می‌گردند. بازماندگان برای پذیرایی از آن‌ها سفرهای رنگین می‌گستراندند و انواع خوراکی‌ها و نوشاک‌ها را در آن می‌نهادند تا ارواح درگذشتگان از پذیرایی و صفا و پاکیزگی بازماندگان، دل خوش شده و آنان را برکت عطا کنند. این رسم توجیه سفره نوروزی یا هفت سین شد. استاد پورداود هفت سین را همان خوانی که جهت درگذشتگان می‌گسترند، می‌داند.

## کاشت حبوبات جهت تفال زدن

یکی از آیین‌های که پیش از نوروز تدارک آن مرسوم بوده، پروردن سبزه می‌باشد. به موجب روایتی کهن، بیست و پنج روز پیش از عید، ستون‌هایی از خشت خام اطراف حیاط دربار برپا می‌کردند و بر فراز هر ستونی نوعی دانه از حبوبات می‌کاشتند و خوبی و بدی رویش غلات را در سالی که در پیش بود، از چگونگی رویدن آن پیش‌بینی می‌کردند. معمول بود به رشد این دانه‌ها نگریده و هر یک از دانه‌هایی که بهتر بار آمده بود، تفال می‌زدند که آن محصول در سال بیشتر خواهد بود. در خانه‌ها نیز در ظروف ویژه سبزه به عمل می‌آوردند. هر کدام از مردمان در ظرفی یا چیزی مانند آن اقلامی از دانه‌ها از قبیل گندم، جو، برنج، لوبیا، عدس، ارزن، نخود، کنجد،

باقلا، ذرت، و ماش می‌کاشتند.

## جشن و مراسم آب پاشی

از جمله مراسم بسیار مشهور و سنتی معتبری که در نوروز انجام می‌شد، رسوم آبریزگان یا شست و شو و غسل و آب پاشیدن به یکدیگر بوده است. در جشن آبریزگان و به کار بردن آب، برای تطهیر و برای اطمینان یافتن از باران کافی بوده است. آبرویحان بیرونی می‌گوید مردمان هنگام سپیده‌دم این روز، خود را می‌شستند و در آب کاریزها و آبگیرها، غوطه‌ور می‌شدند. در این روز مردمان به یکدیگر آب می‌پاشیدند، به همان دلیلی که خود را می‌شستند و سبب آن همان اغتسال است. برخی گفته‌اند که علت این است که در کشور ایران دیرگاهی باران نبارید، ناگهان به ایران سخت ببارید و مردم به این باران تبرک جستند و از این آب به یکدیگر پاشیدند و این کار همین طور در ایران مرسوم بماند.

به نظر می‌رسد جشن آبریزگان اصلی همان تیرگان باشد و در نوروز عبارت بوده‌است از غسل و شست و شو و آماده شدن از لحاظ سنن دینی جهت حلول سال نو.

## هدایای نوروزی

در نوروز و مهرگان رسم بود که نمایندگان و بزرگان و فرمانروایان ایالات و اشراف و عامه مردم هر یک به توانایی و استطاعت، هدایایی را به دربار اهدا می‌کردند.

در نوروز مردم به یکدیگر شیرینی هدیه می‌دادند، این رسم در دوران ساسانی همگانی بوده‌است. در نوروز بزرگ، پیش از لب به سخن گشودن، شکر می‌خورند و بر خود روغن می‌مالند تا از انواع بلاها در طول سال، در امان باشند.



## جشن سوری پایان سال

یکی از جشن‌های آتش مرسوم جشن سوری پایان سال بود. این جشن در یکی از چند شب آخر سال که مسلمان چهارشنبه نبوده است برگزار می‌شده است. در جشن فروردگان مردم پیش از عید نوروز بر روی پشت بام‌ها، آتش برمی‌افروختند، اگر چنین می‌کردند تصور بر این بود که فروهرها ( ارواح مردگان) به طور گروهی بازگشته و مانند یک سپاه به بازماندگان کمک خواهند کرد. در نتیجه جنگ‌های خیلی مهم، را سعی می‌کردند که در بهار آغاز کنند چون فروهرها، در بهار به یاری بازماندگان می‌آیند.

## کوسه برنشین

مراسم کوسه برنشین یا بهار جشن، ابوریحان بیرونی شرح این رسم را آورده است که در اولین روز بهار مرد کوسه را بر خر می‌نشاندند که به دستی کلاغ داشت و به دستی بادزن که خود را مرتب باد می‌زد اشعاری می‌خواند که حاکی از وداع با زمستان و سرما بود و از مردم چیزی به سکه و دینار می‌گرفت. آن‌چه از مردم می‌ستاند، از بامداد تا نیمروز به جهت خزانه و شاه بود و آن‌چه از نیمروز تا عصر اخذ می‌کرد، تعلق به خودش داشت. آنگاه اگر از عصر وی را می‌دیدند، مورد آزار و شتم قرار می‌دادند. این رسم در روزگار ساسانی و دوره اسلامی، توسط غلامان سیاه اجرا می‌شده که ملبس به لباس‌های رنگارنگ شده و با آرایش ویژه و لهجه شکسته و خاصی که داشتند، دف و دایره می‌زدند و ترانه‌های نوروزی می‌خواندند. حاجی فیروزهای امروزی که مقارن نوروز و سال نو در کوی و برزن مردم را به طرب در می‌آورند، از بقایای آن رسم کهن است. با این تفاوت که امروزه چون غلام و سیاهانی نیستند که چنین کنند، دیگران خود را سیاه کرده و به زی آنان آراسته و تقلیدشان می‌کنند.

## میر نوروزی

در ایران رسم بود در ایام عید نوروز محض تفریح عمومی و مضحکه، فردی عامی از میان مردم را به عنوان پادشاه یا امیر یا حاکمی موقتی به نام میر نوروزی انتخاب می‌کردند و برای یک یا چند روز زمام امور شهری را به عهده‌اش می‌سپردند، پس از انقضای ایام جشن سلطنت او نیز به پایان

می‌رسیده است. واضح است که جز تفریح و خنده و بازی هیچ منظور دیگری در بین نبوده است و احکامی که مینوروزی صادر می‌کرده پس از نوروز به حال اول بازگردانده می‌شده است. نظیر این جشن در بابل نیز مرسوم بود.

## بار عام نوروزی

در زمان هخامنشیان، شاه، نوروز را در تخت جمشید برپا می‌داشت. از رسم‌هایی که شاهان در نوروز برگزار می‌کردند، یکی این بود که شاه جشن نوروز را افتتاح می‌کرد و به مردمان اعلام می‌داشت که وی آنان را بار خواهد داد و به آنان نیکی خواهد کرد. دومین روز، بلند پایه‌ترین کسان را بار می‌داد، یعنی دهقانان و اعضای خاندان‌های بزرگ (اشراف بلند پایه موروثی، ویسپوهران). سومین روز، اسوران و بلند پایه‌ترین موبدان را بار می‌داد. چهارمین روز، خانواده خود، نزدیکان و خویشان و درباریان را بار می‌داد و پنجمین روز، فرزندان و کارگزاران خود را بار می‌داد. بدین ترتیب به هر کدام رتبه و اکرامی را که شایسته آن بود ارزانی می‌داشت چون روز ششم فرا می‌رسید، شاه که وظایف خود را نسبت به آنان انجام داده بود، نوروز را برای خود و در خلوت جشن می‌گرفت.

در دو جشن بزرگ نوروز و مهرگان، تظلم و دادخواهی و بار عام شاه و رسوم اهدای پیشکش‌ها بسیار اهمیت داشت و با تشریفات فراوان اجرا می‌شد. در نوروز رسمی در دربار جاری بود که اربابان نقش بندگان را برعهده می‌گرفتند و برعکس. خواجه نظام‌الملک طوسی وزیر مشهور سلاطین سلجوقی نکته دیگری درباره جشن نوروز در زمان ساسانیان ضبط کرده است.

رسم ملکان عجم چنان بوده است که روز نوروز و مهرگان پادشاه اجازه دیدار عامه مردم را می‌داده است و هیچ کس را مانعی از دیدار با شاه نبوده است. هر کس قصه خویش نوشته و شکایت خود را آماده می‌کرد و شاه نامه‌ها و شکایات مردم را یک به یک، بررسی می‌کرد. اگر از شاه شکایتی می‌شد، موبد موبدان را قاضی قرار داده و شاه از تخت به زیر آمدی و پیش موبد به دو زانو می‌نشست و می‌گفت "بدون محابا بین من و این مرد داوری کن. هیچ گناهی نیست نزدیک ایزد تعالی، بزرگتر از گناه پادشاهان چون شاه

بیدادگر باشد، لشکر همه بیدادگر شوند و خدای عزوجل را فراموش کنند و کفران نعمت آرند." پس موبد به داد مردم، رسیدگی کرده و داد به تمامی بستاند و اگر کسی بر ملک، دعوی باطل کرده بود، عقوبتی بزرگ به او می‌داد و می‌گفت «این سزای آن کس است که بر شاه و مملکت وی عیب جوید.» در نوروز هر که ضعیف‌تر بود، نزدیک‌تر به شاه بود و کسانی که قوی‌تر بودند، باید دورتر از شاه جای می‌گرفتند. از زمان اردشیر تا زمان یزدگرد بزه‌گر (یکم)، این رسم بر جا بود. یزدگرد روش‌های پدران را بگردانید. خواجه نظام‌الملک طوسی، یزدگرد یکم را به عنوان پادشاهی که این رسم را برانداخته، معرفی کرده است ولی در واقع این رسم توسط یزدگرد دوم، لغو شده است.

## روایتی از پیامبر اسلام در مورد نوروز

در کیهان‌شناسی نوشته زکریا قزوینی، روایتی از پیامبر اسلام، آمده است که با استناد به قول عبدالصمد بن علی که از قول پدر بزرگش، عبدالله بن عباس آن را نقل کرده است، جامی سیمین محتوی شیرینی به پیامبر هدیه شد. پیامبر پرسید «این چیست؟» پاسخ دادند «این‌ها شیرینی نوروز است». وی گفت «نوروز چیست؟» پاسخ دادند «این عیدی بزرگ برای ایرانیان است.» گفت «این روزی است که در آن خدا سپاه را دوباره زنده کرد.» پرسیدند «کدام سپاه، ای پیامبر خدا؟» پاسخ داد «سپاه کسانی که از اقامتگاه‌های خود از ترس مرگ بیرون آمدند و هزاران بودند و خدا به آنان گفت، بمیرید و بعد آنان را آن روز زنده کرد و روان‌هایشان را به آنان بازگردانید و به آسمان فرمان داد که بارانی بر آنان ببارد، از این روست که مردمان این رسم را دارند که در این روز آب می‌پاشند.» سپس مقداری از آن شیرینی را خورد و محتوای جام را میان اصحاب خود تقسیم کرد. این روایت را ابوریحان بیرونی نیز در آثار الباقیه آورده است.

www.right-skin.com



▲ In the name of the Holly Friend, an article by Hossein Hosseini Taha

▲ We are hopeful that we will let the authorities know about the true needs of people with disabilities with the cooperation of the media

A report of the meeting between Tehran's center for people with disabilities and the media with regard to the role of the media in developing culture with regard to disability

▲ When working doesn't require showing up at a specific place

Conversing with Alireza Nemati, the managing director of the company "Yekta Web"; this company renders electronic services to universities and governmental and charity entities, he believes that people with disabilities' good command of these systems will lead to their employment



▲ Our goal is to introduce elite people with disabilities to the world

Conversing with Mohammed and Ali Nouri, the managing director and the deputy of the office for people with disabilities' culture; this office is active in publishing religious and university books in Braille and is also active in recruiting elite people with disabilities and having them introduced to the world



▲ When physical defect is marginalized



Conversing with the successful couple "Mahmoodi" and "Rahimi", about their married life

▲ I will bid farewell to this earthly existence

Murmur

▲ I want to once again swim against the stream

Murmur

▲ Along with people with disabilities luminaries

Introduction

▲ Mental fitness is just like physical fitness

Health

▲ The best way to use green tea

Health

▲ Introducing books

In the media

▲ All you need to know about "Eid Norouz"

▲ Raad news

▲ Leading article

▲ The role of the media in changing viewpoints-  
conversing with doctor Mohammed Kamali

Conversing with doctor Kamali, professor and member of the scientific board of the University of Rehabilitation Sciences about the role of the media in changing people's viewpoints toward people with disabilities

▲ I'm mostly sensitive about those who have been forgotten

Conversing with Poursan Derakhshandeh, a filmmaker who has made several films with regard to people who are living in the society but have been overlooked and forgotten



▲ The absence of the subject of disability is still felt in the media

Conversing with Reza Abdollahi, a person with disability who happens to be a reporter for Etila'at newspaper and who established in this newspaper the first page specific to people with disabilities



▲ Making documentaries is a good setting for developing culture

Conversing with Mohammed Pirouzram, a filmmaker who makes documentaries with regard to issues surrounding people with disabilities; he has made a lot of documentaries about people with disabilities

and believes that this will change the society's view on them



▲ Disability in the media; dos and don'ts

An article by Saeed Zaroori, a reporter on disability

▲ Media is the missing link in developing culture for the sake of disability

Conversing with Majid Entezari, a person with disability who happens to be a reporter for ISNA news agency; after undergoing Raad's trainings he is presently working in ISNA as a typist and is also working as a journalist in the economic section of this news agency



▲ As long as these fellows are around, so am I

Conversing with Majid Zeynalzadeh, a photographer of people with disabilities' sports; he is working in the federation of people with disabilities and is present in all respective competitions both domestic and abroad and by no means is he willing to trade his field of activity for any other

